

شبهات پژوهش

سال دوم / شماره ۲۵ / بهار ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه‌های علمیه

مدیر مسئول: محمدباقر پورامینی

سر دبیر: محمد جعفری

دبیر تحریریه: محمد مهدی حکمت‌مهر

ویراستار: محمد محمدی

صفحه آرا: سجاد ناصری

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

عباس کعبی: استاد خارج فقه و اصول حوزه علمیه

محمدباقر پورامینی: استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

محمد جعفری: دانشیار مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله

رسول رضوی: استاد دانشگاه قرآن و حدیث

ابوالفضل ساجدی: استاد مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله

حمیدرضا شاکرین: دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

محمد فنایی اشکوری: استاد مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله

حمید کریمی: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

نشانی: قم، بلوار شهید کیوانفر، انتهای کوچه ۶، مدرسه علمیه جعفریه، مرکز مطالعات و

پاسخگویی به شبهات - حوزه‌های علمیه.

نشانی اینترنتی: <http://www.shobhepajouhi.ir/>

محورهای مقالات قابل پذیرش در مجله

الف) شبیهه: چستی شبیهه، موضوع‌شناسی شبیهه، اهداف شبیهه، مبادی تاثیرگذار در تکون شبیهه، کارکردهای شبیهه، منشأ و انگیزه شبیهه، فرایند تکون شبیهه، گونه‌شناسی شبیهه، برآیند شبیهه در علوم، معیارهای تعیین و تشخیص شبیهه، برآیندها شبیهه‌پراکنی، آینده شبیهه، ابزارهای شبیهه‌پراکنی.

ب) نحوه مواجهه و پاسخ‌گویی به شبیهه: چستی پاسخ‌گویی (چستی و روش)، اهداف و فواید پاسخ‌گویی، روش‌های مواجهه با شبیهه، رویکردهای مواجهه با شبیهه، مبادی تاثیرگذار در تکون پاسخ‌گویی، کارکردهای پاسخ‌گویی، انگیزه پاسخ‌گویی، فرایند تکون پاسخ‌گویی، گونه‌شناسی پاسخ‌گویی، برآیند پاسخ‌گویی در علوم، معیارهای تشخیص نحوه پاسخ‌گویی، برآیندها پاسخ‌گویی، ابزارهای پاسخ‌گویی، کاستی‌ها و بایستگی‌های پاسخ‌گویی، منابع پاسخ‌گویی، آینده پاسخ‌گویی.



لطفاً به هنگام تنظیم مقالات موارد زیر رعایت شود:

فایل نهایی مقاله، به سامانه مجله ارسال شود.

حجم هر مقاله بیش از ۲۵ صفحه حروف‌چینی شده ۳۰۰ کلمه‌ای نباشد.

چکیده مقاله، حداکثر در ۱۵۰ کلمه باشد. چکیده آینه تمام‌نمای مقاله است که شامل بیان مسئله، هدف پژوهش، روش و اجمالی از یافته‌های مهم پژوهش می‌باشد. کلیدواژه‌ها فهرست موضوعی است.

مقدمه مقاله، شامل تعریف مسئله، پیشینه اجمالی پژوهش، ضرورت و اهمیت، جنبه نوآوری بحث، پرسش‌های اصلی و فرعی.

سامان‌دهی بدنه اصلی مقاله، باید واجد یکی از شرایط زیر باشد: ارائه نظریه و یافته جدید علمی؛ ارائه تقریر و تبیین جدید از یک نظریه؛ ارائه استدلال جدید برای یک نظریه؛ ارائه نقد جامع علمی یک نظریه.

نتیجه‌گیری: بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق که بصورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد.

مقاله ارسالی نباید در هیچ نشریه چاپ شده باشد و نباید هم‌زمان به سایر مجلات فرستاده شود.

منابع مورد استفاده، در متن به این شکل نوشته شود: نام خانوادگی نویسنده، تاریخ انتشار، شماره صفحه (مظفر، ۱۳۵۷، ص ۱۹۴) و فهرست منابع در آخر مقاله، به شکل ذیل تنظیم گردد:

الف) کتاب: نام خانوادگی، نام؛ عنوان کتاب؛ نام مترجم؛ نوبت چاپ، محل نشر؛ ناشر، سال انتشار.

ب) برای مقاله: نام خانوادگی، نام؛ «عنوان مقاله»، نام مجله؛ شماره مجله، سال انتشار.

مطالب مندرج در فصلنامه، مبین آرا و اندیشه‌های نویسندگان آنهاست.



فهرست

- ملاحظات روش‌شناختی در چگونگی مواجهه با الحاد جدید
حمیدرضا شاکرین ۷
- خاستگاه و مبادی شبهات علم دینی
رمضان علی تبار ۳۱
- گونه‌شناسی شبهات تاریخی و ترفندهای آنان
مصطفی محسنی ۵۹
- نیازسنجی پژوهشی در گستره شبهه‌پژوهی
احمدرضا فامیل دردشتی ۸۳
- پاسخ‌گویی به سؤالات از منظر قرآن کریم (مبانی، اهداف، شیوه‌ها و نمونه‌ها)
مجید خاموشی ۱۱۷
- تعیینات شخصیتی شبهه‌گران و حاملان شبهه در پارادایم نظری اسلام
فرانک بهمنی / سعید بهمنی ۱۴۵

The Quarterly Journal
Motaleate Shobhepajouhi
Vol. ۱/issu. ۲/ Spring ۲۰۲۳

Methodological Considerations in How to Face the New Atheism

Received date: ۲۰۲۲.۰۷.۲۹ Accepted date: ۲۰۲۲.۱۱.۱۴

—Hamidreza Shakerin *

Abstract

New atheism is a social political movement in conflict with any religious belief and practice. The mentioned movement is the main focus of producing and promoting various doubts in the field of basic religious beliefs, the origin of religion, the role and function of religion in human life, the relationship between religion and science, the relationship between religion and ethics, etc. This issue has made many researchers and thinkers all over the world to struggle and try to criticize and highlight its loose foundations, anti-rational and anti-science methods. What is missing to a large extent in this regard is a look at the method of facing and responding to the doubts of this movement and its requirements and merits. The present research aims to introduce the new atheism with a descriptive-analytical method, and then to examine the appropriate requirements in facing this movement. The result of the research is to present the necessary knowledge and steps in this arena, to clarify the necessity for philosophy in this field, the appropriate capacity of theology and Islamic philosophy, and the need to avoid falling into the lap of modern theological systems in this regard.

Keywords: Religion, New Atheism, Scientific Atheism, Modern Theology.

*Associate Professor in Logic of Comprehending Religion Department at Research Institute for Islamic Culture and Thought, Qom, Iran.

E-mail: shakerinh@gmail.com

إعتبرات منهجية في كيفية مواجهة الإلحاد الجديد

حميدرضا شاكرين*

المستخلص

الإلحاد الجديد هو حركة سياسية اجتماعية تتعارض مع أي معتقد ديني وممارسته. الفكرة المذكورة تعتبر المحور الرئيسي لإنتاج وتعزيز الشبهات المختلفة في مجال: المعتقدات الدينية الأساسية، أصل الدين، دور ووظيفة الدين في حياة الإنسان، العلاقة بين الدين والعلم، العلاقة بين الدين والأخلاق و إلى ما يشابه ذلك. وقد دفع هذا الموضوع العديد من الباحثين والمفكرين في جميع أنحاء العالم إلى البذل ومحاولة النقد وإبراز و تسليط الضوء على أسسها المرتخية و أساليبها الطائشة ومعادية للدين ومناهضة للعلم. ما ينقص إلى حد كبير في هذا المجال، هو نظرة خاصة على أسلوب المواجهة والإجابة عن الشبهات لهذه الحركة و استدراك متطلباتها ومزاياها. يهدف البحث الحالي إلى التعريف بالإلحاد الجديد بالمنهج الوصفي-التحليلي، ثم دراسة المتطلبات المناسبة لمواجهة هذه الفكرة. تكون نتيجة البحث تقديم المعارف والخطوات اللازمة في هذا المجال، تبيين سبب الحاجة إلى الفلسفة في هذا السياق، السهبة المناسبة لعلم الكلام والفلسفة الإسلامية وفي نفس الوقت ضرورة تجنب الوقوع في حضي الأنظمة اللاهوتية الحديثة في هذا المصاف.

الكلمات المفتاحية: الدين، الإلحاد الجديد، الإلحاد العلمي، اللاهوتية الحديثة، الكلام الإسلامي، الفلسفة الإسلامية.

* أستاذ مشارك في قسم منطق الفهم الديني في مركز أبحاث الفلسفة ودراسات الدين، معهد الثقافة والفكر الإسلامي.

نشریه علمی

مطالعات شبهه‌پژوهی

سال اول، بهار ۱۴۰۱، ش ۲

ملاحظات روش‌شناختی در چگونگی مواجهه با الحاد جدید

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۷ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۸/۲۳

حمیدرضا شاکرین *

چکیده

الحاد جدید جنبشی سیاسی اجتماعی در ستیز با هرگونه اعتقاد و عمل دینی است. جریان یاد شده عمده‌ترین کانون تولید و ترویج شبهات گوناگون در حوزه باورهای پایه دینی، خاستگاه دین، نقش و کارکرد دین در زندگی بشر، رابطه دین و علم، رابطه دین و اخلاق و... است. این مسئله باحثان و اندیشمندان بسیاری را در سراسر جهان به تکاپو و تلاش در جهت نقد و برجسته ساختن بنیادهای سست، روش‌های خردگريزانه، دین سوز و دانش ستیز آن واداشته است. آنچه در این میان تا حد زیادی غایب است نگاهی به روش مواجهه و پاسخگویی به شبهات این جریان و بایسته‌ها و شایسته‌های آن است. تحقیق حاضر بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی الحاد جدید را معرفی، سپس بایسته‌های مناسب در مواجهه با این جریان را بررسی کند. ماحصل تحقیق معرفی دانش‌ها و گام‌های لازم در این عرصه، روشن ساختن وجه حاجت به فلسفه در این زمینه، ظرفیت مناسب الهیات و فلسفه اسلامی و لزوم احتراز از درغلطیدن به دامان نظام‌های الهیاتی مدرن در این مصاف است.

واژگان کلیدی: دین، الحاد جدید، الحاد علمی، الهیات مدرن، الهیات اسلامی، فلسفه اسلامی.

shakerinh@gmail.com

* دانشیار گروه منطق فهم دین پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مقدمه

الحاد از ماده لحد (به فتح و ضم لام و سکون حاء) در لغت به معنای گریزش از چیزی، و به عبارت دیگر عدول از حد وسط و میل به جوانب دیگر است (بنگرید: لسان العرب، ج ۳، ص: ۳۸۹، ذیل ماده لحد). در التحقیق آمده است: «لحد: أصل يدل على ميل عن استقامة، يقال ألحد الرجل إذا مال عن طريقة الحق والإيمان ... لحد بِنِ وَاژه‌ای است که دلالت بر اعراض از استقامت و راه مستقیم دارد. هر گاه کسی از مسیر حق و ایمان کناره گیرد، گفته می‌شود الحاد ورزیده است...» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۱۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۳۷). در قرآن مجید نیز واژه الحاد به معنای کناره‌گیری از حقیقت و پویش راه ضلالت و نادرستی به کار رفته است (جبل، ۲۰۱۰م، ص ۱۹۶۱، ذیل ماده لحد). در سوره فصلت آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفُونَ عَلَيْنَا»؛ «به درستی آنانکه درباره آیات ما انحراف ورزیده و از مسیر صحیح می‌گریزند، از ما پوشیده و مخفی نیستند» (فصلت: ۴۰) و در جای دیگر است: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ»؛ «و نیکوترین نامها [به لحاظ معانی] ویژه خداست، پس او را با آن نامها بخوانید و آنان که در نامهای خدا به انحراف می‌گیرند را رها کنید؛ آنان به زودی به همان اعمالی که همواره انجام می‌دادند، جزا داده می‌شوند» (اعراف: ۱۸۰) انحراف در اسماء خدا آنست که او را با نامهایی که نشان دهنده کاستی و نقص است، بخوانند (ترجمه قرآن مجید، حسین انصاریان) و یا اینکه صفات خاص خدا از قبیل رازق، خالق، معبود و غیره به دیگران نسبت داده شده و این مفاهیم را ویژه آنها بدانیم؛ چنانکه مشرکان و غالیان چنین می‌کردند (بنگرید: قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۸۲). در عین حال کاربرد رایج واژه الحاد امروزه غالباً در خداناباوری، معادل آتئیسم (Atheism) در برابر تئیسم؛ (Theism) یعنی اعتقاد به وجود خدا است (Paul; ۱۹۶۷; vol I. p. ۱۷۵).

الحاد در طول تاریخ با فراز و فرودهایی رخ نموده و همواره اقلیتی بسیار محدود به آن تمایل نشان داده‌اند؛ ولی در عصر روشنگری به مثابه یک نظام باور تام رخ نموده است (۷۴). (See: Julian Baggini, *Atheism: a very short Introduction*, p. ۷۴).

در نگاه شماری از اندیشمندان ریشه این مسئله تغییر زیست جهان طبیعی - که در آن خداوند در امور طبیعی و حیات سیاسی و اجتماعی نقش پررنگی داشت - به زیست جهان مدرن است که بتدریج خدای توحیدی و نهادهای دینی را از صحنه خارج ساخت (۲۰۰۷). (See: Charles Taylor, ۲۰۰۷). نقد کلیسا و آموزه‌های آن برای رهایی از حاکمیت این نهاد و کاهش نفوذ آن (۲۰۰۴). (See: Alister Mcgrath, ۲۰۰۴)، تشکیک‌های دیدید هیوم در مباحث الهیاتی و ظهور و بسط دیدگاه‌های امثال فریوید، فوژباخ و مارکس نیز در تقویت بنیان‌های نظری دین‌گریزی و خودبسندہ‌انگاری الحادی نقش قابل توجهی داشتند (جهت آگاهی بیشتر بنگرید: علی شهبازی، ۱۳۹۹، ص ۳۲-۳۳).

پدیده الحاد به اعتبارات گوناگون به اقسام و گونه‌های مختلفی تقسیم شده است؛ از جمله به الحاد نظری و عملی (۲۰۱۴). (See: Pasquini, ۲۰۱۴)، دوستانه (Friendly) و مهاجم (Millitant/Combatant)، نرم و سخت، سلبی و ایجابی، باریک و عریض، فلسفی و علم‌بنیاد، عملی و نظری و... از جمله تقسیمات آن عبارت است الحاد سنتی یا کلاسیک و الحاد جدید یا مدرن (۱-۱۱، ۴۵: ۱۹۹۹). (See: Dupre, ۱۹۹۹).

الحاد جدید یک اصطلاح خاص علمی با سابقه طولانی دارای تعریف دقیق و مشخص در متون علمی نیست؛ بلکه مدت زمان کوتاهی است بر سر زبان‌ها افتاده و در نگاه‌ها و موضع‌گیری‌ها بسط پیدا کرده است. براساس دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا (Wikipedia, the free encyclopedia, *New Atheism*) این تعبیر پس از «حادثه یازده سپتامبر» در سال ۲۰۰۶ توسط ژورنالیست شکاک (agnostic) گری ولف برای اشاره به وضعیت ترویج شده توسط برخی از ملحدان قرن بیست و یکم به کار رفته است

Wolff, Gary, in *The New Atheism, The Church of the Non-Believers*;)
 ۲۰۰۶ reprinted in *Wired Magazine*, November . الحاد مدرن توسط
 نویسندگانی بسط یافته است که دین را هم‌ردیف خرافه‌پرستی (superstition)،
 خردگریزی، حماقت و... قرار داده و بر عدم تساهل، لزوم نقد و مقابله با دین و آثار آن
 در حکومت، تعلیم و تربیت و سیاست تاکید می‌کنند (See New Atheists ۲۰۱۶.;
 also: Simon, ۲۰۱۰, & Whitley Kaufman, ۰۷ November ۲۰۱۸,
 ۱۲۵۶۰, ۳, ۱۱۱۱/doi.org/۱۰). شماری از این نویسندگان که به
 پلایه‌داران (horsemen) الحاد مدرن اشتهار یافته‌اند عبارتند از: سام هریس، دنیل
 دنت، ریچارد داوکینز و کریستوفر هیچنز.

الف) ویژگی‌های الحاد جدید

برخی از محققان در اینکه الحاد جدید به لحاظ نظری و معرفتی تفاوتی اساسی با الحاد
 سنتی داشته و پیشبرد معرفتی یا گونه جدیدی از آن به نمایش گذارد را به‌جد انکار
 کرده‌اند (Emilsen, June ۲۰۱۲, p. ۵۲۴). در عین حال اگرچه کم و بیش
 شباهت‌هایی در مواضع جریان الحاد نو و قدیم می‌توان یافت و چه بسا نتوان مرز قاطعی
 بین آن دو کشید، اما با بررسی آنچه در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم رخ
 نموده می‌توان گفت ویژگی‌های زیر در جریان الحاد جدید ظهور و بروز بیشتری دارد:

۱. رویکرد اثباتی به معنای خروج از موضع شک و ندانم‌گویی و تلاش برای اثبات
 نبودن خدا و مطرح نمودن بی‌خدایی به صورت یک عقیده مدلل؛
۲. رویکرد تهاجمی به دین، دین‌ستیزی افراطی؛ نفی تساهل و مدارا با هرگونه
 دینداری و آزادی بیان دینی و مخالفت با آموزش و تعلیم و تربیت دینی حتی در
 خانواده‌ها تا آنجا که داوکینز تربیت کودکان با هرگونه هویت دینی را نوعی
 کودک‌آزاری معرفی می‌کند (Beattie, ۲۰۰۷, p. ۶)؛

۳. دعوی تعارض علم و دین و تلاش و تبلیغ گسترده برای برجسته‌سازی تعارض

ادعایی؛

۴. ترویج ادعای تعارض و تضاد بین دین و خدا باوری با اخلاق، تا آنجا که داو کینز دین را مسئول بسیاری از خشونت‌ها و مخرب ارزش‌ها و اخلاقیات دانسته است (ibid)؛ بدین‌روی الحاد جدید با نفی منبعیت دین و عقل برای اخلاق، به ترویج اخلاق علم‌بنیاد همت گماشته و بر آن است که اخلاق باید از چنگ فیلسوفان و دین‌باوران خارج و به زیست‌شناسان سپرده شود (Wilson, ۱۹۷۵, p. ۲۷).

۵. دعوی فلسفه‌گزینی و تکیه انحصاری به روش تجربی و استخدام علوم تجربی در جهت نظریه‌پردازی ماتریالیستی و الحادی؛ این در حالی است که مدعیات آنان مبتنی بر شماری از مبانی فلسفی و متافیزیکی است که در عین انتخاب آگاهانه این مبانی، در بیان مواضع خود آنها را پنهان می‌دارند (Whitley, June ۲۰۱۰, p. ۱۹۰-۱۹۴).

۶. تلاش برای تبیین طبیعی و فیزیکیال همه چیز، به‌ویژه برگ‌های برنده دینداران، مانند مسئله نفس، معنویت، معنای زندگی و حتی مسئله خدا و دین (Pigliucci, ۲۰۱۳, p. ۱۴۲-۱۵۳).

۷. سطحی‌اندیشی، عامی‌نگری و منطق‌گزینی؛ شماری از محققان بیان داشته‌اند که نوملحدان هدف و همت خود را مصروف حجمه تمام عیار و نفرت‌پراکنی نسبت به دین قرار داده و با مخالفان خود نه به روش منطقی، که با اهانت، سخره‌گرفتن، تنفر آشکار و خشونت (See: Thomas Zenk, ۲۰۱۳ p. ۲۵۲-۲۵۳) برخورد می‌کنند. پلاتینگا نیز اشاره کرده است که پیشرانان این جریان به لحاظ معرفتی بسیار فروپایه‌تر از ملحدان کلاسیکی همچون راسل، مکی و یا کسانی چون نیگل، ویلیام رو و... بوده و لکه سیاهی بر چهره گفت‌وگوهای عصر حاضر در باب خدا و دین به‌شمار می‌روند (Plantinga, ۲۰۱۱, p. x-xi).

۸. رویکرد تبلیغی با بهره‌گیری از پوشش رسانه‌ای؛ رسانه‌ها در بسط الحاد جدید و بسترسازی جهت همگرایی و اعلام هویت جمعی سردمداران آن نقش عمده‌ای داشته‌اند (Cimino and Smith., p. ۱۷-۳۱). داو کینز در اوایل سال ۲۰۰۹ یکصد و چهل هزار پوند جمع‌آوری شده توسط انجمن اومانیت انگلستان را صرف تبلیغات الحادی روی صدها اتوبوس در شهرهای مختلف انگلستان کرد (<http://www.guardian.co.uk> , Butt, ۲۰۰۹ , world /) که روی آنها نوشته شده بود: «احتمالاً خدایی در کار نیست، پس نگران نباشید و زندگی را خوش باشید» (There's probably no God. Now stop worrying and enjoy your life) از این قبیل تبلیغات می‌توان به ساخت مستندهای آموزشی، تبلیغاتی و شبکه‌هایی چون «iflscience.com» اشاره کرد که بیش از بیست میلیون دنبال‌کننده فیس‌بوکی دارد (Available online at <https://www.facebook.com/IFeakingLoveScience>). همچنین است گردهمایی‌های بزرگی که در مناطق مختلف دنیا برگزار می‌کنند. برای نمونه همایشی به سال ۲۰۱۲ در آمریکا با شرکت ده‌ها هزار نفر برگزار شد که شماری از چهره‌های معروف این جریان در آن سخنرانی کردند (Smith, p. ۸۰ - ۹۹).

۹. نظام‌سازی و تلاش برای ایجاد جامعه کاملاً سکولار و تهی از دین. در موارد ذکر شده بالا آنچه اهمیت و جلوه بیشتری دارد دین ستیزی حاد و افراطی الحاد جدید است. به عبارت دیگر الحاد نو یک موج و جریان سیاسی، اجتماعی و جنبش ضد دینی نوین است که به بهانه انفجار برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی نیویورک در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ سربرکشیده و همه هم خود را مصروف آن داشت که خدا باوری را در عصر علم و تکنولوژی امری نابخردانه و دین را منشأ شر و پدیده‌ای خطرناک و زوددنی جلوه دهد (Alister McGrath & Stewart, ۲۰۰۸ : See: Stewart, ۲۰۰۸, p. ۶, ۱-۱۶, Daniel Dennett in Dialogue). در نگاه جان لنوکس

فیلسوف و ریاضی‌دان ایرلندی، این کینه دین‌ستیزانه تکرار خطای تاریخی دین‌ستیزی اروپای شرقی است. او از شماری اندیشمندان روسی نقل می‌کند که ما می‌پنداشتیم با رها شدن از خدا می‌توان ارزش‌های انسانی را پاس داشت؛ در حالی که هم خدا راتباه کردیم و هم انسان را. از نظر ایشان داو کینز چیزی از واقعیت‌های قرن بیستم نمی‌داند. به او باید گفت به لهستان بیاید تا اگر حقیقتاً گوش شنوایی داشته باشد، شواهدی از پیوند میان الحاد و ستمگری را با او در میان بگذاریم (Lennox, ۲۰۱۱, p. ۸۷).

از دیگر تعابیر مطرح در ادبیات جدید «الحاد علمی» (Scientific Atheism) است. بنا به روایت تامس دیکسون (Thomas Dixon) الحاد علمی خود نوعی دین‌واره و گونه‌ای از نگره ایمانی است. به عبارت دیگر، بر خلاف ارتکاز اولیه این تعبیر صرفاً به معنای اثبات بی‌خدایی با استمداد از علوم طبیعی نیست؛ بلکه آیینی مشتمل بر گمانه‌های زیر است:

۱. نفی وجود خدا، فرشته، معجزه، حیات فرالین جهانی، بهشت و دوزخ و نفس مجرد.
۲. علم کیشی یا باور به اصالت دانش تجربی (Scientism)؛ یعنی اینکه دانش طبیعی تنها معرفت معتبر بشری و یا حداقل کارآمدترین و قابل اعتمادترین معرفت است.
۳. لزوم جایگزینی جهان‌بینی طبیعت‌گرایانه و خداگریزانه به جای جهان‌بینی توحیدی و فراطبیعت‌باورانه؛ به عبارت دیگر استوارسازی معنای زندگی، اخلاق و دیگر ارکان یک جهان‌بینی بر عمود دانش تجربی (Dixon, ۲۰۰۲, p. ۳۳۷-۳۵۹).

ب) بایسته‌های معرفتی مواجهه با الحاد جدید

الحاد جدید و علمی در سه حوزه دانشی دنبال می‌شود: (۱) الحاد در حوزه فیزیک ذرات و فیزیک کیهانی؛ (۲) الحاد وابسته به زیست‌شناسی فرگشتی؛ (۳) الحاد مرتبط با علوم شناختی. رویارویی منطقی و مستدل در برابر این پدیده نیازمند درک درست از

ویژگی‌ها، ابعاد و وجوه آن؛ مجهز بودن به دانش‌ها و معارف مرتبط و بسترهای شکل‌گیری الحاد در آنها؛ چگونگی خوانش الحادی از نظریات مطرح در این علوم، شناخت رویکردها و دیدگاه‌های مقابل، تسلط بر وجوه مختلف مسئله و برداشتن گام‌های مرتبط به صورت منطقی و مستدل، در عین کار بست زبان مشترک و قابل فهم همگانی است. بنابراین آشنایی با دانش‌های زیر شرط لازم برای درک شبهات الحاد علمی و پاسخ به آنها است:

(۱) دانش فیزیک؛ به ویژه فیزیک کلاسیک، فیزیک نسبیت، نظریه کوانتوم در فیزیک ذرات و هم در کیهان‌شناسی‌های کوانتومی؛ نظریه‌هایی چون مدل استاندارد مه‌بانگ، نظریات جهان باز یا بسته، مدل بی‌مرزی، تورم کیهانی، تئوری میم، کیهان‌شناسی ریسمانی و مدل‌های چندجهانی، تقریرات تصادفی و از هیچ و خودبسنده‌انگارانه پیدایش جهان و...

(۲) زیست‌شناسی فرگشتی و تحولات آن، به ویژه سنتز تکاملی مدرن و همچنین گونه‌های مواجهه با آن مانند آفرینش‌گرایی، تکامل خداپاورانه، نظریه طراحی هوشمند، طبیعت‌گرایی نئوداروینیستی و تکامل پساداروینی؛

(۳) علوم شناختی؛ به ویژه فلسفه ذهن و نگره‌های متنوع فیزیکالیستی در آن، عصب‌شناسی الهیات، روان‌شناسی شناختی دین و...

آنچه گفته آمد نشانگر چندرشته‌ای بودن مسئله از یکسو و از سوی دیگر نیاز به پرورش متخصصان و پژوهشگران خاص هر یک از حوزه‌های یاد شده است، تا بتوان به‌طور عمیق و متناسب با شرایط کنونی جهان علم و معرفت به تولید دست‌مایه‌های معرفتی لازم و آثار فاخر و اثرگذار در این زمینه دست یافت.

ج) فلسفه و الحاد جدید

نقد الحاد نیازمند مجهز شدن به دانش و بینش عمیق فلسفی است. این مسئله در نقد الحاد فلسفی آشکار و بی‌نیاز از توضیح است. اما در باب الحاد جدید که دعوی علمی بودن داشته و با استمداد از علوم یاد شده به ترویج نگره الحادی می‌پردازد چطور؟ برخی را گمان بر این است که الحاد علمی باید علمی پاسخ داده شود و کاربست ادله و مباحث انتزاعی فلسفی در این زمینه بی‌حاصل، موجب ناهمزبانی و بیگانه با ذهنیت تجربی حاکم بر رویکرد الحادی جدید و متعاطیان آن است.

پاسخ این است که استفاده از علوم تجربی در مواجهه با الحاد جدید امری لازم و بایسته است، اما چنین نیست که منحصراً از طریق دانش تجربی بتوان به این مصاف رفته و مباحث را به سرانجام لازم رساند. برای روشن شدن مطلب باید توجه داشت که الحاد به‌طور کلی و حتی الحاد علمی به انحای مختلف با فلسفه تماس و آمیختگی دارد، از جمله اینکه:

۱. در مواردی مبتنی بر انگاره‌های فلسفی است، هرچند حامیان آن از این مسئله غافل بوده یا سعی در پنهان نمودن آن دارند. برای مثال اساسی‌ترین مبنای الحاد که بن‌مایه اساسی آن تلقی می‌شود طبیعت‌گرایی است. این طبیعت‌گرایی حداقل دو وجه دارد: یکی طبیعت‌گرایی هستی‌شناختی و دیگری طبیعت‌گرایی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی. این امور انگاره‌هایی فلسفی و فراعلمی بوده، در علم جدید نیز به‌مثابه پیشفرض علم توسط طبیعت‌گرایان توصیه شده و ناقدان آن نیز استدلال می‌کنند که چنین توصیه‌ای فاقد هرگونه پشتوانه تجربی و نظری بوده و صرفاً امری گزینشی، دلبخواهی، فاقد انسجام منطقی و خودستیز است (Rea ۲۰۰۲, see: McMillan, ۲۰۱۱; Yandell ۲۰۰۰).

۲. بسیاری از مسائلی که در الحاد علمی مطرح می‌شود با مباحث فلسفی قرابت و

رابطه تنگاتنگی داشته، بدون بررسی فلسفی نمی‌توان نتایج الهیاتی آنها را به دقت کاوید. از این قبیل است دلالت‌های الهیاتی مسئله آغاز در کیهان‌شناسی (شاکرین، ۱۴۰۰، شماره ۲۷، پاییز و زمستان)؛ مسئله شانس و تصادف در فیزیک ذرات (گلشنی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۰-۳۸۵) و کیهان‌شناسی کوانتومی (شاکرین، ۱۴۰۰، ص ۹-۲۲)، نیز در زیست‌شناسی فرگشتی و نسبت آن با فاعلیت خداوند (شاکرین، ۱۴۰۱، ص ۳۴۷-۳۷۰). نمونه دیگری از این دست مسئله رابطه کمالات وجودی با پیچیدگی و ترکیب است که داو کینز برهان نامحتملی را بر اساس آن صورت پردازی کرده است (بیهی، دمبسکی، میر، ۱۳۹۸، ص ۱۹-۲۶۰).

۳. برخی از مسائل اساساً از جنس فلسفی بوده، در عین حال از سوی نوملحدان و باحثان الحاد علمی نیز مطرح می‌شود، ولی عمدتاً از طریق دینی یا فلسفی قابل تحلیل و بحث هستند، مانند مسئله علت العلل و مسئله شر. از این قبیل است تبیین نهایی جهان و حیات که علم ناتوان از انجام آن است. از همین رو بسیاری دانشمندان و فیلسوفان علم نیز یادآور شده‌اند که تبیین علمی فروپایه و درچارچوب محدودی است و هرگز نمی‌تواند از آن فراتر رود و تبیین نهایی از آن دین و فلسفه است.

از آنچه گذشت روشن شد که الحاد علمی در سه حوزه مواجهه با فلسفه دارد: (۱) حوزه پیش‌علمی (۲) حوزه درون علمی (۳) حوزه پس‌علمی. البته فلسفه مورد نیاز در این زمینه صرف مباحث عام فلسفی یا حوزه الهیات بمعنی الاخص نبوده، محورهای دیگری نیز مورد نیاز است از قبیل فلسفه علم، بویژه فلسفه مضاف به دانش‌های مرتبط مانند فلسفه فیزیک، فلسفه زیست‌شناسی، فلسفه علوم شناختی.

د) گام‌های لازم در مواجهه با شبهات نوملحدان

از منظر شیوه رویارویی و مقابله با الحاد جدید پس از مشخص ساختن سطح بحث و

گونه‌شناسی مخاطبان، به تناسب برداشتن گام‌های زیر مفید و در مواردی ضروری است:

۱. بررسی و نقد بنیان‌ها و مبانی الحاد جدید، مانند طبیعت‌گرایی هستی‌شناختی، طبیعت‌گرایی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی، طبیعت‌گرایی انسان‌شناختی و طبیعت‌گرایی ارزش‌شناختی؛ بویژه روشن ساختن ناستواری اساسی این مبانی و مغایرت آنها با علم‌پسندگی مورد ادعای الحاد علمی.

۲. بیان حدود و ثغور علم، توانش‌ها و ناتوانی‌ها، قوت‌ها و ضعف‌ها، قلمرو و محدودیت‌ها، میزان و درجه اعتبار معرفتی و بالاخره اینکه دانش تجربی نه تنها معرفت معتبر است و نه مهم‌ترین و معتبرترین آنها. افزون بر آن معرفت علمی خود وابسته و تخته‌بند پاره‌ای معارف فراتجربی است و بدون آنها کاری از پیش نتواند برد.

۳. روشن ساختن اینکه تعارض علم و دین مسئله‌ای واقعی نبوده و آنچه امروزه گروهی به آن دامن می‌زنند نه برخاسته از دین است و نه دانش؛ بلکه تحمیلی بر هردو از سوی پاره‌ای جریان‌های فکری کژاندیش، چه در حوزه الحاد و بی‌دینی و چه به نام دین و دینداری است.

۴. آشکار ساختن عدم تک‌صدایی در علم و اینکه غالب نظریات علمی، اگر نگوئیم همه، پیوسته مورد بحث و گفتگوها و مجادلات گوناگونی است و همواره موافقان و مخالفانی داشته و به تدریج مورد حک و اصلاح، پالایش و تکمیل و یا احیاناً حذف و جایگزینی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر چه بسا نظریه‌ای نتوان یافت که برای همیشه و همه ارباب دانش به یکسان مقبول و مورد پذیرش باشد. البته این مسئله در دیگر حوزه‌های معرفتی نیز کم و بیش وجود دارد و یکی از عوامل رشد و غنای معرفتی بشر است. در عین حال، برخلاف تصور عمومی، وضعیت دانش‌های تجربی، به‌ویژه علوم انسانی، از این جهت خاص‌تر و چندصدایی در آنها بیشتر است.

۵. تبیین اینکه نگره الحادی به‌هیچ روی سخنگوی علم نبوده؛ بلکه اولاً شمار

دانشمندان خدا‌باور در همه علوم بسیار بیش از خدا‌ناباوران است. از قضا بسیاری از این دانشمندان، از طریق همین علوم و نظریات جدید علمی در راستای خداشناسی و اثبات وجود خدا و تبیین ضرورت و کارکردهای مثبت دین گام برمی‌دارند؛ و یا با استفاده از همین علوم در مقابل نگره الحادی ایستادگی کرده و شبهات آنان را پاسخ می‌گویند.

۶. آشناسازی مخاطبان با دیدگاه‌های دانشمندان خدا‌باور، نحوه استدلال و نقد آنها بر جریان الحاد. این مسئله از آن رو اهمیت دارد که استدلال‌های این گروه به‌ویژه برای غالب افراد که بیگانه با ادبیات و نگرش فلسفی هستند، بسیار کارگشا و مفید است و با استفاده از بن‌مایه‌های فلسفی و کلامی خودی می‌توان برخی از ضعف‌ها و اشکالات احتمالی آنها را برطرف ساخت. بنابراین چنین رویکردی، به‌ویژه برای اذهان علمی مفید و لازم، اما ناکافی و نیازمند اصلاح، تکمیل و ارتقا با تکیه بر درونمایه‌های اندیشه و حکمت اسلامی است.

۷. رصد دائمی و به‌هنگام جریان الحاد در عرصه‌های مختلف نظری و عملی، تلاش برای بسط معارف عقلی دینی، ابتکار عمل در تولید دلایل جدیدی که در عین اتقان، دارای قدرت اقناعی بالا و قابل فهم عموم باشد. همچنین به تناسب استفاده از همه ظرفیت‌های معرفتی در دفاع از عقاید دینی و دفع شبهات منکران، اعم از معرفت دینی، شهودی، فلسفی و علوم تجربی ضروری و لازم است.

ه) الهیات اسلامی یا الهیات مدرن؟

از دیگر مسائلی که در چگونگی مواجهه با الحاد جدید مطرح شده این است که آیا الهیات اسلامی ظرفیت و توانایی لازم برای رویارویی و پاسخ به شبهات و مدعیات این جریان جدید و علم بنیان را دارد یا نه؟ و در صورت ضعف و ناتوانی راه چاره چیست؟ آیا بهتر نیست که در این زمینه دست به دامن جریان‌های الهیاتی مدرن مانند الهیات

پویشی، الهیات گشوده، الهیات اگزستانسیالیتهی و امثال آن شویم؟

سوگمندانانه گفتنی است شماری از کسانی که از شم فلسفی برخوردار نبوده و آشنایی درستی با میراث گران سنگ فلسفه و کلام اسلامی ندارند گمان می‌برند که دستگاه الهیاتی و حکمی اسلامی تهی از بن‌مایه‌های لازم برای مواجهه با الحاد جدید و علم بنیان است و کم و بیش برخی جریان‌های الهیاتی مدرن را بر سنت فلسفی و الهیاتی اسلامی ترجیح می‌دهند.

بررسی این مسئله، نیازمند تفکیک بین مسائل علمی و فلسفی، همچنین تفکیک بین نوآورده‌های گسسته از مبانی خاص فلسفی و الهیاتی و غیر آن است. بنابراین مسئله را در سه جانب می‌توان دنبال کرد:

۱۹



۱. در مسائل علمی مرتبط با بحث الحاد و خداآوری دانشمندان غربی، اعم از پیروان الهیات کلاسیک مسیحی و یا پیروان جریان‌های الهیاتی مدرن آثار گران سنگی از خود به یادگار گذاشته‌اند. این دستاوردها نسبت به جریان‌های مختلف فلسفی و الهیاتی نسبت یکسانی داشته و استفاده از آنها با ملاحظه میزان اتقان علمی آنها، برای همه اندیشوران و محققان این حوزه قابل توصیه است.

۲. در مسائل نظری فراعلمی گاه نوآوری‌ها و نگره‌هایی از جانب اصحاب جریان‌های الهیاتی مختلف مطرح می‌شود که مبتنی بر نگره‌های خاص این جریان‌ها نبوده و با الهیات اسلامی نیز سازگاری کامل دارد. از چنین مواردی، به شرط صحت و اتقان فلسفی و منطقی می‌توان استقبال نمود و اینکه گوینده و پردازنده آن کیست و متعلق به چه مرامی است نباید مانع از استفاده و بهره‌برداری از مطالب صحیح، متقن، مفید و نوآورانه شود. این همان چیزی است که قرآن مجید به آن فراخوانده و فرموده است: «... فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ»؛ «پس بشارت ده بندگان مرا، آنان که به سخن گوش فرامی

دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند. اینان کسانی هستند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان» (زمر، ۱۷-۱۸).

۳. در مسائل الهیاتی، گاه دیدگاه‌هایی از سوی جریان‌های مدرن مطرح می‌شود که با مبانی اسلامی در تعارض است. مواردی چون تکامل‌پذیری خدا در الهیات پویایی، نفی علم مطلق الهی یا تأویل آن به گونه‌ای که نافی علم پیشین الهی به همه رفتارهای انسان بشود در الهیات گشوده، همچنین نفی حکمت یا قدرت مطلقه الهی در گونه‌های الهیاتی دیگری مانند الهیات ضعیف، الهیات رنج و... نمونه‌هایی از این سنخ‌اند.

گمانه‌های یاد شده از سویی ناتوان از حل شماری از پرسش‌های الهیاتی بشر معاصر بوده و از دیگر سو در تعارض صریح با عقاید اسلامی برآمده از متون دینی‌اند. دیگر آنکه از نظر عقلی و منطقی هم ناستوار و مغایر با ژرفکاوای‌های عقلی و فلسفی است. افزون بر این همه، دستگاه کلامی و فلسفی بالیده در فرهنگ اسلامی، بویژه حکمت متعالیه ظرفیت بسیار بالایی در پاسخ به پرسش‌های الهیاتی داشته و به حل مسائلی پرداخته است که جهان غرب همچنان گرفتار نارسایی‌های جدی در حل آنها است. از باب نمونه به‌طور فشرده می‌توان موارد زیر را مثال آورد:

۱. مسئله علت‌العلل یکی از پیچیده‌ترین مسائل الهیاتی و فلسفی است که براساس تحقیقات نگارنده هیچیک از اندیشمندان غربی در حل آن توفیق نیافته و همواره به صورت مسئله‌ای پر ابهام و بغرنج در فلسفه غرب باقی مانده و دستاویزی برای انتقاد خداناباوران و زمینه شکاکیت و الحاد بسیاری از اصحاب فکر و اندیشه شده است. این در حالی است که فلسفه صدرایی بر اساس نظریه اصالت وجود و تشکیکی و ذومراتب بودن آن به‌نحو تحسین‌انگیزی از این مشکل فراز آمده و شبهات و ابهامات موجود را به‌خوبی پاسخ می‌گوید (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۹۴-۵۰۰).

۲. رابطه نفس یا ذهن و بدن اساسی‌ترین مسئله فلسفه ذهن است و جریان الحادی با

نگره فیزیکیالیستی در این باره با شماری از عقاید دینی همچون وحی و نبوت، معاد و حیات پس از مرگ، اختیار و اراده آزاد مخالفت می‌ورزد. در برابر این انگاره نگره ایدئالیستی و دوگانه‌انگاری جوهری دکارتی قرار دارد که هریک با اشکالاتی روبرو هستند. این مسئله در فلسفه صدرایی به گونه‌ای حل شده که هم از گرفتار آمدن در دام فیزیکالیسم رها است، هم به دامان ایدئالیسم فرو نمی‌غلطد و هم از مشکلات دوگانه‌انگاری جوهری دکارتی پیراسته است (شاکرین، ۱۴۰۱، ص ۷۱-۸۸).

۳. مسئله آغاز از جمله مباحث مهم مطرح در میان الهیدانان و فیزیکدانان بوده و از همین رو شماری از ایشان مه‌بانگ را حامی بزرگی برای خدا باوری تلقی کرده، در مقابل نیز کسانی چون فرد هوپل به دلیل گرایش‌ات الحادی از آن سربر تافته‌اند. لیکن ژرف‌کاوی‌های فلسفی نشان می‌دهد که مه‌بانگ در نهایت می‌تواند صغریایی برای برهان حدوث زمانی جهان فراهم آورد و آنچه این نگره در پی دارد صرفاً صغرای حدوث صورت جهان است، نه ماده آن. در نگره صدرایی اما بدون حاجت به نظریه مه‌بانگ نیز راه‌هایی برای اثبات حدوث عالم وجود دارد، برای مثال حرکت جوهری حدوث ماده و صورت جهان هر دو را اثبات می‌کند.

در نگره پیشاصدرایی حدوث امری تاریخی و یکبار در تاریخ جهان است، اما بر اساس حرکت جوهری حدوث ماده و صورت امری پیوسته و دائمی است، نه امری تاریخی و تنها یک‌بار در گذشته. بر اساس حرکت جوهری همه مدل‌های مطرح شده در کیهان‌شناسی قدیم و جدید، اعم از تک جهانی و چندجهانی، جهان‌های باز یا بسته و... همه با حدوث تجدیدی عالم سازگاری کامل دارند و اثبات حدوث و نیازمندی جهان وابسته به هیچ یک از تبیین‌های فیزیکی جهان نبوده و با هیچیک نیز متعارض نیست. بنابراین اثبات وجود خدا بدون اثبات حدوث زمانی عالم، بویژه حدوث زمانی مطرح در نگاه متکلمان نیز ممکن است و حدوث زمانی نه تنها راه اثبات وجود حق تعالی است و

نه بهترین آن.

۴. از طرف دیگر نگره حدوث زمانی پیشاصدرایی به دلیل اتکا بر آغاز زمانی عالم، در نهایت می‌تواند برای اثبات وجود خدا در موجودات مادی و زمانمند بکار آید، اما نسبت به دیگر مخلوقات همچون فرشتگان و... ناتوان است. افزون بر آن نگره یاد شده تنها اثباتگر حاجت به علت در حدوث است، اما در نگره فلسفی، بویژه در حکمت متعالیه حدوث و بقا به یک ملاک حاجتمند علت‌اند و از این جهت اندک تفاوتی بین آن دو نیست.

نمونه دیگر از توانایی‌های فلسفه اسلامی حل رابطه کمالات وجودی با پیچیدگی و ترکیب است که داو کینز برهان نامحتملی را بر اساس آن صورت‌پردازی کرده و فلسفه صدرایی به خوبی آن را پاسخ می‌گوید. داو کینز در کتاب «ساعت ساز کور» می‌گوید امری پیچیده است که دارای اجزایی باشد و آن اجزا به گونه‌ای در کنار هم سازمان یافته باشند که احتمال تحقق آن به واسطه شانس بسیار کم باشد. برای روشن‌تر شدن مسئله لازم است، نگاهی به اقسام چهارگانه پیچیدگی انداخته شود که عبارتند از:

(۱) پیچیدگی ساختاری؛ یعنی انداموارگی و ترکیب از اجزای متعدد همچون یک ارگانسیم یا دستگاه صنعتی پیشرفته؛

(۲) پیچیدگی وصفی، یا اتصاف به صفات مختلف؛

(۳) پیچیدگی کنشی و کارکردی؛ یعنی منشأ افعال و آثار متعدد بودن، همچون نفس انسانی که منشأ آثار فراوانی است و به تعبیر صدرالمتألهین نفس در عین وحدت و بساطتش جامع جمیع قوای مدرکه، فعاله و... است (شیرازی، ۱۹۸۱ م، ج ۸، ص ۱۴۸ و ۲۲۱).

(۴) پیچیدگی شناختاری؛ یعنی چیزی چنان باشد که به دشواری بتوان حقیقت آن را

شناخت. از این قبیل است رفتار موجی ذره‌ای نور که فیزیک کلاسیک را در تفسیر آن با دشواری شناختی مواجه ساخت. از میان اقسام چهارگانه فوق، داو کینز تنها به قسم اول اشاره کرده است که اختصاص به پدیده‌های مادی دارد. این در حالی است که خداوند حقیقتی فرامادی است، نه مادی و کاربست این تعابیر در حقایق فرامادی، به‌ویژه خداوند که بسیط علی‌الاطلاق است کاملاً نابجا و ناسخته است.

از طرف دیگر در فلسفه صدرایی به خوبی روشن شده است که هر اندازه موجودی در سلسله مراتب هستی کامل‌تر باشد، از بساطت بیشتری برخوردار بوده، مقید به قیود و شرایط کمتر و به حقیقت هستی نزدیک‌تر و امکان و احتمال تحقق آن بیشتر است؛ تا آنجا که بسیط علی‌الاطلاق وجود محض و عین هستی است. چنین حقیقتی مشروط به هیچ شرطی نبوده، واجب الوجود، ضروری التحقق، بلکه عین تحقق است و دیگر موجودات همه هستی خود را وامدار اویند (شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۶، ص ۱۱-۱۹ و ص ۱۰۰؛ علامه طباطبایی، ۱۴۱۶ق، مرحله دوازدهم، فصل چهارم).

موارد متعدد دیگری نیز وجود دارد که شرح آنها تحقیق مفصل دیگری می‌طلبد.

نتیجه

۱. الحاد جدید به لحاظ نظری و معرفتی افزوده‌ای بر الحاد سنتی ندارد، لیکن ویژگی‌های آن عبارت است از: موضع اثباتی، رویکرد تهاجمی به دین، دعوی تعارض دین با علم و اخلاق، فلسفه‌گزینی و استخدام علوم تجربی در جهت نظریه‌پردازی‌های الحادی، تلاش برای تبیین طبیعی و فیزیکال همه چیز از جمله نفس، معنویت، معنای زندگی، خدا، دین و تلاش برای ایجاد جامعه کاملاً سکولار و تهی از دین.

۲. الحاد جدید در عین دعوی فلسفه‌گزینی و علمی بودن در سه حوزه پیش‌اعلمی، درون علمی و پس‌اعلمی با فلسفه آمیختگی و بر آن مبتنا دارد.

۳. بن‌مایه‌های معرفتی لازم در نقد الحاد جدید عبارت است از: دانش فیزیک، زیست‌شناسی فرگشتی، علوم شناختی، فلسفه و الهیات.
۴. گام‌های لازم در مواجهه با شبهات نوملحدان عبارت است از: (۱) نقد بنیان‌ها و مبانی الحاد جدید، (۲) بیان حدود و ثغور، توانش‌ها و ناتوانی‌های علم، درجه اعتبار علم و وابستگی آن به پاره‌ای معارف فراتجربی (۳) ابطال دعوی تعارض علم و دین (۴) آشکارسازی عدم تک‌صدایی در علم و اینکه نگره الحادی سخنگوی علم، آن هم به‌نحو انحصاری نیست (۵) آشناسازی مخاطبان با دیدگاه‌های دانشمندان خدا‌باور (۶) رصد جریان الحاد در عرصه‌های مختلف نظری و عملی، (۷) بسط معارف عقلی دینی با قدرت اقناعی بالا و قابل فهم عموم مخاطبان (۸) استفاده از همه ظرفیت‌های معرفتی در دفاع از عقاید دینی و دفع شبهات منکران.
۵. فلسفه و الهیات اسلامی از ظرفیت بالایی در مواجهه با شبهات الحاد جدید برخوردار بوده و در این مصاف نیازمند اتکا به جریان‌های الهیاتی مدرن، بویژه در موارد معارض با اندیشه اصیل اسلامی نیست. افزون بر آن حفظ اصالت اندیشه دینی و التقاط‌گریزی نیازمند هوشیاری لازم و اجتناب از فروغلطیدن در دام اینگونه جریان‌ها است.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب؛ بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
۲. بیهی، مایکل؛ دمبسکی، ویلیام، میر، استفان، پیدایش جهان: تصادف یا طراحی هوشمندانه، ترجمه سلاله امینیان، تهران: پارسیک، ۱۳۹۸.
۳. حسن جبل، محمدحسن، المعجم الاشتقاقی الموصل لالفاظ القرآن الکریم، قاهره: مکتبه الآداب، ۲۰۱۰ م.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۵. شاکرین، حمیدرضا، «بررسی انتقادی «مدل بی مرزی هاو کینگ هارتل» و دلالت های فلسفی - الهیاتی آن با تاکید بر حکمت متعالیه»، معرفت کلامی، شماره ۲۷، پاییز و زمستان، ۱۴۰۰ ق.
۶. شاکرین، حمیدرضا، «بررسی و نقد طبیعتگرایی انسان شناختی با تاکید بر فیزیکیالیسم حذفی»، انسان پژوهی دینی، دوره ۱۹، ش ۴۷، شهریور ۱۴۰۱ ق.
۷. شاکرین، حمیدرضا، «جهان بی علت یا علتمند؟ بررسی و نقد نگره پیدایش بی علت جهان بر اساس کیهان شناسی مهبانگ»، کلام اسلامی، شماره ۱۲۰، اسفند ۱۴۰۰ ق.
۸. شاکرین، حمیدرضا، «خدا و تصادف تکاملی، ناساز یا همساز؟»، فلسفه دین، دوره ۱۹، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۱ ق.
۹. شهبازی، علی، الحاد جدید، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۹.
۱۰. شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم (صدر المتألهین)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۶ و ۸، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین، نهاية الحکمة، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۱۲. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱.
۱۳. گلشنی، مهدی، تحلیلی از دیدگاه های فلسفی فیزیک دانان معاصر، چاپ پنجم،

تهران: پژوهشگاه فرهنگ و علوم انسانی، ۱۳۹۰.

۱۴. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.

۱۵. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، چاپ ششم، تهران: صدرا، ۱۳۷۴.

۱۶. Bagguini, Jullian, **Atheism, A Very Short Introduction**, Oxford University Press, New York, ۲۰۰۳.

۱۷. Beattie, Tina, **The New Atheists: The Twilight of Reason and the War on Religion**; London, Darton, Longman & Todd, ۲۰۰۷.

۱۸. Butt, Riazat, **Atheist Bus Campaign Spreads the Word of No God Nationwide**, <http://www.guardian.co.uk/world/2009>.

۱۹. Cimino, Richard and Christopher Smith. **Atheisms Unbound: The Role of the New Media in the Formation of a Secularist Identity, Secularism and Nonreligion** ۱, DOI: ۱۰,۵۳۳۴/snr.ab.

۲۰. Dixon, Thomas, "Scientific Atheism as a faith Tradition", **Studies in History and Philosophy of Biological and Biomedical Sciences**, ۳۳ (۲۰۰۲), p. ۳۳۷-۳۵۹.

۲۱. Dupre, Louis, **On The Intelctual Sources of Modern Atheism**, **International Journal for Philosophy of Religion** ۴۵: ۱-۱۱, ۱۹۹۹.

۲۲. Edwards, Paul, "Atheism" in Paul Edwards (ed). **The Encyclopedia of Philosophy** (New York: Macmillan and free press, ۱۹۶۷), vol I. p. ۱۷۵.

۲۳. Emilsen, William W., **The New Atheism and Islam**, **Sage Journals, The Expository Times**, Volume ۱۲۳, Issue ۱۱: ۵۲۱-۵۲۸, June ۲۰۱۲. DOI: ۱۰,۱۱۷۷/۰۰۱۴۵۲۴۶۱۲۴۴۸۷۳۷.

۲۴. Hooper, Simon. "The rise of the New Atheists". CNN. Retrieved ۱۶ March ۲۰۱۰, & Whitley Kaufman, **New Atheism and its critics**, First published: ۰۷ November ۲۰۱۸, <https://doi.org/10.1111/phc3.12560>.

۲۵. Jaegwon, Kim, (۲۰۰۳), "The American Origins of Philosophical Naturalism", **Journal of Philosophical Research**, APA Centennial Volume pp. ۸۳-۹۸.
۲۶. Krikorian, Yervant H. (ed.), ۱۹۴۴, **Naturalism and the Human Spirit**, New York: Columbia University Press.
۲۷. Lennox, John C. Gunning for God: Why the New Atheists are Missing the Target, **Oxford**: Lion Hudson, ۲۰۱۱.
۲۸. McGrath, Alister, (۲۰۰۹) **A Fine-Tuned Universe: The Quest for God in Science and Theology**, Westminster John Knox Press.
۲۹. Mcgrath, Alister, **The Twilight of Atheism, the rise and fall of Atheism in the Modern World**, New York: Doubleday, ۲۰۰۴.
۳۰. McMullin, E. ۲۰۱۱. **Varieties of Methodological Naturalism. in: The Nature of Nature**, Bruce L. Gordon and William A Dembski (eds.) ISI BOOKS.
۳۱. Pasquini, John J. **Atheist Persona, causes and consequences**, **University Press of America Inc.**, New York, ۲۰۱۴.
۳۲. Pigliucci, Massimo, "New Atheism and the Scientific Turn in the Atheism Movements", **Midwest Studies in Philosophy**, vol. ۳۷, no. ۱, September ۲۰۱۳, pp. ۱۴۲-۱۵۳.
۳۳. Plantinga, Alvin (۲۰۱۱), **Where the Conflict Really Lies: Science, Religion and Naturalism**, New, York: Oxford University Press.
- Plantinga, Alvin. (۲۰۱۰). **Religion and Science. In: Stanford Encyclopedia of Rosenberg**, Alex. (۲۰۱۱), The atheist's guide to reality. New York: W. W. Norton & Co.
۳۴. Rea, C. M. ۲۰۰۲. **World without Design: The Ontological Consequences of Naturalism**. New York: Oxford University Press.
۳۵. Smith, Jesse M., **Creating a Godless Community. The Collective Identity Work of Contemporary American Atheists**, March ۲۰۱۳, *Journal for the Scientific Study of Religion* ۵۲(۱):۸۰-۹۹, DOI:۱۰,۲۳۰۷/۲۳۳۵۳۸۹۲.

۳۶. **Stanford Encyclopedia of Philosophy**, Naturalism, substantive revision Tue Mar ۳۱, ۲۰۲۰.
۳۷. **Stanford Encyclopedia of Philosophy**; Confucius, Tue Mar ۳۱, ۲۰۲۰.
۳۸. Stewart, Robert B. “The Future of Atheism: An Introductory Appraisal.” **In the Future of Atheism**: Alister McGrath & Daniel Dennett in Dialogue. Edited by Robert B. Stewart, ۱-۱۶, (Minneapolis: Fortress Press, ۲۰۰۸).
۳۹. Taylor, Charles, **A Secular Age**, Cambridge and Massachusetts: Harvard University Press, ۲۰۰۷.
۴۰. **The Internet Encyclopedia of Philosophy**. "New Atheists", Retrieved ۱۴ April ۲۰۱۶.
۴۱. Whitley, Rob, “Atheism and mental health”, **Harvard Review of Psychiatry** , June ۲۰۱۰, ۱۸(۳):۱۹۰-۴.
۴۲. Wikipedia, the free encyclopedia, **Intuition**, edited on ۱۹ July ۲۰۲۱, at ۱۰:۲۳ (UTC).
۴۳. Wikipedia, the free encyclopedia, **New Atheism**. edited on ۲۳ December ۲۰۲۲, at ۱۴:۳۰ (UTC).
۴۴. Wilson, Edward O., **Sociobiology: The new synthesis**, ۱۹۷۵; Harvard University Press.
۴۵. Wolff, Gary, “in The New Atheism, The Church of the Non-Believers”; **reprinted in Wired Magazine**, November ۲۰۰۶.
۴۶. Yandell, David and Moser, Paul K. ۲۰۰۰. “Farewell to Philosophical Naturalism”, **in: Naturalism: A Critical Analysis**, W. L. Craig (ed.), London: Routledge.
۴۷. Zenk, Thomas, “**New Atheism**”, in Bullivant, Stephen & Rose, Micheal (eds.) **The Oxford Handbook of Atheism**, Oxford: University Press, ۲۰۱۳. pp. ۲۵۲-۲۵۳.

The Origin and Primer of the Religious Science Doubts

Received date: ۲۰۲۲،۰۹،۲۹ Accepted date: ۲۰۲۲،۰۱،۰۳

————— Ramezan Alitabar *

Abstract

Approaches to the 'religious science' can be broadly categorized into several main axes, such as narrative-centric, experiential-based, foundational and Ijtihad-oriented approaches. In narrative-centric approaches, the authenticity is primarily derived from religious narrated teachings sources. Most of critics of religious science deny its possibility due to the narrative-centric approach in religious cognition and also orientation to experience in scientific cognition (exclusivity of religion to narrations and exclusivity of science to experience). Consequently, they have raised numerous doubts within the realm of religious science. This article, with analytical-critical method, will focus on the origins and primer of doubts in religious science. One of the most significant findings of the article is that the main origins and primer of doubts in religious science can be traced back to the type of approaches in religious studies, science cognition and methodology.

Keywords: Religious Science, Doubts, Origins, Primer, Science Cognition, Religious Studies.

* Associate Professor in Logic of Comprehending Religion Department at Research Institute for Islamic Culture and Thought, Qom, Iran. E-mail: alitabar@chmail.ir.

مصدر شبهات العلم الديني و مبادئها

رمضان على تبار*

المستخلص

وجهات النظر في موضوع العلم الديني يمكن تقسيمها في عدة محاور عامة؛ على سبيل المثال: الموجهة نحو النص "الاقْتِباسات"، القائم على التجربة، التأسيسي، و ايضا الموجهة نحو الاجتهاد. في التوجه السردي، تُعطى الأصالة للتعاليم السردية. فقد ينكر معظم نقاد العلم الديني مبدأ إمكانية العلم الديني بسبب وجود التوجه السردي في المعرفة الدينية و التجريبية في الإدراك العلمي (اعتماد الدين على النصوص والعلم على التجربة)؛ لذلك خططوا و أثاروا الكثير من الشبهات في مجال العلم الديني. ستتركز هذه المقالة على مصدر الشبهات في العلم الديني و مبادئها بطريقة تحليلية نقدية. ومن أهم ما توصل إليه المقالة، هو أن مصدر الشبهات في العلم الديني و مبادئها الرئيسية متجذرة في نوع المعرفة عن الدين والعلم والمنهج

الكلمات المفتاحية: العلم الديني، الشبهات، المصدر، المبادئ، معرفة العلم، معرفة الدين.

*. أستاذ مشارك في قسم منطق الفهم الديني في مركز أبحاث الفلسفة ودراسات الدين، معهد الثقافة والفكر الإسلامي.

نشریه علمی
مطالعات شبهه‌پژوهی
سال اول، بهار ۱۴۰۱، ش ۲

خاستگاه و مبادی شبهات علم دینی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۷ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳

رمضان علی تبار*

چکیده

رویکردها در باب علم دینی در چند محور کلی؛ نظیر «نقل محور» (نص‌بند)، تجربه‌محور، مبناگرا، اجتهادمحور قابل تقسیم‌اند. در نقل محوری، اصالت به آموزه‌های نقلی داده می‌شود. بیشتر منکران علم دینی، به دلیل نقل محوری در معرفت دینی و تجربه‌گرایی در معرفت علمی (انحصار دین به نقل و علم به تجربه) اصل امکان علم دینی را انکار می‌کنند؛ لذا شبهات زیادی را حوزه علم دینی طرح و رواج دادند. مقاله حاضر با روش تحلیلی - انتقادی به خاستگاه و مبادی شبهات علم دینی خواهد پرداخت. از مهم‌ترین یافته‌های مقاله این است که خاستگاه و مبادی اصلی شبهات علم دینی، ریشه در نوع دین‌شناسی، علم‌شناسی و روش‌شناسی دارد.

واژگان کلیدی: علم دینی، شبهات، خاستگاه، مبادی، علم‌شناسی، دین‌شناسی.

مقدمه

از مسائل مهم در دین‌پژوهی و علم‌شناسی، به‌ویژه اندیشه اسلامی، مسئله «علم دینی» است. در این زمینه، طیف وسیعی از رویکردها و دیدگاه‌ها شکل گرفته است. این مسئله در سطوح مختلف، شبهاتی را نیز به همراه داشته است. یکی از مهم‌ترین اضلاع پرچالش این موضوع، مسئله چستی علم دینی است. نوع تلقی برخی موافقان و منکران علم دینی از این موضوع، منشأ شبهات فراوانی در ساحت‌های بعدی (امکان، مطلوبیت و ضرورت) شده است. به عبارت دیگر بیشتر شبهات و ابهامات، ناظر به چستی، امکان، مطلوبیت و ضرورت است. شبهات می‌تواند عواملی معرفتی و غیرمعرفتی (درونی مثل شخصی، شخصیتی، روانی و امثال آن، و بیرونی مثل عوامل اجتماعی و...) داشته باشد.

۳۲

پژوهی

مراد از دین در اینجا، دین اسلام و مراد از علم، رشته‌های علمی و دسیپلین (Discipline) است؛ بر این اساس مراد از علم دینی، صرفاً علمی نظیر فقه، اصول، کلام، تفسیر، علم حدیث و مانند آن نیست، هر چند این علوم به علوم دینی شهرت دارند؛ بلکه امروزه مراد، گزاره‌ها و معارف تجربی (Scientific) (اعم از علوم انسانی و علوم طبیعی) است که به گونه‌ای متصف به دین بوده که از آن به «علم دینی» اطلاق می‌شود. بر این مبنا، علم دینی متشکل از مجموعه گزاره‌های اخباری و توصیفی و همچنین آموزه‌های توصیه‌ای و تجویزی است که ضمن دارا بودن تمامی ویژگی‌های علمی و معرفتی، دارای ملاک و معیار دینی نیز می‌باشد؛ از این رو علم دینی همانند دیگر علوم، از ویژگی‌های «واقع‌نمایی علمی» برخوردار بوده و حاکی از واقعیت عینی است. وصف دینی با این معنا، در برابر سکولار است؛ لذا علم سکولار، منحصر در علوم تجربی (انسانی و طبیعی) نیست؛ بلکه علوم رایج در حوزه‌های علمیه نظیر فقه، فلسفه،

اخلاق، عرفان، معنویت، تربیت و امثال را نیز شامل می‌شود و این علوم نیز قابلیت سکولار شدن دارند؛ لذا مثلاً در برابر فقه، فلسفه، اخلاق، عرفان، معنویت مطلوب، از فقه سکولار، اخلاق سکولار، عرفان سکولار و امثال آن نیز سخن گفت. سکولار شدن این علوم، تأثیر زیادی در سکولار شدن علوم انسانی و اجتماعی دارد؛ زیرا سکولار شدن علوم انسانی رایج، ریشه در سکولار بودن فلسفه مطلق و فلسفه‌های مضاف دارد. توضیح این که علم زیرمجموعه فلسفه علم است که فلسفه مضاف شمرده می‌شود و فلسفه مضاف خود زیرمجموعه فلسفه مطلق است؛ زیرا هر علمی به فلسفه علم خاصی تکیه دارد و فلسفه علم نیز به فلسفه مطلق تکیه می‌کند؛ بنابراین زمانی عقل و در نتیجه علم به درون هندسه معرفت دینی بار می‌یابد که آبخشور آن علم و تعقل، فلسفه الحادی و کفر نباشد. علم و عقلانیتی که خدا باور است و هستی و طبیعت را مخلوق خدا می‌بیند، می‌تواند در کنار دلیل معتبر نقلی تأمین کننده معرفت دینی باشد. به عبارت دیگر، علم تجربی در ذات و سرشت خویش، جوهر الحادی ندارد، چنان که فلسفه علم (فلسفه مضاف) نیز ذاتاً منزّه از الحاد است. عالم علوم تجربی اگر به خوبی به محدودیت‌ها و اقتضائات و قلمرو معرفتی تجربه و دانش حسی و تجربی واقف باشد، هرگز به خود اجازه نمی‌دهد از علوم طبیعی، انتظار ارائه هستی‌شناسی داشته باشد. منشأ الهی یا الحادی بودن علم، فلسفه مطلق است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳).

۳۳

شبهه‌ها

خاستگاه و مبادی شبهات علم دینی

مراد از شبهه (از ریشه «شبه» به معنای تشابه و همانندی)، چیزی است که به دلیل تشابه، انسان را در تشخیص حق از باطل دچار مشکل کند (ر.ک: ابن‌منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ص ۵۰۳). لذا در اندیشه اسلامی، شبهه معمولاً در مواردی استعمال شده که عدم تمییز و اشکال در تشخیص نسبت به حق و باطل صورت گرفته باشد؛ یعنی ارائه باطل به گونه‌ای که شبیه حق جلوه کند؛ مثلاً امام علی، امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «وَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ»؛ یعنی شبهه را شبهه نامیده‌اند چون باطلی

است که به حق، شباهت دارد (نهج البلاغه/ خطبه ۳۸). این مسئله درباره بیشتر شبهات دینی به ویژه شبهات ناظر به علم دینی نیز صادق است؛ یعنی شبهه‌گران در پایگاه علم و بر پایه باورهای دینی خاص و با تزیین و آمیختن حق و باطل، استدلال‌هایی در نفی علم دینی ارائه می‌دهند.

بنا بر این، شبهات علم دینی، معمولاً از سوی منکران و مخالفان علم دینی طرح و ترویج می‌شود. عوامل و زمینه‌های مختلفی در شکل‌گیری شبهات علم دینی، نقش دارند که منشأ اصلی و ریشه‌ای آن را می‌توان در تأثیرپذیری از مکاتب فکری غرب و سکولار دانست؛ اما با توجه به وسعت گستره و ابعاد مختلف این مکاتب، برخی ساحت‌ها، نقش مهم‌تر و شاخص‌تری دارند که از جمله آن می‌توان به ساحت علم‌شناختی و دین‌شناختی اشاره نمود؛ لذا این شبهات به لحاظ نظری، یا خاستگاه علم‌شناختی و معرفت‌شناختی دارد یا دین‌شناختی و یا روش‌شناختی. به عبارت دیگر، منشأ این شبهات، معمولاً هم ریشه در معرفت‌شناسی و علم‌شناسی آنان دارد و هم برخاسته از الهیات و دین‌شناسی آنان است.

با عنایت به محورها و اهداف یادشده، تاکنون، اثری که گویای مبادی و خاستگاه شبهات علم دینی باشد نیافتیم. به عبارت دیگر، هر چند آثار مختلفی در زمینه علم دینی از هر دو طیف منتشر شده است و حتی در برخی آثار به برخی شبهات نیز پاسخ داده شده است؛ به عنوان نمونه در کتاب «علم و دین»، اثر آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، به برخی شبهات علم دینی، پاسخ گفته شد (مصباح، ۱۳۹۲، ص ۲۱۶-۲۳۶). از جمله آثار در زمینه نقد دیدگاه منکران علم دینی، کتاب «علم دینی» از نگارنده است که مبانی و ادله آنان مورد نقد قرار گرفته است؛ اما در عین حال، اثری که به عوامل و خاستگاه شبهات علم دینی پرداخته باشد نیافتیم؛ لذا مقاله حاضر، اثری نو و بدیع خواهد بود. در این مقاله با روش توصیفی و کتابخانه‌ای (در مقام گردآوری مدارک) و روش

تحلیلی (از لحاظ ماهیت روش مقام داوری) به خاستگاه و مبادی شبهات در باب علم دینی خواهیم پرداخت:

الف) خاستگاه دین شناختی

یکی از مبادی علم دینی، مبادی دین شناختی است. بیشتر مخالفان علم دینی به دلیل نوع تلقی و نگاهی که در باب حقیقت و ماهیت دین دارند، منکر علم دینی شده و در این زمینه شبهات و چالش‌های را طرح می‌کنند. تلقی‌های نادرست آنان از دین و معرفت دینی، برخاسته از دین‌پژوهی‌های مدرن و سکولار است. به عبارت دیگر، آنان به دلیل تأثیرپذیری از رویکردهای دین شناختی سکولار و غربی به ویژه جهان مسیحیت، درباره دین اسلام داوری می‌کنند و بر پایه آن، امکان، مطلوبیت و ضرورت علم دینی را منکر می‌شوند.

۳۵



خاستگاه و مبادی شبهات علم دینی

۱. چیستی دین و معرفت دینی

برخی منکران علم دینی، دین را منحصر در کتاب و سنت دانسته و معرفت دینی را نیز محصول فهم این دو منبع می‌دانند؛ لذا با ابتنا به مبانی دین شناختی، منکر تحقق علم دینی شده و بر اساس آن، شبهاتی را در این حوزه طرح و رواج می‌دهند. به عبارت دیگر آنان از یک سو، دین را صرفاً به معنای متون دینی دانسته و در نتیجه علم دینی به معنای استخراج از منابع و متون دینی را منکر شده و از سوی دیگر ابتدای علوم بر مبانی دینی را هم غیرممکن می‌دانند (ملکیان، ۱۳۷۹، ص ۱۰-۳۳). این منکران علم دینی به دلیل نداشتن شناخت کامل و صحیح از دین و به‌ویژه فهم آیات و روایات، تحقق معرفت یقینی از دین را به چالش می‌کشند و در نتیجه، تحقق علم دینی را نیز ممکن نمی‌دانند. اینها به دلیل اینکه دین را محصور در متون دینی می‌دانند؛ منکر علم دینی شده و درباره دینی بودن علم معتقدند:

دینی بودن علم دینی به این معناست که استدلال‌های موجود در آن علم از متون مقدس دینی و

مذهبی استفاده کرده است. این استفاده به یکی از دو صورت متصور است؛ یکی اینکه خود گزاره دینی و مذهبی در استدلال مصرف شود و دوم اینکه گزاره دینی و مذهبی خودش مصرف نشود ولی فرضیه‌ای تلقی می‌شود و از دل آن فرضیه آثار و نتایج استخراج می‌شود و آن آثار و نتایج به آزمون متناسب با آن علم نهاده می‌شود (ملکیان، ۱۳۷۹، ص ۱۰-۳۳).

این تلقی با آسیب‌ها و چالش‌های فراوانی مواجه است از جمله اینکه دین، منحصر در متون دینی نیست. متون دینی، بخشی از مراتب دین است نه همه آن. توضیح اینکه دین، دارای مراتب نفس الامری، مرسل (منزل)، مکشوف و دین نهادی است. متون دینی، تنها بخشی از مرتبه دین منزل و مرسل است و بخش دیگر از کانال عقل، فطرت، قلب و امثال آن، به بشر نازل می‌شود. به ویژه اینکه اگر دین، محدود و منحصر در متون دینی (نقل) شود؛ علم دینی صرفاً به معنای استخراج گزاره‌های علمی از متون دینی و به معنای نقلی بودن آن خواهد بود که برداشتی نادرست است. از دیگر ایرادات این دیدگاه، خلط دین با کانال‌ها و وسائط (یا خلط حاکی و محکی) است. کتاب و سنت، همانند عقل و فطرت، از وسائط و کانال‌های ارتباطی‌اند نه خود دین. به عبارت دیگر، همان گونه که عقل، دین نیست، وحی، دین نیست؛ بلکه وحی، حاکی از دین و دین، محکی آن است.

۲. ویژگی‌های دین

منکران علم دینی، افزون بر ماهیت و چیستی دین، درباره ویژگی‌های دین نیز تلقی خاصی دارند و این، مبدأ و خاستگاه برخی شبهات در حوزه علم دینی، شده است:

۲-۱. فردی بودن دین

برخی منکران علم دینی، دین را امری فردی و شخصی می‌دانند که هیچ جایگاهی در حیات اجتماعی انسان ندارد. در ادامه سخن برخی قائلان به این رویکرد بررسی می‌شود: حوزه دین فی الواقع حوزه وجدان انسانی است، حوزه تحول درونی است. اما حوزه تدبیر دنیا حوزه ای است که عقل در آن توانایی کافی دارد. جایگاه دین در سیاست و اقتصاد و مدیریت نیست، باطن انسان هاست (کدیور، ۱۳۸۰، ص ۹)

در اینجا جایگاه دین به تدبیر باطن انسان‌ها تقلیل می‌یابد.

قانون آن است که در ایجاد و تاسیس آن، توافق عامه و رضایت عامه برای کسب مصلحت عامه مدخلیت داشته باشد. بر اساس دین نمی‌توان قانون اجتماعی به وجود آورد. وقتی احکام دین در جامعه نافذ و قانونیت دارد که مردم بر سر آن توافق کنند و الا نه. (سروش، ۱۳۷۹، ص ۲۲ - ۲۰)

حتی «اگر دین شکل و محتوای قانون به خود بگیرد و در مفهوم قانون خلاصه شود، دیگر پیام دینی نخواهد داشت.» (شبستری، ۱۳۷۹، ص ۷).

۲-۲. گوهر و صدف دین

مسئله گوهر و صدف دین یکی از مباحث در حوزه دین‌پژوهی، است. همان‌گونه که ۳۷
برخی اشیای گران‌بها در طبیعت همچون مروارید در پوسته و پوششی که چندان ارزش مند نیست نگه‌داری می‌شوند، آیا می‌توان گفت که دین نیز چنین است که برخی از دستورات دین تنها به منزله پوسته و صدف بوده و ارزش ذاتی ندارد؟! اصلاً آیا می‌توان معارف دینی را به گوهر و صدف، رتبه‌بندی نمود؟ برخی در تبیین مراد از گوهر و صدف دین، از مسئله‌ای به نام ذاتیات و عرضیات دین استمداد می‌کنند و می‌گویند: تمایز بین وجوه ذاتی از وجوه عرضی موجب توفیق بیشتر در به دست آوردن گوهر دین می‌شود. اینان در بیان مراد از ذاتیات دین، امور ماهوی و گوهری دین را پیام‌هایی می‌دانند که پیامبران اگر در هر کجا بوده و در هر محیط و در هر زمانی ظهور می‌کردند، ناچار به ابلاغ آنها بودند و مصادیق آن را مقاصد شارع می‌دانند و می‌گویند مقاصد شارع همان ذاتیات دین است (ر. ک: سروش، ۱۳۷۶، ش، ص ۴ و ۵).

در اینجا تمام نظام حقوقی اسلام، جزء عرضیات اسلام شمرده می‌شود و این نظام کنونی می‌تواند به نحو دیگری باشد (گنجی، ۱۳۸۰، ص ۲۷). براین اساس احکام اجتماعی اسلام - همچون قضاوت زنان، ارث و بریدن دست دزد - ولو آنکه در قرآن از آنها یاد شده باشد، تغییرپذیرند (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۹، ص ۲۰).



۲-۳. تاریخی‌نگری در دین

برخی منکران علم دینی به دلیل تأثیرپذیری از اندیشه غربی به ویژه الهیات مسیحی معتقدند نه تنها شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله، بلکه خود متن وحی نیز تحت تأثیر فرهنگ زمانه پیامبر بوده و این فرهنگ، اشتباهات خود را نیز ناخودآگاه بر وحی پیامبر القا کرده است و وحی تابع شخصیت فرهنگی پیامبر است که در سطح اندیشه آن زمان شکل گرفته است. بر این اساس، معتقدند تأثیرگذاری دین بر علم در مقام داوری ممکن نیست و در مقام پیش‌فرض‌ها و القای فرضیه‌ها، نیز امر نامطلوبی است (ر.ک: سروش، ۱۳۷۸، ص ۱۳؛ حسنی و دیگران ۱۳۸۷، ص ۲۱۲).

مشکل اساسی این رویکرد، تطبیق تورات و انجیل موجود (تحریف‌شده) به دین اسلام و قرآن کریم است. در حالیکه دین اسلام، صرفاً یک پدیده تاریخی نیست. هر چند در دین اسلام، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر واقعیات فرهنگی و اجتماعی زمان نزول، توجه شده است و بی ارتباط با مسائل و موقعیت فرهنگی و اجتماعی مخاطبان آن زمان نیست؛ اما این مسئله، به گونه‌ای نیست که دین را صرفاً یک محصول فرهنگی و تاریخی بدانیم. طرفداران رویکرد تاریخی‌نگری به دین با تلقی نادرست و ارائه تحلیلی ناصواب از دین، آن را در حد ادیان تحریف‌شده تنزل می‌دهند.

۳. اهداف و کارکرد دین

موافقان و مخالفان علمی دینی، در اصل کارکردهای دین، اتفاق نظر دارند؛ اما اختلاف آنان در این زمینه به گستره و قلمرو کارکردها بر می‌گردد. معمولاً مخالفان علم دینی، اهداف و کارکردهای دین را به فردی و اخروی، تقلیل می‌دهند:

جهت‌گیری دینی، معطوف به سعادت اخروی است. دین فقط مزاحمت‌های دنیا را نسبت به سعادت اخروی برطرف می‌کند. اگر ما آخرتی نداشتیم، دین برای ما نبود. امور دنیا به خود مردم وا نهاده شده است (سروش، ۱۳۷۹، ص ۶).

بر اساس این نگاه، جهت‌گیری‌های دین، منحصر در امور فردی و اخروی است. برخی دیگر از طرفداران این رویکرد معتقدند:

حکومتی کردن دین بدون رسمیت‌بخشیدن به یک تفسیر معین از متون دینی و ممنوع‌ساختن تفسیرهای دیگر ممکن نیست. این محدودسازی، بستن باب تفکر دینی و سد باب اجتهاد است (مجتهد شبستری، ۱۳۷۹، ص ۴).

۴. قلمرو دین و معرفت دینی

رویکرد برخی منکران علم دینی نسبت به اصل علم دینی، ریشه در قلمرو دین دارد. آنان اساساً در حوزه دین‌شناسی، رویکرد حداقلی دارند و معتقدند دین و شرع مقدس در مواردی که داخل در دایره رسالت شرع است حداقل لازم را به ما آموخته است؛ یعنی حتی اگر هدف دین را هدایت انسان‌ها بدانیم، هدایت دین، هدایت اقلی است، نه اکثری (سروش، ۱۳۸۷، ص ۲۰۵). آنان با توجه به مبنای دین حداقلی بر این باورند، برخی علوم، نظیر فقه، تفسیر، اخلاق که مأخوذ از متن وحی و دین‌اند، ماهیتاً دینی و اسلامی‌اند؛ اما دینی و اسلامی بودن علوم دیگر نظیر فیزیک، فلسفه و غیره، صرفاً از این جهت است که در فرهنگ و دامن مسلمانان روییده‌اند؛ از این رو بجای تعبیر به علوم دینی یا اسلامی درباره این گونه علوم، تنها می‌توان آن را علوم مسلمانان نظیر فلسفه فیلسوفان مسلمان، فیزیک مسلمانان یا علوم انسانی مسلمانان و... نام نهاد (رک: سروش، ۱۳۷۴، ص ۹۸-۹۹).

بر اساس نگاه حداقلی به دین، تمام نیازها، اطلاعات و قواعد لازم برای اقتصاد، حکومت، تجارت، قانون، اخلاق، خداشناسی و... برای هر نوع ذهن و زندگی (اعم از ساده و پیچیده) در شرع وارد نشده است. منکران علم دینی، در نفی علوم طبیعی و انسانی دینی معتقدند هیچ یک از ما انتظار نداریم پیامبر ﷺ به ما فیزیک یا شیمی یا علم نجوم یا طب یا هندسه یا جبر و آنالیز بیاموزد. اگر هم در پاره‌ای از روایات اشاراتی به

پاره‌ای از این قبیل شده است، کاملاً بالعرض است. وی علاوه بر این، عدم شمول دین نسبت به علوم انسانی را یک امر بدیهی تلقی کرده و اذعان می‌کند که اگر ادیان برای آموختن این علوم آمده بودند چرا تاکنون در دامن دین، یک عالم اقتصاد یا یک جامعه‌شناس یا روان‌شناس به معنای امروزیین پرورده نشد و یا این که بنیانگذاران این علوم، مبانی‌شان را از دل تعلیمات دینی استخراج نکردند و همین دلیلی است بر نفی علوم طبیعی دینی و علوم انسانی دینی (ر.ک: سروش، ۱۳۷۸، ص ۸۳-۱۱۲).

۵. روش فهم دین

یکی از تلقی‌ها در باب علم دینی، رویکرد نقل‌محوری است. این رویکرد، چنان گسترده است که طیف وسیعی از دیدگاه‌ها در باب ماهیت علم دینی را شامل می‌شود. این رویکرد هم در میان مخالفین و منتقدان علم دینی، مطرح است و هم در میان قائلان علم دینی. این رویکرد در بین موافقان علم دینی، نوعی رویکرد حداقلی نیز می‌باشد که مبتنی بر نگاه حداقلی به دین است و برای نظام عقلی در هندسه معرفت دینی، اعتباری قائل نیست؛ بر این اساس، علم دینی، علمی است که از متون و نصوص دینی (اعم از کتاب و سنت) استخراج شده باشد. تأکید بر این مبنا به همراه پذیرش تجربه‌محوری در علم، باعث شده که برخی از اساس، قائل به عدم امکان علم دینی شوند. تأکید بر این نظر در علم دینی به همراه پذیرش تجربه‌محوری در علم، باعث شده که برخی از اساس، قائل به عدم امکان علم دینی شوند. به عبارت دیگر، برخی شبهات منکران علم دینی، ریشه در تلقی‌های برخی موافقان داشته و منکران با تمسک به این گونه تلقی‌ها، شبهات زیادی در این باب طرح کرده اند.

البته رویکرد نقل‌محور یا نص‌گرا، از لحاظ محوریت نص و نقل، دارای شدت و ضعف (ذو مراتب) است؛ از این رو برخی رویکردها در باب چیستی ماهیت علم دینی در مرتبه حداکثری قرار دارد که از آن به نقل‌گرایی خام، اطلاق می‌کنیم. طرفداران این

رویگرد معتقدند به دلیل این که علوم جدید مبتنی بر نگرش الحادی و کفرآمیز است، لذا می‌بایست از این علوم فاصله گرفته و صرفاً با مراجعه به متون معتبر دینی (کتاب و سنت) از نو به تولید علم همت گماریم و با تکیه بر آموزه‌های نقلی، علم جدیدی پدید آوریم. این تلقی و دیدگاه که بیشتر شبیه تفکر اخباریون شیعه است، تنها درباره علم دینی خلاصه نمی‌شود و در تمامی حوزه‌های دین‌پژوهی مطرح است؛ از این رو می‌توان آن را نوعی اخباری‌گری جدید به شمار آورد. امروزه برخی از حامیان این دیدگاه، مخالف فلسفه و عرفان و حتی کلام می‌باشند و اشتغال به آن‌ها را حرام می‌دانند.

۴۱

شبیه‌ها

خاستگاه و مبادی شبهات علم دینی

در این دیدگاه، علم دینی، علمی است که از متون دینی استخراج شده باشد. معیار و ملاک دینی بودن علم در این نگاه، این است که منبع و منشأ آن، آیات و روایات باشد. به عبارت دیگر تنها علوم را که خاستگاه متنی داشته و از قرآن و روایات، حاصل می‌شوند، می‌توان به دین، منتسب و متصف نمود. در این دیدگاه بر اساس نگرش حداکثری به دین، باور بر این است که علوم انسانی و علوم طبیعی همانند سایر علوم دینی (نظیر فقه، اخلاق و...) مورد نیاز واقعی بشر بوده و تمامی علوم مورد نیاز واقعی بشر، در متون دینی آمده و قابلیت استخراج هم دارند (منشأ وحیانی علوم و فنون) و بشر نیز می‌تواند آنها را به دست بیاورد و چون علوم مدرن و جدید غربی از نظر دین اسلام مردود شمرده می‌شوند و نیازهای غیرواقعی و کاذبند، باید آنها را دور انداخت و از آنها فاصله گرفت. طبق این نگاه، همه آموختنی‌های مورد نیاز، اعم از دینی و دنیایی از طریق وحی به بشر ارائه شده است (ر.ک: نصیری، ۱۳۸۷، ص ۷۳، ۴۸ و ۵۹؛ خسروپناه، ۱۳۸۷، ص ۸۷، ۱۱۷؛ سوزنچی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۷).

این رویکرد معرفت‌شناختی و روش‌شناختی در باب علم دینی، باعث شده است که مخالفان علم دینی بر مبنای آن، از اساس منکر علم دینی شده و شبهاتی ناظر به این تلقی از علم دینی را طرح و رواج دهند.

فروکاستن دین، به متون و منابع دینی است که روش‌شناسی خاصی را می‌طلبد و آن تفکیک مقام گردآوری و مقام داوری است که خود نوعی روش‌شناسی است. این نگرش تنها نقشی که به متون دینی می‌دهد، الهام‌گیری از پاره‌ای از گزاره‌های علمی از آن منابع و متون است. به عبارت دیگر، تنها می‌توان از متون و منابع به عنوان منشاء الهام نظریه‌های علمی سود جست؛ ولی معتقدند با این کار، علم دینی پدید نمی‌آید، بلکه فقط در مقام کشف و گردآوری نظریه‌ها به متون مقدس نیز التفاتی می‌شود؛ اما نظریه‌ای که بدین شیوه ساخته و پرداخته شود، باید در مقام توجیه و داوری به معایب و موازین روش‌شناختی علمی که بدان علم تعلق دارد تن بسپارد و تنها در صورتی معقول و مقبول تلقی می‌شود که از بوته آزمایش آن معیارها و میزان‌ها سرفراز بیرون آید (رک: ملکیان، ۱۳۷۹، همان).

منکران و مخالفان علم دینی بر اساس مبانی دین‌شناختی و علم‌شناسی خود بر این باورند که علم دینی، به معنای جایگزینی کردن علوم نقلی، جای علوم تجربی و استخراج آن از آیات و روایات، بوده و در نتیجه تحقق چنین علمی امکان‌پذیر نخواهد بود. به عبارت دیگر، علم دینی در این دیدگاه، استخراج گزاره‌های علمی از متون دینی است (سروش، ۱۳۸۷، ص ۲۰۱-۲۲۵).

ب) خاستگاه علم‌شناختی و روش‌شناختی

۱. خنثی‌بودن علم و عدم امکان علم دینی

از نگاه برخی، زبان و کارکرد دین در بسیاری موارد، زبان توصیه و ارزش‌گذاری و امر و نهی است و نه زبان توصیف و تحلیل که در علوم انسانی مورد توجه است. بنابراین دادن صبغه دینی و اسلامی به علوم انسانی، کاری ناموجه است: «هرچند در علوم انسانی، ارزش‌ها، حقوق، اخلاقیات، مذاهب و آداب و رسوم مورد مطالعه و بررسی قرار

می‌گیرند، اما خود علوم انسانی هرگز بیانگر ارزش، حق، اخلاق یا ادبی نبوده و نیستند. علوم انسانی صرفاً بیان می‌کنند که «در فلان جامعه می‌گویند چنین باید کرد و چنان نباید کرد» یا «در بهمان جامعه می‌گویند فلان کار خوب است و فلان کار بد». اما هرگز نمی‌گویند «چه خوب است و چه بد» یا «چه باید کرد و چه نباید کرد». به تعبیر دیگر علوم انسانی، ارزش‌شناسی می‌کنند، اما خودشان علوم ارزشی نیستند. امر و نهی‌های موجود در زندگی افراد و جوامع را توصیف می‌کنند اما خودشان، هیچ‌گونه امر و نهی نمی‌کنند» (ر.ک: سروش، ۱۳۶۶، ص ۱۷۶ - ۱۷۷) این‌گونه برداشت‌ها، متأثر از دیدگاه‌های برخی از متفکران غرب است که به طور کلی گزاره‌های اخلاقی را خارج از دایره علوم می‌دانند.

۴۳

پیش‌گام

خاستگاه و مبادی شبهات علم دینی

همچنین براساس این رویکرد گفته می‌شود که موضوع علم، امری غیراختیاری است و دین‌داران نمی‌توانند به خواست خود در آن تغییر ایجاد کرده، علم دینی به وجود آورند. (هر علمی موضوعی معین دارد، و موضوع علم، اختیاری نیست، مثلاً هستی‌شناسی، گیاه‌شناسی، یا علم‌شناسی موضوع معینی دارد و آن موضوع هم تعریف معینی دارد). یکی از نتایجی که از چنین شبهاتی اخذ می‌شود، آن است که «انسان احکام و خواصی دارد، و به تعبیر منطقیین عوارض ذاتی معینی دارد که اگر ما به آن عوارض ذاتی برسیم، علم انسان‌شناسی را کامل کرده‌ایم. [پس] معنا ندارد که بگوییم دو گونه انسان داریم، انسان اسلامی و انسان غیر اسلامی.» از این‌رو وجود دو گونه تعریف اسلامی و غیر اسلامی از موضوعاتی مانند انسان بی‌معناست زیرا انسان یک ماهیت است و یک نوع انسان بیشتر وجود ندارد. در نتیجه، اسلامی و دینی بودن یا نبودن به طور کلی منتفی است. از این‌رو، ما نه دو چرخه اسلامی داریم و نه انسان اسلامی (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۶ تا ۲۳۶). بنابراین علم حاصل تلاش عقلی و تجربی بوده و علمی فرادینی و جهان‌شمول است و سخن از تمایز علوم انسانی اسلامی و غیراسلامی نیز بی‌معناست.

ریشه این اشکال در نوع نگاهی است که خصوصاً در فضای مدرنیته، درباره دین و دینداری شایع شده است. بر اساس این نگاه، دینداری از مقوله ارزش‌های وابسته به فرهنگ است و ارزش‌های فرهنگی هم یک دسته امور سلیقه‌ای و غیر مرتبط با واقع خارجی است که انسان‌ها و اقوام مختلف صرفاً به خاطر علایق شخصی و قومی و ملی و... آنها را برگزیده‌اند و لذا اسلامی‌بودن؛ یعنی مربوط به یک فرهنگ و قومیت و علایق خاص بودن.

گرچه پاره‌ای از جهت‌گیری‌های انسان‌ها سلیقه‌ای یا ناشی از وهم و هوا و هوس است، اما ارزش‌هایی وجود دارند که ربط و نسبتی با عالم واقع دارند و لذا بحث از آن‌ها و اتخاذ موضع در قبال آنها... مشخصاً یک بحث و اقدام معرفتی است و ثانیاً ما اسلام را به عنوان یک دین حق و ناظر به حقیقت مطرح می‌کنیم، نه صرفاً به عنوان اعتقادی در میان اعتقادات و علاقه‌ای در میان علایق (سوزنجی، ۱۳۸۹، ص ۳۴۰).

۲. تعارض علم و دین

برخی منکران علم دینی، با انحصار دین در نقل و همچنین انحصار علم در تجربه، منکر اصل امکان «علم دینی» شدند. توضیح مطلب آنکه بسیاری از منکران علم دینی معتقدند دین با علم تداخل ندارد و بین آن دو در زبان، روش، هدف، موضوع، مسائل و نحوه فهم، تباین است و یا اگر تداخلی در کار است، تداخل مفید و کارآمدی نیست که بتواند به تولید علم انسانی اسلامی انجامد؛ از این‌رو گفته‌اند: اگر مطابق تلقی نوارتدو کسی‌ها میان موضوعات، روش‌ها و غایات علم و الهیات تمایزی اساسی قائل شویم، در آن صورت میان آن دو هیچ فصل مشترکی باقی نمی‌ماند. در این رویکرد، علم و دین هر یک مسیری جدا را طی می‌کنند و میان آن‌ها تداخل نیست؛ در نتیجه اصطکاک‌ها هم نیست و وقتی چنین شد، دیگر علم دینی که در آن‌هم دین و هم علم

بتوانند با یکدیگر تداخل داشته باشند و یک نظام را تولید نمایند، وجود نخواهد داشت و هر یک راهی می‌رود که دیگری ظاهراً مسکوت گذاشته است و در واقع هنوز کشف نشده است.

بنابراین علم و دین با یکدیگر متباینند؛ دو وادی مستقل از یکدیگر هستند و نقش‌ها و کارکردهای متفاوتی دارند؛ هیچ کدام نباید وارد قلمرو دیگری شود؛ دین عهده‌دار ایجاد ایمان به ماوراء و قداست بخشی و معنی دهی به هستی و حیات در این عالم است و رسالت ذاتی و غایت فُصوای آن فقط هدایت معنوی آدمیان و تأمین مصالح اخروی آنان است؛ اما علم، عهده‌دار کشف قوانین طبیعت (علوم طبیعی) یا تحلیل و توضیح، کنش و واکنش انسان در قبال وضعیت‌هایی است که با آن‌ها مواجه می‌شود و رهنمونی او به رفتار شایسته در این مواجهه است. رسالت علوم انسانی رفع و دفع مشکلات پیش‌روی بشر و تسهیل و ارتقای سطح سخت‌افزاری و نرم‌افزاری زندگی انسان است؛ پس هیچ کدام از آن دو یا نمی‌توانند در قلمرو دیگری دخالت کنند و رسالت آن را بر عهده گیرند و یا نباید تداخل نمایند؛ زیرا ثمره تحقق علم دینی - در صورت امکان - درآمیختن این دو حوزه متباین است (ر.ک: سروش؛ ۱۳۷۶، ص ۲۷۵؛ ملکیان، ۱۳۸۱، ص ۲۲۱).

با این اوصاف حوزه علم و دین از یکدیگر جداست، و بنابراین وجه مشترکی با یکدیگر ندارند تا نسبتی میان آنها شکل گیرد. «علم اسلامی» تعبیری پارادوکسیکال است؛ یعنی اگر علم دینی؛ علم است، پس دیگر دین نیست و اگر دین است پس دیگر علم نیست؛ از همین رو علم دینی؛ یعنی جمع دو صفت متباین در کنار هم.

۳. تجربی بودن روش علم

تمایز علوم، به تمایز روش‌هاست و روش اثبات هر مطلب در متن واقع یکی بیشتر نیست

و اختیار یا انتخاب ما در آن نقشی ندارد، لذا علم اسلامی و غیراسلامی از نظر روشی نیز نمی‌توانند تفاوت داشته باشند. در اینجا دو بحث قابل طرح است: تفکیک مقام گردآوری از مقام داوری علم و تفکیک مقام اثبات و ثبوت.

۳-۱. تفکیک مقام گردآوری از مقام داوری علم

برخی منکران علم دینی نظیر دکتر سروش و دکتر ملکیان با تبعیت از آرای کارل پوپر در باب ماهیت علم، مبانی خاصی دارند. از جمله مبانی برگرفته از علم‌شناسی پوپر، معیاربودن تجربه و روش تجربی در علم و تفکیک مقام گردآوری و داوری است (ر.ک: گیلیس، ۱۳۸۱، ص ۴۹). به باور ایشان مقام گردآوری، مقام حدس، فرضیه‌پردازی و جمع‌آوری اطلاعات است. در این مرحله، داوری علمی صورت نمی‌پذیرد. در مرحله بعد، داده‌ها و اطلاعات خام، با معیارهای تجربی خاص، مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد تا صدق و کذب آن‌ها معلوم گردد. البته به اعتقاد پوپر، وظیفه علم، جستجوی حقیقت؛ یعنی جستجو برای دست‌یافتن به نظریه‌های درست است و اندیشه درست و حقیقت، اندیشه‌ای تنظیم‌کننده است (ر.ک: پوپر، ۱۳۷۵، ص ۳۰۶، ۲۸۵ و ۲۸۰). به عبارت دیگر، اعتبارسنجی داده‌ها در این مرحله صورت می‌پذیرد؛ از این رو، وقتی گفته می‌شود، علوم از جهان‌بینی، ایدئولوژی، محیط و فرهنگ شخصی عالم، رنگ و اثر می‌پذیرند، مقام گردآوری و جمع‌آوری اطلاعات است. در این مرحله، معیار خاصی وجود ندارد و می‌توان از منابع مختلف با متدهای تجربی و غیرتجربی، به جمع‌آوری اطلاعات پرداخت. اما وقتی در حوزه علم‌شناسی، متد و معیار تجربی بودن برای علم مطرح می‌شود؛ مراد، مقام سنجش و داوری اطلاعات و داده‌ها است و این دو نافی یکدیگر نیستند؛ یعنی برای علمی شدن گزاره‌ها فقط در مقام داوری به روش تجربی نیاز است، نه مقام گردآوری (ر.ک: سروش، ۱۳۶۶؛ ص ۴۸-۵۳؛ ملکیان، ۱۳۷۹، ص ۱۰-۳۳).

بر این اساس، شکل‌گیری فرضیه، لزوماً از مشاهدات یا استقراء شروع نمی‌شود، بلکه فرضیه را از هر جایی می‌توان اخذ کرد و تنها در مقام داوری، نیازمند روش تجربی هستیم و این روش در داوری تجربه، هم اساساً ناظر به ابطال‌پذیری فرضیات است، نه اثبات آنها (رک: پوپر، ۱۳۷۵، ص ۸۰-۴۱). به عبارت دیگر علمیت علم، به مقام داوری آن است، نه گردآوری؛ همان‌گونه که بی‌طرفی علم به معنای بی‌طرف بودن آن است در مقام داوری، نه بی‌طرف بودن آن در مقام گردآوری و شکار (رک: سروش، ۱۳۶۶، ص ۵۴ و ۵۶؛ ملکیان، ۱۳۷۹، ص ۱۰-۳۳).

افزون بر این گفته می‌شود که معیار نهایی برای داوری دربارهٔ مسائل علمی، واقعیت عینی است که از راه تجربه کشف می‌شود. به دیگر سخن، حق یا باطل بودن، و درست یا نادرست بودن یک نظریه در قلمرو علوم باید با تجربه محک بخورد و اثبات شود، که آن هم دینی و غیردینی ندارد. هر کسی با هر اعتقاد دینی یا ضددینی، در صورتی که شرایط تجربه را به درستی رعایت کند، به همان نتیجه‌ای می‌رسد که دیگران رسیده‌اند. شناخت واقعیت یک شناخت عام، کلی، و مستقل از همه پیش‌زمینه‌هاست که باورها و ارزش‌های دینی در آن دخالتی ندارند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۶ تا ۲۳۶).

۲-۳. تفکیک مقام اثبات و مقام ثبوت علم

از جمله مبانی علم‌شناسی برخی منکران علم دینی، تفکیک مقام اثبات و ثبوت علم است. دکتر سروش ماهیت و معیار علم‌بودن را منحصر به روش نمی‌داند، بلکه غایت و موضوع را نیز در ماهیت علم، مؤثر می‌داند:

ما می‌توانیم علم را یا از روی موضوع یا روش یا غایت تعریف کنیم و... هر یک از اینها هم یک مقام تعریف (مقام نفس الامر) و یک مقام تحقق و واقع دارد؛ یعنی ممکن است تعریف واقعی یک علم غیر از تعریفی باشد که ما فعلاً برای آن ارائه داده‌ایم، همچنین روش واقعی و صحیح علوم ممکن است غیر از آن روش‌هایی باشد که خودمان صحیح می‌شمیریم و مسئله غایت علم نیز همین‌طور است. پس در حقیقت شش مقوله در اینجا وجود دارد. مقوله موضوع، مقوله روش و

مقوله غایت و هر یک از اینها، هم مقام ثبوت دارد و هم مقام ظهور و اثبات و مسئله را در هر یک از این مقولات می‌توان مورد بحث قرار داد (سروش، ۱۳۸۷، ص ۲۶-۲۵).

ایشان معتقد است دینی‌شدن علم، در مقام ثبوت، بی‌معناست و تنها در مقام اثبات، آن هم در مقام گردآوری و نه در مقام داوری، می‌تواند دینی باشد. در مقام ثبوت، دینی بودن بر اساس موضوع، بی‌معناست؛

زیرا هر علمی، موضوع معینی دارد و آن موضوع هم تعریف معینی دارد، اعم از این که به‌درستی آن را شناخته باشیم یا نه؛ یعنی تعریف انسان، اسلامی و غیراسلامی ندارد. انسان یک موضوع معینی است و اگر ما آن را چنان که هست شناخته‌ایم به تعریف واقعی انسان رسیده‌ایم... و معنا ندارد که بگوییم دو گونه انسان داریم: انسان اسلامی و انسان غیراسلامی؛ یا دو گونه تعریف از انسان داریم: تعریف اسلامی و تعریف غیراسلامی. لذا اگر تمایز علوم را به تمایز موضوعات بدانیم، می‌توانیم به‌طور صریح و منطقی ادعا کرد که نه تنها فیزیک اسلامی نداریم، جامعه‌شناسی اسلامی یا فلسفه اسلامی هم نداریم و بلکه جامعه‌شناسی مسیحی یا مارکسیستی هم نداریم و این معنای بین‌المللی بودن و هویت جمعی داشتن علم است» (سروش، ۱۳۸۷، ص ۲۰۸-۲۰۷).

دینی بودن علم از ناحیه روش هم بی‌معناست؛ زیرا در مقام ثبوت، با روش‌های متنوع و متفاوت روبرو نیستیم؛ بلکه روش واحدی داریم؛ زیرا در مقام ثبوت، روش یا درست است یا نادرست و فرض سومی ندارد تا دینی یا غیردینی داشته باشد (سروش، همان، ص ۲۱۰-۲۰۹).

عنصر غایت نیز همانند موضوع و روش، هیچ نقشی در ماهیت علم ندارد تا دینی بودن آن در ماهیت علم دخیل باشد؛ زیرا عنصر غایت در علومی که وحدت موضوعی دارند، به تعریف، به موضوع برمی‌گردد. اما علومی که اصلاً وحدت موضوع ندارند، البته غایت اهمیت پیدا می‌کند، مثل علم اصول فقه که مسائل این علم وحدت موضوعی ندارد، اما همگی دارای غرض واحدی است که اینها علوم ابزاری هستند. در اینجا در نگاه اول می‌توان سخن از علم مکتبی به میان آورد، اما وقتی با دقت نگاه کنیم معلوم می‌شود که وقتی می‌گوییم یک علم موضوع ندارد و غرض و غایت باعث شده

که یک دسته از مسائل کنار یکدیگر نشانده شوند و هدف شخص عالم را برآورند، در واقع می‌خواهیم بگوییم که ما اصلاً علمی نداریم. در اینجا چند علم برای برآوردن یک غرض همکاری می‌کنند و هر یک موضوع خودشان را دارند و به دلیل موضوع داشتن، دیگر اسلامی و غیراسلامی معنی ندارد (سروش، همان، ص ۲۱۰-۲۱۲).

در نتیجه ما علم را در مقام ثبوت و نفس الامر چه به موضوع تعریف کنیم، چه به غایت و چه به روش - از این سه مورد هم بیرون نیست - استقلال ذاتی از مکتب دارد و تعریف و توصیف آن به اسلامی و غیراسلامی اساساً نادرست است (سروش، همان، ص ۲۱۲).

۴۹



اما علم در مقام تحقق و تکون خارجی، که محصول مجموعه سؤال‌ها در همه نقاط جهان و نوع مواجهه مردم با یکدیگر و با طبیعت و دسته‌بندی طبیعی این سؤالات و پاسخ‌ها است؛ دینی بودن یا غیردینی بودن، تنها در مرحله سؤال معنا پیدا می‌کند، نه جواب و پاسخ:

در مقام تکوین تاریخی، چون مسیحی ذهن‌اش با یک رشته عقاید آمیخته و آغشته است و یک جور سؤال طرح می‌کند و مسلمان طور دیگر، ... پس ممکن است علوم از حیث سؤالات متفاوت و مکتبی و غیرمکتبی باشند. اما همه چیز دایره مدار سؤال نیست. اولاً علم جواب هم دارد و جواب‌ها به هر حال چون بیان فکرها هستند، مستقل از مکتبند... ثانیاً برای یافتن پاسخ روش لازم داریم و بخش روش‌ها هم در علوم، فارغ از مکتب است. خلاصه کلام اینکه، مکاتب و ایدئولوژی‌ها می‌توانند در طرح سؤال و در دادن فرضیات بر ما تأثیر بگذارند که اینها همه متعلق به مقام گردآوری است؛ اما وقتی که نوبت به پاسخ و روش می‌رسد، برای فراهم آوردن پاسخ‌ها و نقد آنها، که مقام داوری است، دیگر فراغت از مکتب داریم و نمی‌توانیم یک علم مکتبی داشته باشیم (سروش، ۱۳۸۷، ص ۲۱۵-۲۱۷).

البته دکتر سروش بعدها به دلایلی، درباره دینی بودن علم در مقام گردآوری و تأثیر

پیش‌فرض‌ها در این مرحله نیز مناقشه کرد:

پیش فرض صحیح، ایرانی و غیرایرانی، اسلامی و غیراسلامی، دینی و غیردینی، شرقی و غربی ندارد. ولی در عالم واقع غربی‌ها یک پیش فرض را صحیح می‌پندارند، شرقی‌ها یک پیش فرض را، اهل اسلام یک پیش فرض دارند و غیراسلامی‌ها هم یک پیش فرض. لذا علم اسلامی چیزی است که هم پرسش‌هایش و هم پیش فرض‌هایش، تأثیر پذیرفته از اسلامیت و ذهنیت دینی و اسلامی باشد. منتها این علم اسلامی بدین شیوه و این محتوا که گفتیم اگر امکان وجودش اثبات شود راه اثبات امکان وجود رقبا بسیار زیاد دیگری را هم باز می‌کند؛ یعنی در آن صورت ما علم ترکی، علم رشتی، علم ایرانی، علم چینی و... را خواهیم داشت... یک مطلب را اضافه کنم و آن این است که اگر پیش فرض‌های ناصوابی هست، ما باید به دنبال اصلاح و تصحیح شان باشیم؛ یعنی اگر به فرض علم اسلامی و غیراسلامی و ایرانی و غیرایرانی وجود داشته باشد، هدف عالمان و دانشمندان باید کنار گذاشتن آنها به نفع یک علم ایده‌آلی باشد که اسلامی و غیراسلامی، غربی و شرقی بر نمی‌دارد. لذا در عین قبول این که علم اسلامی به طوری که گفتیم امکان دارد، اما مطلوبیت ندارد و لذا ما نمی‌توانیم توجیه کنیم که به طرف پدید آوردن علم اسلامی برویم که متضمن خطاست... دانش‌ها باید به‌طور طبیعی رشد کنند و بسط یابند و پرسش‌ها هم باید به‌طور طبیعی مطرح شوند. ذهن‌تان را از اندیشه‌هایی که پرسش‌های خاصی را تلقین می‌کنند، پاک کنید و بگذارید پرسش‌ها، پرسش‌های طبیعی باشند (متن مصاحبه سروش، مندرج در: قبادی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۵-۲۳۷).

۴. محدودیت و نقص «علم دینی»

برخی نیز از این سخن گفته‌اند که علم دینی به فرض تحقق دارای اشکالات زیر است:

۱. علم دینی تعبدی است و در رویکرد متعبدانه نمی‌توان انتقاد و پرسش کرد، چه بسا در فضای تعبد عقل می‌میرد.
۲. گستره موضوعی و کمی علوم غیردینی به مراتب بیشتر از علوم دینی است. حال اگر بخواهیم علم دینی معطوف به تمدن دینی تولید کنیم، تردید نکنید که بسیاری از نیازهای بشر را نمی‌توانیم رصد کنیم تا چه رصد به این که پاسخ دهیم، چون ورودی ما برای رصد پیچیدگی‌های عالم کم است.

۳. فرآیند تولید علم از یک آیه یا یک روایت مبهم، مجمل و نامشخص است این در حالیست که در فضای غیردینی نشان داده شده که چگونه مفاهیم تبدیل به فرمول، فرمول‌ها تبدیل به ساختارها، ساختارها تبدیل به نهادها شده است و تمدن به وجود آمده است.

۴. اساساً علم دینی محدودکننده است. باورهای دینی خلاقیت را از معتقدان به خود می‌گیرد. وقتی کسی باور داشته باشد که خدا جهان را ربوبیت می‌کند، این باور او را محدود می‌کند و مانع از این می‌شود که او طرحی برای ربوبیت عالم ترسیم کند؟ (ر.ک: مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۶ تا ۲۳۶).

۵۱



۵. نقص علم دینی از لحاظ تاریخی

به این دلیل که منبع و منشأ علم دینی خاص و واحد است، تمرکزگراست. پس تمدن دینی هم تمرکزگراست. این در حالیست که تمدن؛ یعنی پیچیدگی، در این پیچیدگی دو مفهوم کلیدی تخصص و تقسیم کار وجود دارد. تخصص و تقسیم کار با تمرکزگرایی امکان‌پذیر نیست. نمی‌توان در رأس یک تمدن فردی را گذاشت که همه تخصص‌ها را بداند و همه کارها را بتواند به تنهایی انجام دهد.

اساساً به لحاظ تاریخی نشان داده شده که در هر مقطعی که علمی معطوف به علم دینی بلند شده، نوعاً از طریق پشتیبانی یک قدرت فائقه بوده است؛ یعنی علم دینی در بهترین شرایط، علمی حکومتی و توجیه‌گر قدرت است.

به برخی تلاش‌های انجام گرفته در کشورهای مختلف برای تولید علمی به نام علم دینی اشاره می‌شود، و عدم موفقیت آنها دلیلی بر عدم امکان تولید علم دینی تلقی می‌شود (ر.ک: مصباح‌یزدی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۶ تا ۲۳۶).

با توجه به شواهد و قرائن تاریخی می‌توان شبهه فوق را نقد کرد. همان‌گونه که

تاریخ گواه است، فلسفه یونانی و غیراسلامی، با ورود به جهان اسلام، تهذیب و اسلامی سازی شده است، بدون اینکه حاکمیتی باشد یا توجه گر قدرت باشد. به ویژه اینکه عدم موفقیت یک نظریه دینی، دلیل بر شکست اصل علم دینی نیست. علم دینی با حل مسائل جزئی با رویکرد دینی و اسلامی، شکل خواهد گرفت و حکومت‌ها، می‌توانند علت معده باشند، نه علت تامه.

نتیجه

خاستگاه شبهات درباره علم دینی را می‌توان در دو دسته اصلی (دین‌شناختی و علم‌شناختی) دسته‌بندی نمود:

اول. خاستگاه دین‌شناختی: بخشی از مبادی منکران علم دینی به دلیل رویکرد آنها به چیستی، مشخصات، اهداف، قلمرو، منابع دین و روش فهم دین است. آنها دین را منحصر در کتاب و سنت دانسته و معرفت دینی را نیز محصول فهم این دو منبع می‌دانند. آنها عمدتاً دین را امری فردی و شخصی می‌دانند که هیچ جایگاهی در حیات اجتماعی انسان ندارد. افزون بر این با تمایز بین وجوه ذاتی از وجوه عرضی دین به زعم خویش در صدد نیل به گوهر دین هستند. آنها مقاصد شارع را گوهر دین می‌دانند و سایر مواردی همچون نظام حقوقی را جزء عرضیات و صدف دین می‌دانند.

دوم. خاستگاه علم‌شناختی: بخش دیگری از خاستگاه منکران علم دین ناظر به رویکرد آنها نسبت به علم است: زبان علم، زبان توصیف و تحلیل است، در حالی که زبان و کارکرد دین در بسیاری موارد، زبان توصیه و ارزش‌گذاری و امر و نهی است. اساساً موضوع علم، امری غیراختیاری است و دین‌داران نمی‌توانند به خواست خود در آن تغییر ایجاد کرده و علم دینی به وجود آورند. برخی منکران علم دینی نیز با انحصار دین در نقل و همچنین انحصار علم در تجربه، ضمن سخن از تعارض و تباین علم و

دین، منکر اصل امکان «علم دینی» شدند. برخی نیز از این سخن گفته‌اند که علم دینی به فرض تحقق از جهت گستره موضوعی و کمی نسبت به علم غیردینی محدودیت دارد. ما در این مقاله بیشتر در صدد دسته‌بندی و مهندسی این شبهات با نگاه درجه دوم بودیم و البته به پاسخ برخی از این شبهات هم اشاراتی داشتیم ولی نقد و پاسخ تفصیلی به آنها، خود مجال واسعی می‌طلبد که علاقه‌مندان را به کتب تخصصی که در این زمینه تألیف شده است، ارجاع می‌دهیم (ر.ک: رمضان علی‌تبار، علم دینی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶).

منابع و مأخذ

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن منظور، لسان العرب، قم: ادب الحوزة، ۱۴۰۵ ق.
۲. پوپر، کارل، حدس‌ها و ابطال‌ها، احمدآرام، چاپ سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۵.
۳. پوپر، کارل، منطق اکتشاف علمی، ترجمه سیدحسین کمالی، چاپ ۴، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۸.
۴. حسنی، سیدحمیدرضا و دیگران؛ علم دینی، دیدگاه‌ها و ملاحظات، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
۵. جوادی آملی، عبدالله، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم: اسراء، ۱۳۸۶.
۶. خسروپناه، عبدالحسین، آسیب‌شناسی انکار علم دینی، دانشگاه اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷.
۷. سروش، عبد‌الکریم، تفرج صنع، تهران: سروش، ۱۳۶۶.
۸. _____، ماهنامه جهان اندیشه، شماره ۲، آبان ۱۳۷۹.
۹. _____، هفته نامه جامعه مدنی، شماره ۲۰، تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۲۲.
۱۰. _____، اسلام و علوم اجتماعی؛ نقدی بردینی کردن علم، مندرج در کتاب: علم دینی؛ دیدگاه‌ها و ملاحظات، به کوشش حسنی و دیگران، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
۱۱. _____، اوصاف پارسایان، چ ۳، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۴.
۱۲. _____، بسط تجربه نبوی، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۸.
۱۳. _____، مدارا و مدیریت، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۶.

۱۴. _____، معنا، امکان و رهکارهای تحقق علم دینی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۹.
۱۵. علی‌تبار، رمضان، علم دینی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶.
۱۶. قبادی، خسرو، دیدگاه‌های مختلف درباره دانشگاه اسلامی، تهران: شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۹.
۱۷. کدیور، محسن، روزنامه بنیان، ۱۳۸۰/۱۲/۲۸.
۱۸. گنجی، اکبر، ماهنامه آفتاب، شماره ۹، تاریخ، آبان ۱۳۸۰.
۱۹. گیلیس، دانالد، فلسفه علم در قرن بیستم، ترجمه حسن میاننداری، تهران و قم: انتشارات سمت و طه، ۱۳۸۱.
۲۰. مجتهد شبستری، محمد، هفته نامه آبان، شماره ۱۲۲، تاریخ ۱۳۷۹/۲/۳.
۲۱. مجتهد شبستری، محمد، هفته نامه جامعه مدنی، شماره ۲۴، تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۲۰.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی، رابطه علم و دین، تحقیق: علی مصباح، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۲.
۲۳. ملکیان، مصطفی، «تأملاتی چند در باب امکان و ضرورت اسلامی شدن دانشگاه»، نقد و نظر، شماره ۱۹، ۱۳۸۱.
۲۴. _____، «امکان و چگونگی علم دینی»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، شماره ۲۲، بهار ۱۳۷۹.
۲۵. نصیری، مهدی، اسلام و تجدد، چاپ سوم، تهران: کتاب صبح، ۱۳۸۷.
۲۶. یوسفی اشکوری، حسن، ماهنامه فکر نو، شماره ۷، تاریخ ۱۳۷۹/۵/۱۵.

Typology of Historical Religious Doubts and Their Tricks

Received date: 2023.08.21 Accepted date: 2023.09.02

Mustafa Mohseni*

Abstract

Nowadays, cyberspace as the biggest media has been provided to anti-Islamists, and one of the most destructive weapons they use in this space is to instill religious doubts, and in terms of the comprehensibility of historical reports, doubts in this area have a greater share. Although various religious and intellectual currents take action to create religious doubts, but in historical religious doubts, the share of extreme antiquarianism and Wahhabism is more than other currents, and currently the most frequent historical religious doubts that the religious responding centers struggle with are created and released by these two aforementioned currents and the others have a smaller share.

The upcoming research is the result of several years of experience in religious responding centers. The author tries to introduce some of these groups and their tricks and methods to the religious preachers so they can answer such doubts with more knowledge, which is one of their duties.

The use of tricks and methods which are deceptive and proportional to the level of education, time status and Location, is one of the findings of this research, which is being implemented by these two currents.

This research has based on the explanatory-analytical method in content processing, also in terms of the type of data used, a qualitative research and the method of collecting information of the library-type and its findings have been obtained as fieldwork.

Keywords: Preacher, Historical Religious Doubts, Tricks, Types.

* PhD of Islamic history and civilization of University of Islamic Studies University Qom, Iran.

E-mail: awleya^otan@yahoo.com

تصنيف الشبهات التاريخية وحيلها

مصطفى محسنی*

المستخلص

يعد الإنترنت والفضاء الإلكتروني اليوم أكبر وسائل الإعلام المتاحة للمعادين للإسلام، ويعتبر أحد أكثر الأسلحة تدميراً التي يستخدمونها في هذا الفضاء إثارة الشبهات والشكوك، ومن حيث عمومية الفهم للتقارير التاريخية، فإن لها نصيب أكبر من الشبهات. على الرغم من أن التيارات الدينية والفكرية المختلفة تخلق وتبث شكوكاً، لكن في مجال الشبهات التاريخية، نلاحظ دور الأثرية والهابية المتطرفة أكثر نصيباً بالنسبة إلى التيارات الأخرى، واليوم أكثر الشبهات التاريخية شيوعاً التي تعاني منها المراكز الاجابة عن الشبهات تم إنشاؤها ونشرها من قبل هذين التيارين و لغيرهما حصة أصغر.

الدراسة التي بين يديكم هي نتيجة سنوات عديدة من الخبرة في مراكز الإجابة عن الشبهات. يحاول المؤلف أن يعرف المبلغين الدينيين ببعض الجماعات من أصحاب إثارة ونشر- الشبهات وبعض حيلهم حتى يتمكنوا من الإجابة كواجبهم التبشيري على مثل هذه الشبهات بإتقان أكثر. من نتائج هذه الدراسة معرفة كيفية استخدام هذين التيارين الحيل والطرق الخادعة، و أيضاً المناسبة لمستوى المعلومات والزمان والمكان، التي تجرى من قبلهما.

تبتنى هذه الدراسة على المنهج التوضيحي-التحليلي في معالجة المحتوى، وأيضاً من حيث نوع البيانات المستخدمة تحسب دراسة نوعي، وقد جمع المعلومات فيها من طريقة ملاحظة المكتبات وتم الحصول على نتائجها ميدانياً.

الكلمات المفتاحية: المبلغ الديني، الشبهات التاريخية، الحيل، أنواع.

* دكتوراه في التاريخ والحضارة الإسلامية من جامعة معارف في قم المقدسة.

نشریه علمی

مطالعات شبهه‌پژوهی

سال اول، بهار ۱۴۰۱، ش ۲

گونه‌شناسی شبهات تاریخی و ترفندهای آنان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۹ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳

مصطفی محسنی*

چکیده

امروزه فضای مجازی به‌عنوان بزرگترین رسانه در اختیار اسلام ستیزان قرار گرفته و یکی از مخربترین سلاح‌های مورد استفاده آنان در این فضا، القای شبهات است و به لحاظ همه فهم بودن گزارش‌های تاریخی، شبهات این حوزه از سهم بیشتری برخوردارند. اگر چه جریان‌های مختلف مذهبی و فکری اقدام به شبهه‌سازی می‌کنند اما در شبهات تاریخی سهم جریان باستان‌گرایی افراطی و وهابیت از سایر جریان‌ها بیشتر است و امروزه پرتکرارترین شبهات تاریخی که مراکز پاسخگویی با آن دسته و پنجه نرم می‌کنند از سوی این دو جریان ساخته و نشر داده می‌شود و دیگر جریان‌ها سهم کمتری دارند.

پژوهش پیش‌رو حاصل تجربه چندین سال پاسخگویی در مراکز پاسخ به شبهه است. نگارنده تلاش بر آن دارد تا مبلغان دینی را با برخی از گروه‌های شبهه‌ساز و نیز بعضی از ترفندها و شگردهای آنان آشنا کند تا مبلغان با اطلاع بیشتری به پاسخگویی اینگونه شبهات که یکی از وظایف تبلیغی آنهاست بپردازد.

استفاده از شگردها و ترفندهای فریبنده، و متناسب با سطح تحصیلات و موقعیت زمانی و مکانی از یافته‌های این پژوهش است که توسط این دو جریان در حال اجراست.

این پژوهش به روش تبیینی - تحلیلی را در پردازش محتوا مبنای قرار داده است، نیز به لحاظ نوع داده‌های مورد استفاده، یک تحقیق کیفی و روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای و یافته‌های آن به صورت میدانی به دست آمده است.

واژگان کلیدی: مبلغ، شبهات، تاریخی، ترفندها، گونه‌ها.

* دکترای تاریخ و تمدن اسلامی از دانشگاه معارف قم awleya.tan@yahoo.com

مقدمه

شبهه برگرفته شده از شبهه و شبه نام مسی است که با افزودن ماده‌ای به آن شبهه طلا می‌شود از این روی به آن شبهه گویند (کتاب العین، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۰۴). امام علی علیه السلام در تعریف شبهه می‌فرماید: شبهه را از آن روی شبهه گویند که شبهه به حق است (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۸). به عبارتی شبهات حق می‌نمایانند اما باطل می‌پروراند؛ زیرا اگر باطل به همانگونه که هست ظاهر شود کسی فریب نخواهد خورد اما اگر با حق در آمیزد عده‌ای حق طلب را خواهد فریفت. کلام یا حق آشکار یا باطلی روشن است و یا ظاهرش حق و باطنش باطل است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۰۳-۴۱۴). برای مثال کسی سعی نمی‌کند زاغ و کلاغ را رنگ کرده و به جای طوطی یا قناری بر دیگران غالب کند اما ممکن است چنین مکاری در مورد گنجشک به جای قناری صورت پذیرد. بنابراین امروزه هجمه به اسلام به صورت باطل محض انجام نمی‌گیرد بلکه با حق آمیخته می‌گردد. بر همین اساس اهمیت شبهه تا آنجاست که امام علی علیه السلام آن را یکی از ارکان چهارگانه کفر به شمار می‌آورند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۹۱).

برای پاسخ به شبهه ضمن شناخت گونه‌شناسی شبهات و روش‌های پاسخ‌گویی باید با ترفندهای شبهه‌کنندگان نیز آشنایی داشت. در این زمینه مقالات و کتاب‌هایی به رشته تحریر در آمده است. سلسله مقالات مرتبط با پاسخ‌گویی به شبهات توسط محمدعلی محمدی در شماره‌های مختلف مجله مبلغان منتشر شده است. (محمدی، ۱۴۰۰، ص ۴۷). که در نهایت این مقالات به صورت کتابی با عنوان «شیوه پاسخ به پرسش‌های دینی منتشر» شد. مقاله‌ای نیز با عنوان «گونه‌شناسی روش پرسش و پاسخ و کاربست آن در پاسخ به مسائل قرآنی» توسط محمد جواد فلاح به رشته تحریر در آمده و عنوانش گویای آن است که در مورد سؤالات قرآنی است. رضا محمدی نیز در مجله

شبهه

پیام، «شیوه‌شناسی پاسخگویی به سؤالات و شبهات دینی» را تدوین کرده‌است (محمدی، ۱۳۹۰، ۲۱-۳۵). در این مقالات روشهای مختلف پاسخگویی بیان شده اما بیشتر پاسخهای موردی است و به ترفندهای شبهه‌سازان پرداخته است. نیز موضوع آن عمومی و اختصاصی شبهات تاریخی نیست. نوشتاری با عنوان «پاسخگویی به شبهات تاریخی» منتشر شده در مجله پاسدار اسلام نیز در مورد تاریخ فلسطین است (صفحات، ۱۳۹۴، ص ۳). بنابراین نوشتاری که تنها به شبهات تاریخی، گونه‌شناسی آنها و ترفندهای شبهه‌سازان نوشته شده باشد یافت نشد.

۶۱

شبهات
تاریخی

گونه‌شناسی شبهات تاریخی و ترفندهای آنان

بنابر روایتی از حضرت علی علیه السلام یکی از رسالت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله از احه شبهات و پاسخگویی به آنهاست (سیدرضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۴۶). معصومین علیهم السلام نیز به این مهم پرداخته و منابع حدیث و تاریخی پر است از نمونه‌هایی که بیان آنها خود پژوهش گسترده دیگری می‌طلبد. از همین روی پاسخگویی به شبهه را می‌توان یکی از اساسی‌ترین وظایف مبلغان دینی نامید. چرا که همواره جهان تشیع در معرض سیل شبهات قرار داشته و عصر ما نیز از این امر مستثنی نیست. این امر علاوه بر حکم عقل در احادیث امامان علیهم السلام نیز ریشه دارد و در این روایات دانشمندان و عالمان دینی ترغیب به پاسخگویی به شبهات شده و علمایی که به این امر همت می‌گمارند بسان مرزبانان معرفی شده‌اند که از مرز ایمان محافظت می‌نمایند. امام صادق علیه السلام علمای شیعه را همچون مرزداران می‌دانند که مانع یورش شیاطین به شیعیان ناتوان شده، و جلوی غلبه ناصبان شیطان صفت را می‌گیرند و فضیلت این عملکرد را بالاتر از رزمندگانی معرفی می‌کند که با روم و ترک و خزر در حال جهادند، زیرا علما از دین مردم دفاع می‌کنند و رزمندگان از جسم آنها» (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۱۷) بر همین اساس تنها هدفی که شهید مطهری در نوشته‌هایش دنبال کرده حل مشکلات و پاسخگویی به مسائل اسلامی است (شهید مطهری، ۱۳۷۰، ص ۸-۹).

بدیهی است کسانی که ادامه دهنده راه آنان هستند نیز چنین وظیفه‌ای را بر عهده دارند. بنابراین باید به شناخت شبهه و چگونگی پاسخ مخصوصا در آگاهی بخشی به جوانان بیشتر تلاش کنند، چراکه بیشتر در معرض آسیب هستند و این امر مورد توصیه ائمه علیهم‌السلام نیز بود. امام صادق علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید: به جوانان خود حدیث بیاموزید پیش از آنکه مرجئه بر شما سبقت گیرند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۷؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۱۱).

مرجئه در آن زمان با ایجاد شبهات مختلف دینی در صدد جذب جوانان و دور کردن آنها از اهل بیت علیهم‌السلام بودند بنابراین این روایت را می‌توان به هر گروهی که رویکرد مرجئه را در پیش دارند تعمیم داد. از آنجا که امروزه بیشتر شبهات تاریخی مطرح است لذا لازم است تحقیقی در این مورد برای آشنایی مبلغان با چند و چون آن صورت پذیرد. بنابراین تحقیق پیش‌رو به چرایی و چگونگی آشنایی مبلغان با شبهات تاریخی و ترندهای شبهه‌کنندگان پرداخته شده است.

الف) اهمیت شبهات تاریخی

امروزه در فضای مجازی و پیام‌رسان‌های مختلف با انبوهی از شبهات دینی مواجهیم که بخش قابل توجهی از آنها تاریخی است چراکه سلايق و تعصبات قومی، قبیله‌گی و مذهبی و نیز تطمیع و تهدید حاکمان باعث جعل گزارش‌های بسیاری شده و حفره‌های کور فراوانی ایجاد کرد که راه را برای القاء شبهات هموار می‌کند. توضیح اینکه پیش از این بیشتر شبهات در بستر علم کلام و عقاید مطرح می‌شد. شبهه اعتقادی شبهه ساز را وادار می‌کرد که خود تا اندازه‌ای با این علم آشنایی پیدا کند و گاهی برای القاء یک تفکر اشتباه مجبور میشد قواعد سخت فلسفی و کلامی را بیاموزد تا بتواند مثلا برهان نظم را با بحث شرور به چالش بکشد. بر فرض گذراندن این مراحل تنها می‌توانست

عده‌ای اندک که خود تحصیل کرده و آشنایی اجمالی با این‌گونه مباحث دارند را مخاطب خود قرار دهد و به نوعی بفریبد. یعنی اینکه کارخانه‌های شبهه‌سازی باید بیشترین توان خود را صرف جذب افراد معدود می‌کردند و این راه هزینه بسیاری برای آنها به ارمغان داشت.

آشنایی معاندان اسلام با منابع تاریخی کهن و اطلاع از ضعف آنها، آنان را به سوی این منابع سوق داد؛ زیرا از یک طرف فهم آن منابع زحمت فراوانی نمی‌طلبید و از طرفی هر کس که سواد خواندن و نوشتن داشت می‌توانست مخاطب آنان قرار گیرد بنابراین به سراغ تاریخ رفته و شگردها و ترفندهای خود را در منابع تاریخی پیاده کردند.

بنابراین تنها بیان سیره و فضایل ائمه اطهار علیهم‌السلام کافی نیست بلکه باید به ابزار فکری مقابله با شبهات، نیز مسلح شوند.

۶۳



ب) گونه‌شناسی

شبهات تاریخی از سوی یک طیف و گروه از مخالفان شیعه مطرح نمی‌شود، بلکه گروه‌های متعدد با رویکردهای مختلف اقدام به شبهه‌پراکنی می‌کنند. اگر چه جریان‌های مختلف مذهبی و فکری اقدام به شبهه‌سازی می‌کنند اما در شبهات تاریخی سهم جریان باستان‌گرای افراطی و وهابیت در شبهات تاریخی، از سایر جریان‌ها بیشتر است و امروزه پرتکرارترین شبهات تاریخی که مراکز پاسخگویی با آن گلاویز هستند، از سوی این دو جریان ساخته و نشر داده می‌شود و دیگر جریان‌ها سهم کمتری را به خود اختصاص داده‌اند. نگارنده که سابقه قابل توجهی در پاسخگویی به شبهات دارد، سهم وهابیت و باستان‌گرایان افراطی نسبت به گروه‌های دیگر را غیر قابل مقایسه می‌داند. بنابراین شناسایی شبهات ساخته شده از طرف این دو گروه و یافتن ریشه‌ها و انگیزه‌های آنان ما را در بحث کمک می‌کند.

۱. وهابیت

وهابیت، این گروه بخشی کوچکی از اهل سنت هستند نه همه آن. این گروه نه تنها با شیعیان، بلکه در بسیاری از آموزه‌ها حتی با تمام مسلمانان در تعارض هستند و به غیر از کسی که افکار آنان را قبول دارد سایر مسلمانان را مشرک می‌دانند. نامه‌های محمد بن عبدالوهاب به سران اهل سنت کشورهای اسلامی و دعوت آنان به اسلام، گواه این مطلب است. او تمامی قبایل عربی و غیرعربی و علمای معاصر خود را متهم به کفر و زندقه و الحاد و شرک نمود (غیب غلامی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۷). کشتار مردم اهل سنت طائف نیز مؤیدی بزرگ بر این ادعاست. آنها در این حمله، اجساد کشته‌ها را به مدت ۱۶ روز بر روی تپه‌ها رها نموده که بوی تعفن همه‌جا را فرا گرفته بود، تا در نهایت با حفر کانالی جنازه‌های متلاشی شده که توسط حیوانات وحشی تکه تکه شده بودند را در آن ریخته و بر آنها خاک ریختند (غیب غلامی، ۱۳۹۵، ص ۱۹۷). اگر امروزه رسانه‌های آنان در صدد تخریب آموزه‌های شیعی هستند، این اول راه است؛ زیرا به فرض محال پس از غلبه بر شیعیان، به جنگ همه جانبه با اهل سنت خواهند رفت.

بنابراین خط مقدم درگیری آنها از نظر نظامی و فکری تشیع بوده و با کمک گرفتن از ابزار رسانه‌ای مدرن سیل شبهات را روانه جامعه شیعی می‌کند. می‌بینیم عمده تمرکز وهابیت بر مسائل اختلافی بین شیعه و سنی است، چراکه در درگیری فکری بین وهابیت و شیعه پیروزی از آن گروهی است که بتواند قاطبه اهل سنت را با خود همراه کند. تصور کنید سه گروه «الف»، «ب» و «ج» داریم و «الف» و «ب» در مقابل هم قرار گرفته‌اند. هر دو نیز نقاط تمایز و اشتراکی با گروه «ج» دارند، بدیهی است هر گروه بتواند نقطه اشتراک خود با گروه «ج» را تقویت کند و سپس به نقاط اختلافی گروه مقابل با گروه ج بپردازد، می‌تواند این گروه را با خود همراه کند. شیعه و اهل سنت نقاط اشتراکی زیادی در مقابل وهابیت دارند. هر دو گروه زیارت قبور را

شرک نمی‌دانند. هر دو گروه برای اولیای خود بارگاه می‌سازند. هر دو گروه توسل به اولیای خود دارند و...

شیعه در مناظرات و مواجهات خود با وهابیت، باید نقاط اختلافی آنها با اهل سنت را به تصویر بکشد. برای مثال اعتراف گرفتن از آنها در مشرک دانستن زائران قبور، اهل سنتی که در مصر، اردن، سوریه، عراق، پاکستان و افغانستان مقابر باشکوهی برای بزرگان خود ساخته‌اند، مشرک می‌شوند. مسئله توسل نیز همین گونه است. در این عقیده افزون بر شیعیان، اهل سنت نیز مورد هجمه وهابیت هستند.

لذا باید نقاط افتراقی اهل سنت و وهابیت در مناظرات بین شیعه و وهابیت مشهود باشد و هر از گاهی تأکید شود، آیا شما مردم مصر را مشرک می‌دانید؟ یا کسانی که در بصره بر سر قبر زبیر حاضر می‌شوند، مشرکند.

اما امروزه وهابیت بیشتر از این ترفند استفاده می‌کند و در مناظرات بیشتر مباحثی را مطرح می‌کند که شیعه و سنی بر سر آن اختلاف دارند. هدف وهابیت برخورداری از حمایت اهل سنت است. لذا اگر بتواند در بحث و مناظرات، توهینی برضد یکی از بزرگان اهل سنت از جانب شیعیان بگیرد در کار خود موفق شده است. (غدیر- سقیفه - شهادت حضرت زهرا علیها السلام ازدواج عمر و ام کلثوم علیهما السلام، نامگذاری فرزندان اهل بیت به نام خلفا و دیگر بزرگان اهل سنت و... از نمونه‌های شبهات تاریخی است که ضمن فریب عامه شیعه، اهل سنت را نیز با خود همراه می‌کنند). منظور نویسنده این نیست که از پاسخ به این گونه شبهات طفره رفته تا شنونده تصور کند شیعه حرفی برای گفتن ندارد بلکه منظور آن است که ابتکار عمل را از دست طرف مقابل گرفته و آنان در مقابل جمعیت کثیر اهل سنت قرار داده شوند. در عین حال، ضمن رعایت ادب اسلامی و سیره اهل بیت علیهم السلام در حفظ وحدت، با استدلال‌های محکمه پسند و مخصوصاً استناد به کتب خود اهل سنت این گونه مباحث را نیز پاسخ جامع و کامل دهند، اما مواظب باشند در دامی که وهابیت پهن کرده گرفتار نشوند.

۲. باستان‌گرایان افراطی

این گروه تقریباً صد و پنجاه سال است، فعالیت خود را در ایران آغاز کرده و درصدد ایجاد تقابل بین هویت دینی و ملی هستند. شاید برخی با استناد به نهضت شعوبیه و قیام‌هایی از قبیل بابک خرمدین تصور کنند که باستان‌گرایی از ابتدای ورود اسلام به ایران بود. بله؛ ده‌ها سال پس از سقوط ساسانیان، حرکت‌هایی با محوریت عرق ملی در ایران ظهور کرد اما به‌منظور بازگشت به ایران پیش از اسلام نبود. بزرگترین جنبش فرهنگی این جریان موسوم به «نهضت شعوبیه» اگر چه به تقابل عجم و عرب دامن زد، اما در مقابل اسلام قد علم نکرد. امثال بابک خرمدین و مازیار نیز اگر چه در مقابل اسلام بودند - بر خلاف قیام ابومسلم که خمیر مایه مذهبی داشت - اما مورد اقبال عمومی قرار نگرفت و از سوی خود ایرانیان سرکوب شد. با این حال چه نهضت شعوبیه و چه قیام‌های مذکور برخاسته از دل ایران بود و دست‌های بیگانگان در آنها دیده نمی‌شود.

جامعه ایرانی از دوره قاجار با یک باستان‌گرایی جدید مواجه است که ریشه در لایه‌های زیرین اجتماعی ایران ندارد، بلکه بحثی وارداتی است و توسط مستشرقان و عقبه فکری آنان در این کشور گسترش یافت. این جریان یکی از مباحث مهم اجتماعی شد و ذهن بسیاری از مردم را به خود مشغول کرد.

هدف مستشرقین و دولت‌های متبوع آنان از مطرح کردن این بحث، مقابله با اسلام است؛ زیرا پرداختن و مبالغه‌گویی در مورد عظمت، شوکت و اقتدار باستان، چرایی اُفول آن را در اذهان عموم مردم ایجاد می‌کند و کافی است در پاسخ به این پرسش، اسلام عامل از بین رفتن این اقتدار معرفی شود.

با در نظر گرفتن مطالب فوق، نحوه برخورد با این پدیده، درایت خاص خود را می‌طلبد، چه آنکه احتمال می‌رود با رفتارهای خام و ناپخته در مسیری قدم برداشته شود

که توسط طرف مقابل ریل گذاری شده است.

به نظر نگارنده این سطور، اسلام ستیزان غربی در مطرح کردن باستان گرایی اهداف متعددی را دنبال می کنند. یکی از اهداف آنها ایجاد دوقطبی هویت دینی و هویت ملی در جامعه ایرانی است؛ زیرا برخورد مردم ایران با این پدیده از سه حال خارج نیست. (یک) گروهی که دانسته مطالب دیکته شده از طرف اسلام ستیزان را با ابزارهای رسانه‌ای خود در جامعه ترویج می کنند. شکی نیست که این گروه در مقابل دین قرار داشته و برای انزوای آن از هیچ کوششی فروگذار نمی نمایند.

(دو) اکثریت جامعه که در مباحث اجتماعی به قشر خاکستری معروفند. این گروه ستیزی با دین نداشته بلکه بسیاری از بدنه متدین جامعه نیز در این دایره قرار می گیرند. در مناسبت‌های مذهبی از تصاویر متناسب با آن مناسبت در پروفایل‌های شبکه اجتماعی خود استفاده می کنند. در عین حال موج باستان گرایی که در این صد پنجاه سال ایجاد کرده، باعث نگاه مثبت این افراد به ایران باستان شده است، بنابراین در هفتم آبان تصاویر مرتبط با کورش را بارگذاری کرده و هیچ گاه این کار را مقابله با دین تصور نمی کند. سه) مذهبی‌هایی هستند که باستان گرایی معرفی شده از طرف غرب را مغایر با آموزه‌های دینی می دانند و به اهداف شوم اسلام ستیزان در مطرح کردن این پدیده پی برده‌اند.

با توجه به سه گروه فوق، تقابل اصلی بین گروه اول و سوم است. در این تقابل، برگ برنده از آن گروهی است که بتواند گروه دوم که همان افراد خاکستری است را با خود همراه کرده و به سوی خود جذب نماید. برای محققان مذهبی در این میان دو راه متصور است.

۱-۲. تقابل با باستان

با مطالعه منابع یونانی، سنگ نبشته‌ها و منابع مطالعاتی تدوین شده در این صد و اندی سال توسط باستان‌گرایان، نکات منفی را استخراج کرده و به جامعه معرفی کنند. برای نمونه در مورد کورش در منابع یونانی غور کرده، نکات منفی از جمله قتل و غارت و برده‌داری‌های کورش و هخامنشیان در معرض عموم قرار داده و از منشور نیز قسمت تکریم‌بت‌ها به جامعه معرفی شود.

۲-۲. تقابل با باستان‌گرایی

با مطالعه ریشه‌ها، بسترها، زمینه‌ها، اهداف و ترفندهای باستان‌گرایان افراطی، جامعه را نسبت به اغراض آنها آگاه در رسیدن به این اهداف ناکام گذارند.

نگارنده راه دوم را صحیح و منطقی می‌داند؛ زیرا باستان‌امری است و باستان‌گرایی امر دیگر. چه بسا پرداختن به نقاط ضعف باستان با استناد به منابع یونانی و سنگ‌نبشته‌های باستانی که خود با اما و اگرهای زیادی مواجهند، ضرر و زیانش از باستان‌پرستی بیشتر باشد؛ زیرا هر آینه احتمال می‌رود، قشر خاکستری را به دامان گروه اول سوق دهد تا اینکه شیفته گروه سوم نماید. با توجه به تلاش صدوپنجاه ساله باستان‌گرایان افراطی کورش و باستان‌بخشی از هویت هر ایرانی را تشکیل داده است. بنابراین با مطالعه عمیق در منابع مرتبط باید قسمت‌هایی از باستان که مورد تأیید بوده و با آموزه‌های دینی تقابل ندارد را به مردم عرضه و بیان کرد که دین سرستیز با خوبی‌های باستان نداشته و آنچه در مقابل توحید است، باید زدوده شود. اسلام حتی بر تمام آموزه‌های جاهلیت، خط بطلان نکشید بلکه آنها را از صافی آموزه‌های دین گذراند و بر برخی صحنه گذاشت.

دامن زدن به این اختلاف و ایجاد دو قطبی باستان‌گرا و باستان‌ستیز، همانند پرداختن به اختلافات شیعه و اهل سنت به سبک شبکه‌های افراطی شیعی و اهل سنت بوده که به

نوعی آب در آسیاب دشمن ریختن است. لذا مناسب است ریشه‌های باستان‌گرایی افراطی در صد سال اخیر تبیین و جامعه نسبت به اهداف مغرضانه آنها که عموماً از غرب دیکته شده، آگاه شوند.

از جمله شبهات القایی از طرف آنها عبارتند از: جاذبه‌سازی و ایجاد شیفتگی در ایران باستان، منزلت‌سازی برای سنت‌ها و عقاید کهن باستانی، ابداع تاریخ با عظمت برای ایران باستان، نمادسازی‌های غیرواقعی، اسطوره‌سازی کاذب مانند: کورش و...، تحریک احساسات نژادی و قومی، تاکید بر منزلت و امتیاز خون و تبار ایرانی، سوء استفاده از مناسبت‌های زمانی، بزرگنمایی تخریب و غارت ایران در ورود اسلام به ایران، دگرسازی هویتی میان دین اسلام و هویت ملی ایرانیان، نادیده انگاری خلاقیت فکری و هنری ایرانیان بعد از اسلام، کاربست اسلام به مثابه تنها عامل عقب‌ماندگی ایران معاصر و پسرفت تمدنی، عرب‌ستیزی و مبالغه‌گویی در ماجرای ورود اسلام به ایران، استناد به گزارش‌های تاریخی غیرمعتبر در فتح ایران، نقش حضرت علی علیه السلام در فتح ایران، حضور حسنین علیهم السلام در فتح ایران، سلمان فارسی و فتح ایران و... داستان شهربانو، نیز این گروه در تخریب اقدام به تخریب چهره شخصیت‌های مقدس اسلامی می‌کند، از جمله شبهات مربوط به جنگ‌های نبوی، تعدد زوجات پیامبر صلی الله علیه و آله و تخریب شخصیت دیگر بزرگان اسلامی بیشتر از طرف این گروه رقم می‌خورد، چراکه وهابیت لاقول نسبت به چهره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اقدام به چنین کاری نمی‌کنند.

۳. شبهات مشترک بین گروه‌ها

شبهه‌سازی در حوزه تاریخ، منحصر به این دو گروه نیست، بلکه گروه‌های دیگر نیز به این امر مبادرت می‌ورزند و یا تولیدات ساخته شده از طرف این دو گروه را باز نشر می‌دهند. برخی از شبهات نیز مشترک بین این دو گروه و گروه‌های دیگر اسلام‌ستیز

است. معمولا شبهات عاشورایی از این سنخ هستند که می‌توان از افسانه ارینب و تنزل حماسه بزرگ حسینی به یک درگیری عشقی یا یک دعوی خانوادگی با بزرگ‌نمایی نسبت‌های فامیلی بین طرفین درگیری در کربلا، زیر سؤال بردن تشنگی در واقعه عاشورا با شبهه‌هایی، همچون امکان حفر چاه و استفاده از شیر شتر و چگونگی غسل در شب عاشورا با توجه به کمی آب، عدم گرمی هوا در مهرماه آنچنان که در مرثیه‌خوانی‌ها مطرح است و... نام برد.

شناسایی گونه‌های مختلف، ما را با فضای فکری شبهه‌ساز آشنا و در پاسخ کمک می‌کند؛ چرا که گاهی ساختار پاسخ در برابر هر کدام از این طیف‌ها متفاوت خواهد شد. بنابراین مُبلغ برای پاسخ، به فضای فکری حاکم بر اندیشه القاء‌کننده شبهه نیاز دارد تا به کسی که در ورطه شبهه گرفتار شده کمک کند.

برای مثال اگر کسی پرسید «آیا صحیح است که ایرانیان به دست خلیفه دوم مسلمان شدند؟» گاهی این شبهه از طرف وهابیت مطرح می‌شود و هدف آن است که مردم ایران را مدیون خلیفه دوم بدانند، لذا در اینجا باید پاسخی با توجه به ریشه شبهه داد و گفت: این گفتمان برتر اسلام بود که توانست در عرض کمتر از بیست سال بر گفتمان‌های معاصر خود فائق آید. اگر حضرت علی علیه السلام نیز به خلافت می‌رسید، ایران به اسلام می‌گروید و حتی برخی از ناملایمات حین فتح نیز اتفاق نمی‌افتاد. مگر بزرگ‌ترین کشور اسلامی؛ یعنی مالزی توسط خلیفه دوم فتح شد؟ پر واضح است که نه.

حال اگر همین سؤال توسط باستان‌گرایان افراطی مطرح شود، پاسخی متناسب با آن باید داد؛ زیرا آنها به دنبال زیر سؤال بردن اصل اسلام و خشن نشان دادن آن هستند. لذا باید با تعدیل گزارش‌های جعلی و تندی که در فضای مجازی مطرح است واقعیات را مطرح کرد و همانگونه که شهید مطهری در کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» قلم زده‌اند، به دفع شبهه پرداخت. شهید مطهری وقتی درباره جعلی بودن آتش‌سوزی کتابخانه

اسکندریه سخن می‌گفتند، مورد اعتراض بعضی از افراد قرار گرفتند. ایشان در این باره می‌فرمایند: چند سال پیش در مؤسسه اسلامی حسینیه ارشاد دو سخنرانی ایراد کردم که عنوانش «کتاب‌سوزی اسکندریه» بود و بی‌پایگی آن را روشن کردم. یادم هست که بعد از پایان آن سخنرانی‌ها از مؤمن مقدسی نامه‌ای دریافتیم به این مضمون که تو چه داعی داری که دروغ بودن این قصه را اثبات کنی؟! بگذار اگر دروغ هم هست مردم بگویند؛ زیرا دروغی است به مصلحت و تبلیغی است علیه عمر بن الخطاب و عمرو بن العاص.

این مؤمن مقدس گمان کرده بود که این همه بوق و کرنا که از اروپا تا هند را پر کرده، کتاب‌ها در اطرافش می‌نویسند و رمان‌ها برایش می‌سازند و برای آن که مسلم و قطعی تلقی شود در کتب منطق و فلسفه و سؤالات امتحانیه آن را می‌گنجاند، به‌خاطر احساسات ضد عمری یا ضد عمرو بن العاصی است و یا قربه الی الله و برای خدمت به عالم تشیع و بی‌آبرو کردن مخالفان امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. این اشخاص نمی‌دانند که در جوی که این مسائل مطرح می‌شود، مسئله اسلام مطرح است و بس، و نمی‌دانند که در جهان امروز سلاح مؤثر علیه یک کیش و یک آیین بحث‌های کلامی و استدلال‌های منطقی ذهنی نیست؛ در جهان امروز طرح طرز برخورد پیروان یک کیش در جریان تاریخ با مظاهر فرهنگ و تمدن، مؤثرترین سلاح له یا علیه آن کیش و آن آیین است (مطهری، ۱۳۷۵، ج ۱۴، ص ۳۱۲).

بنابراین متناسب با هدف شبهه‌کننده؛ پاسخگو باید بخشی از اطلاعات خود را مصرف نماید. این به معنای تغییر در پاسخگویی یا دروغ گفتن در پاسخ نیست، بلکه این هدف شبهه‌ساز است که مورد هجمه باید قرار گیرد.

ج) ترفندها و شگردها

شبهه‌سازان از ترفندها و شگردهای مختلفی برای فریب افکار عمومی استفاده می‌کنند، که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. استناد به گزارش‌های ضعیف

کتاب‌های تاریخی کهن بسان صندوقی هستند که سکه‌های واقعی و بدل را در خود

جای داده است. هیچ عاقلی به بهانه وجود سکه‌های بدل صدوق را به رودخانه نمی‌اندازد و نیز هیچ عاقلی حساب واقعی برای همه سکه‌ها باز نمی‌کند بلکه به سراغ طلاشناس رفته تا خوب و بد آنها را از هم جدا کند. کتاب‌های تاریخی کهن نیز در دل خود گزارش‌های صحیح و جعلی را جای داده‌اند. بنابراین تنها سواد خواندن و نوشتن در مطالعه این آثار کافی نبوده بلکه منابع مذکور تخصصی بوده و این کارشناس تاریخ است که با بکارگیری ابزار مختلف علمی توانایی تشخیص گزارش‌های گوناگون را دارد. گزارش‌هایی که عوامل متعددی از جمله سلايق و تعصبات قومی، قبیله‌گی و مذهبی و نیز تطمیع و تهدید حاکمان باعث جعلی برخی از آنها شده است. اگر این علل تعدد در جعل گزارش‌ها را نیز در نظر نگیریم، شیوه مورخان در کتاب‌های منبع، بیان گزارش‌های مختلف است. بدین معنا که نویسندگان به جمع‌آوری گزارش‌های متعدد در یک واقعه پرداخته و آن را از راویان زیادی نقل کرده که برخی از آنها ۱۸۰ درجه با هم تفاوت دارند. پر واضح است که جمع‌آوری‌کننده نمی‌تواند مهر تأیید بر همه آنها بزند؛ زیرا نمی‌توان هر دو گزارش مخالف هم را صحیح دانست. طبری در مقدمه تاریخش خود به این ضعف اعتراف کرده و می‌گوید:

«آنچه در این کتاب جمع‌آوری شده همگی صحیح نیست و آنها را از افراد مختلف شنیدم و جمع‌آوری کردم، شاید در آن چیزهایی باشد که باعث ناراحتی شود، اما این سخنان از من نیست و من فقط آنها را جمع‌آوری کرده‌ام» (طبری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۸).

علامه عسکری کتابی تحت عنوان افسانه عبدالله بن سبا نگاشته و ضمن رد گزارش‌های طبری از سیف بن عمر، و تضعیف وی از طرف رجال یون شیعیه و اهل سنت، پرده از بی‌اعتبار بودن تاریخ طبری برداشته است. وی در همین راستا دو جلد کتاب دیگر به نام صد و پنجاه صحابه ساختگی به رشته تألیف درآورده و از صحابه‌ای سخن می‌کند که در طبری با آب و تاب از آنان گزارش شده ولی اصلاً وجود خارجی ندارند.

آیت‌الله سبحانی ضمن تضعیف پنج نفر از روایان طبری از منابع اهل سنت در مورد تاریخ طبری می‌فرماید:

طبری در جلد ۳، ۴ و ۵ تاریخ خود، ۷۰۱ روایت پیرامون وقایع سال‌های ۱۱ تا ۳۷ هجری (دوران خلافت ابوبکر، عمر و عثمان) از طریق پنج نفر (السری بن اسماعیل کوفی، السری بن عاصم، شعیب بن ابراهیم کوفی، سیف بن عمر، یزید الفقعسی) نقل کرده و در نتیجه حقایق تاریخی این دوره را وارونه جلوه داده است (سبحانی، ۱۳۸۸، ص ۱۶-۱۷).

بنابراین یکی از وظایف کارشناس تاریخ، این است که صحت و سقم این گزارش‌ها را بررسی کند و در یک فضای علمی، گزارش صحیح از غلط و مجعول را متمایز سازد. برخی ابزار برای بهره‌گیری صحیح از گزارش‌های تاریخی عبارتند از: شناخت صحیح ادبیات عرب، دانستن علم رجال و شناختن روایان اسناد، تسلط بر منابع مختلف و تطبیق آنان از نظر زمانی، مکانی و جهات دیگر، آشنایی با نویسندگان کتاب از حیث مذهب، تفکر و گرایش‌های مختلف. بدون برخورداری از این ابزارها نمی‌توان به سراغ منابع اولیه چون تاریخ طبری رفت، چراکه با دانستن علم رجال است که گزارش‌های طبری از سیف بن عمر - که به گفته شیعه و سنی ضعیف است - کنار گذاشته می‌شود؛ با شناخت صحیح ادبیات عرب است که فرق استفاده فعل مجهول از معلوم مشخص می‌شود و اشعار به ضعف در فعل مجهول از نظر نویسندگان معلوم خواهد شد.

اما کسانی که به قصد شبهه‌افکنی به سراغ کتاب‌های منبع می‌روند کاری با صحت و سقم گزارش ندارند بلکه آن گزارش را انتخاب می‌کنند که با هدف شبهه‌افکنی آنان هم داستان باشد. گاهی یک جریان در یک کتاب به چند صورت روایت شده و کاملاً با هم متضاد هستند، ولی در شبهه می‌بینیم فقط روایتی که ادعای شبهه‌کننده را اثبات می‌کند، مطرح می‌شود. افسانه کشتار بنی قریظه (محسنی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۰)، بستن آب در جنگ بدر (محسنی، ۱۳۹۹، ص ۱۵۴)، افسانه ارینب و... از این نوع است.

۲. برخورد غیر علمی با گزارش‌های متناقض

شیوه علمی در انتخاب گزارش صحیح از بین گزارش‌های متعارض، ترجیح دادن خبر متواتر یا خبری که ناقل بیشتری دارد بر غیر آن است، مگر اینکه مؤیدی بر اثبات خبری داشته باشیم که افراد کمتری آن را نقل کرده‌اند. برای مثال بحث عطش در حادثه کربلا از جمله اخباری است که طرفین قضیه به صورت گسترده نقل کرده‌اند. نه تنها اصحاب امام حسین علیه السلام بارها با شیوه‌های مختلف بیان کرده‌اند بلکه در نامه‌های رد و بدل شده بین ابن‌زیاد با عمر بن سعد و حر نیز به خوبی نمایان است. شبهه‌کنندگان با نادیده گرفتن این همه گزارش، به جریان خبر غسل شب عاشورا که تنها چند نفر گزارش کرده‌اند، استناد کرده‌اند و تشنگی را زیر سؤال برده‌اند و حال آنکه اگر این دو سنخ از گزارش قابل جمع نیست، باید با تشنگی، غسل را زیر سؤال برد، نه اینکه با غسل، تشنگی را دروغ پنداشت. معاندان از این روش به صورت گسترده در شبهه‌سازی استفاده می‌کنند، چراکه تشخیص این دو سنخ از گزارش‌ها برای عموم مردم مشکل است.

۱-۲. دروغ پراکنی عوام‌فریبی

گاهی مطلبی که در شبهه‌ها القاء می‌شود، نه تنها در منابع متقدم نیست، بلکه در منابع متأخر نیز وجود ندارد. این ترفند از سوی همه جریان‌های شبهه‌ساز مورد استفاده قرار می‌گیرد. در شبهه‌ای که چندی پیش در فضای مجازی منتشر شد، کمیل بن زیاد نخعی که در آن متن به عنوان استاندارد فارس از طرف حضرت علی علیه السلام معرفی می‌شد به قتل عام مردم این خطه اقدام کرده بود، چون قصد تخریب قبر کورش را داشت اما مردم مخالفت کردند. و حال آنکه کمیل استاندارد حضرت علی علیه السلام در این ناحیه بوده و نه بقعه موجود در پاسارگاد در آن زمان منتسب به کورش! و نه این گزارش کوچک‌ترین نشانه‌ای در منابع متقدم و متأخر دارد بلکه ساخته ذهن بیمار شبهه‌کننده برای اغوای مخاطبان خود است. از این نمونه بسیار است. نامه یزدگرد به خلیفه دوم و پاسخ

وی (محسنی، ۱۳۹۷، ص ۱۸۳)، به تصویر کشیدن موقعیت جغرافیایی کوفه که در بین مکه و کربلاست جهت آنکه وانمود کنند، کل دعوت کوفیان دروغ است و اگر امام حسین علیه السلام می‌خواست به کوفه برود از آن شهر رد نمی‌شد و به کربلا نمی‌رفت. شبهه‌کنندگان خوب می‌دانند که حُر اجازه ورود امام به کوفه و بازگشت به مدینه را نداد و نهایت کار به کربلا ختم شد و با این دروغ قصد دارد کل حادثه کربلا را یک قصه دروغین بنامد. گاهی نیز اسنادی به دروغ، ذیل شبهه خود درج می‌کنند، چراکه عموماً مردم به سراغ راستی‌آزمایی، پی‌نوشت بر نمی‌آیند.

این روش شیطنت‌آمیز هر از گاهی در فضای مجازی دیده می‌شود و صدر و ذیلش آکنده از دروغ است.

۷۵



۲-۲. شبهات حاشیه‌ای یک جریان تاریخی جهت تضعیف آن جریان

شبهاتی همچون شیعیان می‌گویند در گرمای سوزان پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها که رفته بودند، فرمود: برگردید و به آنها که نرسیده بودند، فرمودید زودتر خود را برسانید. کدام گرمای؟ ۱۸ ذی‌الحجه سال دهم هجری اواخر اسفند یا اوایل فروردین است و در این تاریخ گرمای سوزانی وجود ندارد یا شیعیان می‌گویند سلحشوران کربلا در گرمای سوزان روز عاشورا در حال تشنگی به مبارزه می‌پرداختند. کدام گرمای سوزان؟ عاشورای سال شصتم هجری حدوداً در بیستم مهرماه بوده و این تاریخ گرمای سوزانی وجود ندارد و از این نمونه‌ها بسیار است.

شبهه‌کننده ضمن گرفتن چند تأیید از مخاطب، او را با خود همراه کرده و القاء می‌کند که پس همه جریان دروغی تاریخی بیش نیست. و حال اولاً: چیزی را رد می‌کند که شیعه ادعا نکرده است، در کدام روایت از گرمای سوزان غدیر و عاشورا صحبت شده؟ بلکه گفته‌اند هوا گرم بوده، و ضمن اینکه باید شرایط اقلیمی حجاز و عراق در نظر گرفته شود، فعالیت‌های سفر و جست و خیزهای جنگ نیز بر گرما می‌افزاید. بر

فرض که اصلاً هوا خنک یا سرد! کل ماجرا زیر سؤال می‌رود؟ اگر کسی ادعا کرد رزمندگان در گرمای ۶۰ درجه خوزستان با نیروهای بعثی می‌جنگیدند و کسی آمد گرمای ۶۰ درجه را غیر واقعی دانست، آیا می‌توان نتیجه گرفت پس جنگی بین ایران و عراق اتفاق نیفتاده است؟! از این قبیل است ۱۲۰ هزار نفر در غدیر حضور نداشته، پس واقعه غدیر دروغ است؟ در صدر اسلام میخ در و مسمار نبوده، پس هجوم به خانه وی افسانه است و... که بر فرض صحت ادعا و جعلی بودن بخشی از یک جریان نمی‌توان جعلی بودن را به همه آن جریان تعمیم داد.

۳-۲. القای تعداد زیادی شبهه در یک متن

فراوان دیده می‌شود که یک متنی آکنده است از شبهات زیاد. گاهی پنجاه شبهه و گاهی بیشتر. چنین متنی‌هایی هر جمله و سطرش یک شبهه انتقال می‌دهد. پاسخگو و مبلغ با این متن چه کند؟ همه آنها را یکی یکی پاسخ دهد. هر شبهه‌ای حداقل یک صفحه پاسخ نیاز دارد و پاسخ به همه شبهه‌های متن این‌چنینی، یک کتاب یا جزوه در خور توجه است. چگونه پاسخگو می‌تواند چنین پاسخی تنظیم کند؟ بر فرض تنظیم چنین پاسخنامه‌ای، مطالعه آن در فضای مجازی از حوصله خواننده بیرون است و بر فرض که خوانندگان اشتیاق به چنین پاسخی از خود نشان دهند، در پیام‌رسان‌ها مجال چنین پاسخی نیست. در چنین شرایطی به جای پاسخ به همه متن مورد نظر، باید خواننده را از اهداف شبهه‌کننده آگاه کرد و نیز بیان نمود که اگر شبهه‌کننده قصد رسیدن به واقعیت را داشت، این شبهات را یکی یکی مطرح می‌کرد، نه اینکه در یک متن پنجاه شبهه! پس از تبیین این موضوع به یکی از شبهات پاسخ جامع و متقن داده و در پایان اشاره شود بقیه شبهات این متن نیز از این سنخ است.

۴-۲. قداست شکنی

این شیوهٔ ناجوانمردانه‌ترین نوع شبهه‌سازی است. شبهه‌کننده در این شیوه ابتداً به دنبال

پاسخ نیست بلکه در پی حرمت شکنی و قداست زدایی است. بر فرض، کسی مبادرت به پاسخگویی کند، باز شبهه گر به نیمی از اهداف خود رسیده است. در این گونه شبهات جزئیات و ریز برخی شخصیت ها پرداخته می شود که عادی سازی برخی امور غیر قابل بیان را به دنبال دارد. به طور مثال ریز شدن در جزئیات نحوه شهادت شهدای کربلا و ایجاد تردید در آن، اثرات مخربی بر ذهن خواننده می گذارد که از آن به بعد هنگام استماع همان روضه به جای رقت قلب، ذهنش به دنبال یافتن پاسخی برای رفع تردیدی است که ذهن او را مشغول کرده است. از قدیم رسم بر این بود که روضه مکشوفه مگر در شرایط خاص خوانده نمی شد؛ چرا که می گفتند باعث ایجاد قساوت قلب می شود. حال بیفزاید بر تأثیر مکشوفه نحوه شهادت امام و اصحاب، توهین ها، تمسخرها و ایجاد تردیدهای شبهه کننده ای که در صدد قداست زدایی است.

این گونه شبهات معمولاً روضه های سوزناک آن هم قسمتی را که بیش از همه باعث جاری شدن اشک می شود را هدف قرار می دهد و اگر گفته شود حساس ترین جای عزاداری را بمباران می کند، سخن گزافی نیست. حجاب اُسراء، تیر خوردن حضرت علی (ع) با جزئیات و تردید در آن، نحوه شهادت حضرت عباس (ع) و مشک به دندان گرفتن از نمونه این گونه شبهه هاست که این سال ها در فضای مجازی باز نشر داده شد.

نتیجه

از مطالب فوق بر این برآیند رسیدیم که مُبلغ دینی، علاوه بر تعلیم آموزه‌های شریعت به مخاطبان، باید پاسخگویی طوفان شدید شبهه‌های باشد که از سوی گروه‌های مختلف معاند اسلام و شیعه، جامعه شیعی را درنوردیده است و نیز بیان شد و با تجربه به دست آمده که به فراخور حال علم تاریخ، امروزه بسیاری از شبهات در این حوزه مطرح می‌شود. به‌طور قطع بسیاری از شبهات تاریخی تخصصی است و پاسخ به آن کارشناس تاریخ را می‌طلبد اما مُبلغ پیش از ارجاع پرسش‌گر به کارشناس مربوطه، با آشنایی با گروه‌های شبه‌ساز می‌تواند نسبت به فضای فکری وی، پاسخ تهیه نماید؛ چراکه شناختن هدف القاء‌کننده شبهه در نوع ورود و خروج به پاسخ سهم بسزایی دارد. برای مثال آشنایی به وهابیت و باستان‌گرایان افراطی که بیشترین سهم را در شبهه‌سازی امروزی دارند و نیز شناسایی نوع شبهه‌های آنها پاسخگو را در تنظیم و تدوین پاسخ کمک می‌نماید؛ زیرا هدف گروه‌ها و فضای حاکم بر فکر آنها متفاوت است و هر کدام پاسخ متناسب با خود را می‌طلبد. از یافته‌های دیگر این تحقیق که به‌صورت تجربی توسط نگارنده حاصل شد، معرفی برخی از ترندهای شبهه‌سازان است که همه بر پایه فریب و نیرنگ است. آشنایی با این ترندها باعث می‌شود تا ضمن پاسخگویی منطقی و مستدل از افتادن در دامی که شبهه‌کننده پهن نموده، برحذر باشیم و خود بخشی از پیاده نظام دشمن در تکثیر شبهه نشویم. برخی از ترندها خود می‌تواند بخشی از شبهات را پاسخ دهد. البته از آنجا برخی شبهات چه در حوزه تاریخ و چه در حوزه‌های دیگر تخصصی بوده و کارشناس متبحر خود را می‌طلبد، بهتر است مبلغان گرامی ضمن بیان پاسخ‌های خود، پرسشگران را برای دریافت پاسخ‌های مفصل و جامع‌تر به مراکز پاسخگویی به سؤالات و شبهات حوزی یا پایگاه‌های مجازی معتبر و یا به کارشناسان و متخصصانی که می‌شناسند، ارجاع دهند تا پرسشگران با مراکز علمی پاسخگویی و متخصصین آشنایی یابند چه آنکه شاید خودشان بخواهند در جمع حقیقی یا گروهی مجازی به معاندان یا فریب‌خوردگان پاسخ دهند.

منابع و مأخذ

* نهج البلاغه (للصبحي صالح)، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.

۱. سبحانی، جعفر، آیین و هابیت، چاپ دهم، قم: مشعر، ۱۳۸۸.
۲. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام، چاپ سوم، قم: امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۹۰.
۳. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، چاپ چهارم، تهران: اسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۴. صفاتاج، مجید، پاسخ به شبهات تاریخی؛ پروتکل های صهونیسم چیست؟، مجله پاسدار اسلام، شماره ۴۰۳، ۱۳۹۴.
۵. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، محقق: خراسان محمد باقر، مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷.
۷. غیب غلامی، حسین، هلال نجد، قم: مطبع، ۱۳۹۵.
۸. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، چاپ دوم، قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق: غفاری، علی اکبر، چاپ چهارم، تهران: الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۰. محسنی، مصطفی، اسلام دین جنگ یا صلح، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۷.
۱۱. محسنی، مصطفی، ورود اسلام به ایران و شبهات پیش رو، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۹.
۱۲. محمدی، رضا، شیوه شناسی پاسخگویی به سؤالات و شبهات دینی، مجله پیام، شماره ۱۰۹، ۱۳۹۱.
۱۳. محمدی، محمد علی، شیوه پاسخ به پرسش های دینی، مجله مبلغان، شماره ۱۱۶، ۱۳۸۸.
۱۴. مطهری، مرتضی، عدل الهی، چاپ پنجم، قم: صدرا، ۱۳۷۰.
۱۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم: صدرا، ۱۳۷۵.

Research Needs Assessment in the Field of Religious Doubts Study

Received date: ۲۰۲۲.۱۰.۰۷ Accepted date: ۲۰۲۲.۰۱.۱۳

Ahmad Reza Famil Dardashti*

Abstract

The first stage of research is to find the topic and issue. In other words, every research is actually an answer to one or more questions. The aim of this essay is to identify the research needs in the field of studies on the second-order view of religious doubts, in order to take a constructive and effective step in enriching the research literature and recognizing research priorities in this arena. The method of this research is a combination of survey and content analysis. The statistical population of the research is all the books, articles and active experts in the field of studying and responding to the religious doubts. The statistical sample consists of ۱۰ theses, ۷ books, ۰۰ articles and ۱۰ experts -who are active in studying and responding to religious doubts-, which were selected through targeted sampling. The research findings include ۱۰۹ research titles under ۱۷ macro-topics. The macro-topic of answering religious doubts methodology with ۴۰ research titles, the macro-topic of religious doubts futurology with ۲۹ research titles, the macro-topic of genealogy of religious doubts with ۱۰ research titles, and the macro-topic of art and religious doubts with ۱۷ research titles, allocated the most research needs; However, it seems that the door is still open for additional research in this arena.

Keywords: Needs Assessment, Research Needs Assessment, Religious Doubts, Religious Doubts Study.

* Ph.D student in Qur'an and Psychology, Higher Education Complex of Humanities, Al-Mustafa International University. E-mail: ahmad.rezaporsesh@gmail.com

تقييم الحاجات الدراسية في مدى دراسة الشبهة

احمد رضا فاميل دردشتی*

المستخلص

المرحلة الأولى من الدراسة هي فحص عن الموضوع والمشكلة. بعبارة أخرى، كل دراسة هو في الواقع إجابة على سؤال أو أكثر من ذلك. الهدف من هذه الدراسة هو تحديد الحاجات الدراسية في مجال الدراسات على النظر إلى الشبهات من حيث اعتبارها الثاني، من أجل اتخاذ خطوة بناءة وفعالة في إثراء وتنشيط الأدبيات الدراسية وأولويات الدراسة في هذا المجال. طريقة هذا البحث هي مزيج من الإستطلاع وتحليل المحتوى. المجتمع الإحصائي للدراسة هو جميع الكتب والمقالات والناشطين في مجال دراسة الشبهات والإجابة عليها. تكونت العينة الإحصائية من ١٠ أطروحات و ٧ كتب و ٥٠ مقالاً و ١٠ خبراء في دراسة الشبهات الدينية والإجابة عليها، وتم اختيارهم على طريق أخذ العينة المستهدفة. تتضمن نتائج البحث ١٥٩ عنواناً بحثياً تحت ١٧ موضوعاً رئيسياً. فالموضوع الرئيسي المسمى بمنهجية الإجابة على الشبهات الدينية مع ٤٠ عنواناً دراسياً، الموضوع الرئيسي لدراسة المستقبل للشبهات الدينية مع ٢٩ عنواناً دراسياً، الموضوع الرئيسي لمعرفة أنساب الشبهات الدينية مع ١٥ عنواناً دراسياً، والموضوع الرئيسي للشبهة والفن مع ١٢ عنواناً دراسياً، قد يتضمن معظم حاجات الدراسية في هذا النطاق؛ ومع ذلك، يبدو أن المجال و باب الفحص والدراسة المكتملة لا يزال مفتوحاً.

الكلمات المفتاحية: تقييم الحاجات، تقييم الحاجات الدراسية، الشبهات الدينية، دراسة الشبهة.

*. الطالب في مستوى الدكتوراه فرع القرآن و علم النفس، المجتمع العالي للعلوم الإنسانية، جامعة المصطفى عليه السلام العالمية.

نشریه علمی

مطالعات شبهه‌پژوهی

سال اول، بهار ۱۴۰۱، ش ۲

نیازسنجی پژوهشی در گستره شبهه‌پژوهی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۵ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۲۳

احمد رضا فامیل دردشتی*

چکیده

نخستین مرحله پژوهش یافتن موضوع و مسأله است. به عبارت دیگر هر پژوهشی در واقع پاسخ به یک یا چند پرسش است. هدف این پژوهش شناسایی نیازهای پژوهشی در حوزه مطالعات درباره نگاه درجه دوم به شبهه است تا گام سازنده و مؤثری در غنی‌سازی ادبیات پژوهش و اولویت‌شناسی پژوهشی در این عرصه برداشته شود. روش این پژوهش، ترکیبی از نوع پیمایشی و تحلیل محتوا است. جامعه آماری پژوهش کلیه کتاب‌ها، مقالات و متخصصان فعال در حوزه شبهه‌شناسی و پاسخگویی به شبهات است. نمونه آماری، ۱۰ پایان‌نامه، ۷ کتاب، ۵۰ مقاله و ۱۰ تن از متخصصان شبهه‌پژوه و پاسخگو به شبهات دینی است که به صورت نمونه‌گیری هدفدار انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش شامل ۱۵۹ عنوان پژوهشی در ذیل ۱۷ کلان موضوع است. کلان موضوع روش‌شناسی پاسخ به شبهات دینی با ۴۰ عنوان پژوهشی، کلان موضوع آینده‌پژوهی شبهات دینی با ۲۹ عنوان پژوهشی، کلان موضوع تبارشناسی شبهات دینی با ۱۵ عنوان پژوهشی و کلان موضوع شبهه و هنر با ۱۲ عنوان پژوهشی، بیش‌ترین نیاز پژوهشی را به خود اختصاص دادند؛ با این وجود به نظر می‌رسد باب پژوهش‌های تکمیلی در این قلمرو همچنان باز است.

واژگان کلیدی: نیازسنجی، نیازسنجی پژوهشی، شبهات دینی، شبهه‌پژوهی.

* دانش‌پژوه دکتری قرآن و روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی جامعه المصطفی ص العالمیه.

ahmad.rezaporsesh@gmail.com

مقدمه

وجود منابع محدود و پنهان بودن زمینه‌ها و موانع اثرگذار برای موضوعات زندگی، مهم‌ترین علل گرایش به برنامه‌ریزی و اولویت‌گذاری تحقیقات و اقدامات انسانی است. نخستین مرحله پژوهش یافتن موضوع و مسئله است. به عبارت دیگر هر پژوهشی در واقع پاسخ به یک یا چند پرسش است. بنابراین نقطه آغاز هر پژوهشی، مسئله‌یابی است و تا زمانی که مسئله اساسی شناسایی نشود، صرف زمان و هزینه جهت انجام پژوهش، صرفاً اتلاف منابع انسانی و مادی خواهد بود. نیازسنجی، نخستین مرحله برای دستیابی به این امر مهم است. نیاز (Need) در هر موضوعی، به تفاوت میان چیزی که وجود دارد با چیزی که باید باشد یا همان شرایط مطلوب تعریف شده است. شکاف میان این دو وضعیت، زاینده مسائلی است که می‌بایست توسط مداخله مناسب از سوی متخصصان برطرف گردد. نیازسنجی عبارت است از شناخت مسائلی که با حل و فصل آن، وضعیت موجود به وضعیت مطلوب تبدیل یا نزدیک می‌شود. برای سنجش نیازها، نیازسنجی لازم است و ابزار مهمی در طراحی، توسعه و ارزیابی اولویت‌ها به شمار می‌رود. (نورمن و همکاران، ۲۰۰۴، به نقل از دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۶، ص ۱).

نیازسنجی پژوهشی، بخش گسترده‌ای از فرایند برنامه‌ریزی پژوهش را به خود اختصاص داده است. به نظر گابتا (Gabta) یک نیازسنجی راهبردی، عوامل خارجی و داخلی مؤثر بر عملکرد سازمان را بررسی کرده و شکاف بین وضع موجود و وضع مطلوب را مشخص می‌کند. پرکردن این شکاف برای موفقیت بلند مدت یک سازمان ضروری است. (گابتا، ۲۰۰۷، به نقل از اخوان مقدم و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۹۳).

به کمک فرایند نیازسنجی پژوهشی، دغدغه‌های سازمان‌ها و نهادهای مختلف جامعه شناسایی می‌شود. پژوهشگران تلاش خود را به حل مسائل اولویت‌بندی شده جامعه اختصاص داده و نوعی عقلانیت در استفاده از منابع و ابزار پژوهش به کار گرفته

می‌شود. با وجود نقش مهم نیازسنجی پژوهشی در تبیین و پیشبرد فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی، معمولاً این امر مغفول واقع می‌شود. (ارفع بلوچی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۳). امروزه یافتن پرسش برای سامان‌دهی یک تحقیق، دشوار به نظر می‌رسد؛ چراکه مستلزم اشراف وسیع بر زمینه تحقیق و اطلاع از مرزهای دانش است؛ چیزی که معمولاً برای اکثر محققان میسر نیست. از این رو انجام تحقیقات مسئله‌شناسانه برای آسان‌سازی دسترسی پژوهشگران به مسائل بی‌پاسخ مانده رشته‌های علمی، لازم است. برخی از نتایج نیازسنجی پژوهشی عبارت است از:

- تقویت مدیریت جامع و استفاده از همه ظرفیت‌ها در فرایند برنامه‌ریزی پژوهشی؛

- شفافیت و پاسخگویی مراکز پژوهشی؛

- جهت‌گیری روشن برای هدایت فرایند برنامه‌ریزی پژوهشی؛

- جلوگیری از اتلاف منابع در حوزه‌های بی‌اهمیت؛

- سازماندهی طرح‌های مختلف پژوهشی؛

- جلوگیری از موازی‌کاری و پراکنده‌کاری؛

- آینده‌نگری در برنامه‌ریزی پژوهشی و پرهیز از تصمیم‌گیری‌های لحظه‌ای و غیرراهبردی؛

- تدوین برنامه‌های پژوهشی مبتنی بر مشارکت کلیه گروه‌ها و عوامل متخصص و مرتبط در شناسایی عناوین پژوهشی؛

- تخصیص بهینه منابع و اعتبارات. (فتحی واجارگاه، ۱۳۸۷، به نقل از مهدی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۴۵).

یکی از حیطه‌هایی که در آن زمینه مطالعات بنیادین فراهم بوده و در جهت ارتقای فرهنگ جامعه و کاهش آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی منافع کاربردی دارد، دانش شبهه‌پژوهی است. شبهه، در لغت به معنای پوشیدگی کار و مانند آن و امری است که

در آن حکم به صواب و خطا نکنند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۵۰۴). شبهه آن است که دو چیز، در اثر مماثلت و مشابَهت، از یکدیگر تشخیص داده نشوند. (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۴۴۳).

در اصطلاح کلام اسلامی، شبهه؛ یعنی هراسکال، پرسش یا ابهامی که در برداشت‌ها، تحلیل‌ها، تصمیم‌ها و رفتارهای مرتبط با سعادت فرد یا جامعه، منشأ خطا و اشتباه در شناخت حق از باطل گردد. شبهه، خود را شبیه به حق می‌نمایاند و راه شناخت حق از باطل را مشکل و افراد را دچار شک و تردید می‌کند. به عبارت دیگر، در فرایند تولید و توزیع شبهه، شبهه‌کنندگان حق و باطل را با هم می‌آمیزند و کلام باطل، خود را با رنگ و لعابی از حق، در ذهن مخاطبان می‌نشانند؛ به گونه‌ای که سخن باطل را حق می‌پندارند و حقیقت برای‌شان پوشیده می‌ماند. شبهه، گاهی به صورت عمدی و گاهی ناخواسته، مطرح می‌شود. همچنین شبهه، گاهی به صورت ادعا و در قالب گزاره‌های خبری و گاهی در قالب پرسش و استفهام بیان مطرح می‌گردد.

نکته اساسی در شبهه‌شناسی، تمایز میان شبهه و پرسش است. شبهه با پرسش متفاوت است. پرسش عبارت است از درخواست معرفت یا آنچه موجب معرفت شود. به بیان دیگر، پرسش، با قصد شناخت یا برای تعریف و تبیین موضوع یا مسئله بیان می‌شود. شبهه می‌تواند در قالب پرسش مطرح شود؛ هنگامی که پرسش، کاشف از نوعی آمیختگی حق و باطل باشد. ممکن است در قالب‌های دیگری چون مغالطه، نظریه‌پردازی و دیگر ساختارهای شبه‌منطقی، فیلم، عکس، طرح، طنز، ... نیز مطرح شود.

تفاوت دیگر شبهه با پرسش، در کارکرد و اهداف آن دو است. کارکرد پرسش، فهم و شناخت است؛ در حالی که شبهه، با هدف به چالش کشیدن ایمان و باورهای مخاطبان طرح می‌شود. شبهه، «شبهه حق است» و قصد دارد طرف مقابل را به اشتباه اندازد؛ از این رو امیرالمؤمنین علی علیه السلام در تبیین ماهیت شبهه می‌فرماید: «شبهه را شبهه

نامیده‌اند؛ زیرا {باطلی} شبیه به حق است.» (موسوی، ۱۳۸۲، خطبه ۳۸).

از دیدگاه اسلام، شبهه، یکی از موانع اساسی در مسیر زندگی حق‌جویانه و مبتنی بر ایمان به خدا و ایجاد فتنه‌های کور و گمراه‌کننده است. (موسوی، ۱۳۸۲، خطبه ۳۸).^۱ شبهه غالباً با آمیختن حق و باطل و برای گمراه کردن انسان‌های حق‌جو و مؤمن از سوی کافران، منافقان و انسان‌های سست‌ایمان طراحی و در فضای فکری جامعه منتشر می‌شود. ظاهراً ابلیس نخستین کسی است که با ایجاد شبهه در ذهن آدم و حواء علیهم‌السلام زمینه نافرمانی و اخراج آنان را از بهشت فراهم کرد. (طه: ۱۲۰).^۲ به گزارش قرآن کریم مشرکان مکه^۳، یهود مدینه^۴ و منافقان^۵ نفوذ کرده در جمع مؤمنان، برای سست کردن ایمان و انگیزه‌های ایمانی مسلمانان، همواره از روش شبهه‌افکنی استفاده می‌کردند و خداوند متعال به صورت پررنگ و فراوانی به تبیین این روش ناجوانمرانه و شیطانی اشاره کرده و مسلمانان را از افتادن در دام شبهه‌افکنان بیم داده است. امروزه نیز مهم‌ترین راهبرد دشمن در مقابله با گسترش فزاینده اسلام در جهان و درهم شکستن قدرت انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن، روش شبهه‌افکنی است. جنگ شناختی^۶ که مهم‌ترین نوع جنگ نرم است، عمدتاً از طریق انتشار شایعات و روایت‌های دروغ،

۸۷



۱ و من خطبه له علیه‌السلام «إِنَّمَا بَدَأَهُ وَقُرْعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تَتَّبِعُ وَأَحْكَامُ تُبْتَدَعُ يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابَ اللَّهِ وَ يَتَوَلَّى عَلَيْهَا رَجَالٌ رَجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِرْزَاقِ الْحَقِّ لَمْ يَخْفَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْبَاطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ وَ لَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِغْتٌ وَ مِنْ هَذَا ضِغْتٌ فَيَمْرُجَانِ فَهَذَاكَ يَسْتَوِلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ وَ يَنْجُو الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى.»

۲ «فوسوس إليه الشيطان قال يا آدم هل ادلك على شجرة الخلد و ملك لا يبلى.»

۳ به‌عنوان مثال نگاه کنید به سوره‌های نازعات، تکویر، قلم، ضحی و ده‌ها آیه که شبهات مشرکان درباره نبوت پیامبر، شخصیت و سلامت روانی پیامبر، معاد، معجزیت قرآن کریم و دیگر ابعاد و مسائل مرتبط با دعوت نبوی را گزارش کرده است.

۴ به‌عنوان مثال نگاه کنید تفسیر المیزان ذیل آیات ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۳۵، ۱۴۲، از سوره مبارکه بقره.

۵ به‌عنوان مثال نگاه کنید به آیات ۱۴۰ سوره نساء ۶۸ سوره انعام، و آیات سوره منافقون.

۶ Cognitive war.

تحریف و وارونه‌سازی واقعیت‌ها و ده‌ها شگرد خبرسازی دیگر صورت می‌گیرد. از این رو ضرورت شناخت ماهیت، روش‌های القا، مکانیزم‌های تأثیرگذاری، زمینه‌های تأثیرپذیری، قالب‌های ارائه، ابزارهای انتشار شبهات و دیگر مسائل مرتبط با پدیده شبهه، که می‌توان آن را زیر عنوان نگاه درجه دوم به شبهه تبیین کرد، قابل انکار نیست. دانش شبهه‌پژوهی، نوعی دانش میان‌رشته‌ای و نگاهی درجه دوم به شبهه است. هدف این دانش، پاسخ به شبهات دینی نیست؛ بلکه هدف، بررسی و مطالعه خود شبهه به‌عنوان پدیده‌ای فلسفی - روان‌شناختی - جامعه‌شناختی است. بر این اساس، پرسش اصلی و موضوع پژوهش حاضر، شناسایی و معرفی مهم‌ترین مسائل مربوط به ماهیت، زمینه‌ها، عوامل، اهداف، اصول، رویکردها، ابزارها، قالب‌ها و روش‌های پاسخ به شبهات دینی است، که تاکنون بی‌پاسخ مانده و مطالعه و بررسی علمی آن ضروری به نظر می‌رسد.

اهداف پژوهش حاضر عبارت است از:

۱. تسهیل دسترسی محققان به مسائل بی‌پاسخ مانده درباره شبهه و شبهه‌پژوهی،
۲. زمینه‌سازی برای تشویق محققان به پژوهش درباره شبهه و شبهه‌پژوهی،
۳. کمک به پاسخگویی بهتر و مؤثرتر به شبهات دینی از طریق شناساندن پدیده شبهه و مسائل مرتبط با آن،
۴. تقویت ادبیات علمی دانش شبهه‌پژوهی،
۵. تقویت نهاد دینداری در جامعه.

تا آنجا که نگارنده جستجو کرده، با وجود اهمیت بسیار زیاد مطالعات شبهه‌پژوهی و نقش آن در پاسخگویی بهتر و مؤثرتر به شبهات دینی و لزوم کاوش درباره نیازسنجی مسائل پژوهشی در این عرصه، کار پژوهشی معتبری انجام نگرفته است. کتاب‌ها و مقالات کم شماری درباره برخی از مسائل مربوط به شبهه‌شناسی در دسترس است. در این راستا می‌توان به پژوهش باقی نصرآباد (۱۳۸۳) با عنوان «روش‌شناسی استاد مطهری

در نقد اندیشه‌ها»، شریفی و محیطی اردکان (۱۳۹۷) با عنوان «روش‌شناسی آیت الله مصباح یزدی در پاسخ به شبهات اعتقادی»، محقق‌گرفنی قزبانی و میرزایی (۱۳۹۹) با عنوان «روش‌شناسی پاسخگویی به شبهات با استفاده از مؤلفه‌های عقلی در سیره امام صادق (ع)»، احمدی و شاکر (۱۳۹۷) با عنوان «روش‌شناسی شبهه‌سازی وهابیت و نقد روشمند آن»، محمدی و جاودان (۱۳۹۶) با عنوان «رویکرد برهانی امام صادق (ع) در مواجهه با پرسش‌ها و شبهات اعتقادی»، احسانی و نبوی (۱۳۹۸) با عنوان «کتاب‌شناسی پاسخ به شبهات قرآنی»، علیزاده موسوی (۱۳۹۵) با عنوان «درآمدی بر چیستی شبهه»، محقق‌گرفنی (۱۴۰۰) با عنوان «بایسته‌های اخلاقی و روش‌شناسی علمی پاسخگویی به شبهات در سیره امام صادق (ع)»، مظفری و صالحی (۱۳۹۹) با عنوان «روش مورد تأیید معصوم در پاسخ به شبهات امامت»، ایوبی و افشانی (۱۳۹۴) با عنوان «مطالعه نگرش دانشجویان در مورد میزان رواج شبهات دینی در بین جوانان»، افقی و برنجکار (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی اقصاء مخاطب در پاسخ‌گویی به شبهات اعتقادی»، حسینی علی‌آبادی و ابوطالعی (۱۳۹۷) با عنوان «نگاه قرآن به شایعه و شبهه؛ دو روش نفوذ فرهنگی دشمن از طریق رسانه»، خدایاری و عسگری (۱۳۹۳) با عنوان «شیوه‌های علمی ائمه متأخر در مقابله با باورهای نادرست» اشاره کرد. این‌گونه تحقیقات نشان می‌دهد که ضرورت تحقیقات درجه دوم درباره شبهه، دست‌کم برای برخی از محققان محسوس بوده است. با این وجود تاکنون پژوهش نسبتاً جامع و کاملی درباره نیازها و اولویت‌های پژوهشی در این قلمرو تحقیقی انجام نگرفته است.

الف) روش پژوهش

به‌صورت کلی روش پژوهش را می‌توان بر اساس دو معیار هدف پژوهش و شیوه جمع‌آوری اطلاعات انتخاب کرد. (سرمد و بازرگان، ۱۳۷۸، ص ۷۷) پژوهش حاضر

بر اساس هدف پژوهش، بنیادی، بر اساس شیوه گردآوری اطلاعات، ترکیبی از روش پیمایشی (مراجعه به متخصصان شبهه پژوه) و تحلیل محتوا و از نوع مطالعات کیفی است. موضوع به ۱۷ منطقه محتوایی به صورت کلان موضوع تقسیم شد. مثلاً کلان موضوع مفهوم شناسی یکی از مناطق بود که با مراجعه به متون مربوطه (اسناد مکتوب و متخصصان شبهه پژوه) خلاصه و فشرده شده و یک واحد تحلیل را تشکیل داد. در جدول شماره ۱ مراحل شناسایی یکی از نیازهای پژوهشی شبهه پژوهی به عنوان نمونه نشان داده شده است.

جدول شماره ۱

کلان موضوع	واحد معنا	واحد معنای فشرده
مفهوم شناسی	مفهوم شناسی تطبیقی شبهه و شایعه	بررسی تطبیقی مفهوم شناسی شبهه و شایعه در علم کلام، روان شناسی اجتماعی و جامعه شناسی

جامعه آماری تحقیق منابع اسنادی مکتوب (مقالات، کتاب و پایان نامه) و منابع انسانی (متخصصان شبهه پژوه و پاسخگو به شبهات دینی در شهر قم) است. نمونه آماری در مرحله شناسایی نیازها و عناوین پژوهشی عبارت است از ۱۰ پایان نامه، ۷ کتاب، ۵۰ مقاله و ۱۰ متخصص شبهه پژوه و پاسخگو به شبهات دینی است. ملاک انتخاب نمونه در منابع مکتوب، غنای متن، به روز بودن و تأیید شدن توسط مراجع دارای صلاحیت و در بخش منابع انسانی، متدین بودن، مورد اعتماد بودن، تخصص در یکی از رشته های علوم دینی یا انسانی مرتبط با شبهات و تجربه بیش از ده سال فعالیت مستمر در شناسایی و پاسخ به شبهات دینی در نظر گرفته شد.

برای شناسایی نیازهای پژوهش مراحل زیر انجام گرفته است:

۱. تعیین اهداف نیازسنجی پژوهشی در موضوع شبهه پژوهی: این امر عمدتاً برای انسجام بخشی و جهت دهی به پژوهش صورت گرفته است.
۲. گزینش رویکرد شناسایی نیازهای پژوهشی: تعیین رویکرد پژوهشی نقش مهمی در استحکام و جامعیت پژوهش داشته و بر غنا و اعتبار آن می افزاید. در این پژوهش، همزمان از چند رویکرد آسیب شناختی (pathological approach)، محتوایی (substantive approach) و تقاضا محور (Demand oriented approach) استفاده شد.
۳. شناسایی نیازهای پژوهشی، کدگذاری، مقوله بندی و پالایش آن: در پژوهش حاضر برای شناسایی نیازها و عناوین پژوهشی از منابع مکتوب (کتاب، مقاله، رساله، مصاحبه) و منابع انسانی استفاده شد. گزارش این منابع در بخش روش تحقیق با تفصیل بیش تری ارائه شده است. پیش از پالایش نهایی عناوین پژوهشی در مرحله مراجعه به منابع مکتوب و استطلاع از متخصصان با هدف شفافیت و دقت بیشتر، موضوعات مقوله بندی و کدگذاری شد. پس از پالایش عناوین، برای اعمال دقت افزون تر و پرهیز از عدم تناسب عناوین و موضوعات، عناوین توسط متخصصان شبهه پژوهی بررسی شد.
۴. دریافت نظرات، پیشنهادها و انتقادهای متخصصان و اعمال موارد ضروری و شایسته در پالایش نهایی عناوین.

ب) یافته های پژوهش

پس از دریافت داده ها، اطلاعات گردآمده تحلیل و تنظیم شد. داده های جمع آوری شده به صورت خلاصه در جدول ۲ زیر ثبت شده است.

جدول ۲. تعداد و درصد نیازهای پژوهی به تفکیک کلان موضوعها

ردیف	کلان موضوع	تعداد نیاز به دست آمده	درصد هر کلان موضوع نسبت به کل
۱	روش شناسی پاسخ به شبهات دینی	۴۰	۲۵/۱۰۷۲۳۲۷
۲	آینده پژوهی شبهات دینی	۲۹	۱۸/۲۳۸۹۹۳۷
۳	تبارشناسی شبهه افکنی	۱۵	۹/۴۳۳۹۶۲۲۶
۴	شبهه و هنر	۱۲	۷/۵۴۷۱۶۹۸۱
۵	معرفی سایتها و کانالها	۱۰	۶/۲۸۹۳۰۸۱۸
۶	معرفی منابع	۱۰	۶/۲۸۹۳۰۸۱۸
۷	پیامدشناسی	۶	۳/۷۷۳۵۸۴۹۱
۸	شبهه و رسانه	۵	۳/۱۴۴۶۵۴۰۹
۹	مفهوم شناسی	۵	۳/۱۴۴۶۵۴۰۹
۱۰	شبهه شناسی	۵	۳/۱۴۴۶۵۴۰۹
۱۱	روان شناسی شبهه	۵	۳/۱۴۴۶۵۴۰۹
۱۲	جامعه شناسی شبهه	۴	۲/۵۱۰۷۲۳۲۷
۱۳	شبهه و فلسفه	۴	۲/۵۱۰۷۲۳۲۷
۱	شبهه و علوم	۳	۱/۸۸۶۷۹۲۴۵
۱۵	شبهه و اقتصاد	۲	۱/۲۵۷۸۶۱۶۴
۱۶	معرفی مراکز شبهه افکن	۲	۱/۲۵۷۸۶۱۶۴
۱۷	روش شناسی شبهه افکنی	۲	۱/۲۵۷۸۶۱۶۴
	جمع	۱۵۹	۱۰۰

آنچه در جدول شماره ۲ آمده گزارش اجمالی نیازهای پژوهشی در حوزه شبیه‌پژوهی است که به ترتیب بیش‌ترین تا کم‌ترین نیاز منظم شده است. کلان‌موضوع روش‌شناسی پاسخ به شبهات دینی، با ۴۰ نیاز پژوهشی با معادل تقریبی ۲۵ درصد، بیش‌ترین نیاز پژوهشی را به خود اختصاص داده است. پس از آن کلان‌موضوع‌های آینده‌پژوهی شبهات دینی با ۲۹ نیاز پژوهشی و معادل تقریبی ۱۸ درصد، تبارشناسی شبهه‌افکنی با ۱۵ نیاز پژوهشی و معادل تقریبی ۱۰ درصد، شبهه و هنر با ۱۲ نیاز پژوهشی و معادل تقریبی ۷ درصد، معرفی سایت‌ها، کانال‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای با ۱۰ نیاز پژوهشی و معادل تقریبی ۶ درصد، معرفی منابع با ۱۰ نیاز پژوهشی و معادل تقریبی ۶ درصد، پیام‌شناسی شبهه با ۶ نیاز پژوهشی و معادل تقریبی ۳ درصد، شبهه و رسانه، با ۵ نیاز پژوهشی و معادل تقریبی ۳ درصد، مفهوم‌شناسی شبهه با ۵ نیاز پژوهشی و معادل تقریبی ۳ درصد، شبهه‌شناسی با ۵ نیاز پژوهشی و معادل تقریبی ۳ درصد، روان‌شناسی شبهه با ۵ نیاز پژوهشی و معادل تقریبی ۳ درصد، جامعه‌شناسی شبهه با ۴ نیاز پژوهشی و معادل تقریبی ۲ درصد، شبهه و فلسفه با ۴ نیاز پژوهشی و معادل تقریبی ۲ درصد، شبهه و علوم با ۳ نیاز پژوهشی و معادل درصدی ۱، شبهه و اقتصاد با دو نیاز پژوهشی و معادل تقریب ۱ درصد، معرفی مراکز شبهه‌افکن با ۲ نیاز پژوهشی و معادل تقریبی ۱ درصد و روش‌شناسی شبهه‌افکنی با ۲ نیاز پژوهشی و معادل تقریبی ۱ درصد در رتبه‌های بعد قرار دارند.

در جدول شماره سه نتایج تفصیلی ۱۵۹ عنوان پژوهشی در ذیل ۱۷ کلان‌موضوع ارائه شده است. در جدول پایین، موضوعات بر حسب منطق شبهه‌پژوهی از نگاه نویسندگان ترتیب یافته است.

ردیف	کلان موضوع	نیازهای پژوهشی
۱	مفهوم‌شناسی	بررسی تطبیقی مفهوم شبهه در علم کلام اسلامی و مفهوم شایعه روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی
۲	مفهوم‌شناسی	بررسی شاخصه‌ها و مؤلفه‌های ذهنی (subjective) و عینی (objective) شبهه
۳	مفهوم‌شناسی	بررسی تطبیقی مفاهیم شبهه، سؤال، مسئله، معضل، فرضیه و نظریه و تبیین ملاک‌شناختی آن در فرهنگ اسلامی و علوم انسانی
۴	مفهوم‌شناسی	مفهوم‌شناسی و ملاک‌شناسی شبهه در قرآن کریم
۵	مفهوم‌شناسی	مفهوم‌شناسی و ملاک‌شناسی شبهه در کلام اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>
۶	تبارشناسی شبهه	بررسی توصیفی و نشانه‌شناختی اصناف شبهه‌افکنان در قرآن کریم
۷	تبارشناسی شبهه	بررسی توصیفی و نشانه‌شناختی اصناف شبهه‌افکنی در کلام اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>
۸	تبارشناسی شبهه	بررسی تحلیلی جریان‌شناسی شبهه‌افکنی علیه اسلام در دوران پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small>
۹	تبارشناسی شبهه	بررسی تحلیلی جریان‌شناسی شبهه‌افکنی علیه اسلام در سه قرن نخست هجری
۱۰	تبارشناسی شبهه	بررسی تحلیلی جریان شبهه‌افکنی علیه مکتب اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> در سه قرن نخست هجری

۱۱	تبارشناسی شبهه	بررسی تحلیلی جریان شناسی شبهه افکنی علیه اسلام در یکصد ساله اخیر
۱۲	تبارشناسی شبهه	بررسی تحلیلی جریان شناسی شبهه افکنی علیه روحانیت در یکصد ساله اخیر
۱۳	تبارشناسی شبهه	بررسی تحلیلی جریان شناسی شبهه افکنی علیه شیعه در یکصد ساله اخیر
۱	تبارشناسی شبهه	بررسی تحلیلی جریان شناسی شبهه افکنی علیه جمهوری اسلامی ایران در چهل ساله اخیر
۱۵	تبارشناسی شبهه	شبهه افکنان معروف در سه قرن نخستین اسلام؛ شخصیت شناسی، روش شناسی و مهم ترین آراء
۱۶	تبارشناسی شبهه	شبهه افکنان معروف علیه اسلام در چهار دهه اخیر؛ شخصیت شناسی، روش شناسی و مهم ترین آراء
۱۷	تبارشناسی شبهه	شبهه افکنان معروف علیه قرآن کریم در چهار دهه اخیر؛ شخصیت شناسی، روش شناسی و مهم ترین آراء
۱۸	تبارشناسی شبهه	شبهه افکنان معروف علیه شیعه در چهار دهه اخیر؛ شخصیت شناسی، روش شناسی و مهم ترین آراء
۱۹	تبارشناسی شبهه	شبهه افکنان معروف علیه روحانیت در چهار دهه اخیر؛ شخصیت شناسی، روش شناسی و مهم ترین آراء
۲۰	تبارشناسی شبهه	شبهه افکنان معروف علیه جمهوری اسلامی، شخصیت شناسی، روش شناسی و مهم ترین آراء
۲۱	شبهه شناسی	بررسی حکمی و موضوع شناختی تولید، توزیع و پاسخگویی به شبهات از منظر فقه اهل بیت <small>علیهم السلام</small>

۲۲	شبهه‌شناسی	بررسی تطبیقی حکمی و موضوع‌شناختی تولید، توزیع و پاسخگویی به شبهات از منظر فقه شیعه و مذاهب اهل سنت
۲۳	شبهه‌شناسی	بررسی توصیفی - تحلیلی شبهه از منظر دانش کلام اسلامی
۲۴	شبهه‌شناسی	بررسی توصیفی - تحلیلی شبهه از منظر دانش اخلاق
۲۵	شبهه‌شناسی	بررسی تطبیقی شبهه از دیدگاه الاهیات اسلامی، مسیحی و یهودی
۲۶	پیامدشناسی شبهه	بررسی تحلیلی پیامدهای معرفت‌شناختی شبهات دینی
۲۷	پیامدشناسی شبهه	بررسی تحلیلی پیامدهای اعتقادی شبهات دینی
۲۸	پیامدشناسی شبهه	بررسی تحلیلی پیامدهای معنوی شبهات دینی
۲۹	پیامدشناسی شبهه	بررسی تحلیلی پیامدهای اخلاقی شبهات دینی
۳۰	پیامدشناسی شبهه	بررسی تحلیلی پیامدهای شبهات دینی در سبک زندگی
۳۱	پیامدشناسی شبهه	بررسی تحلیلی پیامدهای امنیتی شبهات دینی
۳۲	روان‌شناسی شبهه	بررسی توصیفی - تبیینی زمینه‌های روان‌شناختی تولید شبهات دینی
۳۳	روان‌شناسی شبهه	بررسی توصیفی - تبیینی زمینه‌های روان‌شناختی توزیع شبهات دینی
۳۴	روان‌شناسی شبهه	بررسی توصیفی - تبیینی زمینه‌های روان‌شناختی تأثیرپذیری از شبهات دینی

۳۵	روان‌شناسی شبهه	بررسی توصیفی - تبیینی عوامل روان‌شناختی تأثیرگذار بر شیوع شبهات دینی
۳۶	روان‌شناسی شبهه	پیش‌نیازهای روان‌شناختی شبهه‌پژوهی و پاسخگویی به شبهات دینی (شخصیتی، مهارتی، علمی)
۳۷	جامعه‌شناسی شبهه	بررسی توصیفی - تبیینی زمینه‌های جامعه‌شناختی تولید شبهات دینی
۳۸	جامعه‌شناسی شبهه	بررسی توصیفی - تبیینی زمینه‌های جامعه‌شناختی توزیع شبهات دینی
۳۹	جامعه‌شناسی شبهه	بررسی توصیفی - تبیینی زمینه‌های جامعه‌شناختی تأثیرپذیری از شبهات دینی
۴۰	جامعه‌شناسی شبهه	توصیف و تبیین عوامل جامعه‌شناختی تأثیرگذار بر شیوع شبهات دینی
۴۱	شبهه و اقتصاد	توصیف و تبیین زمینه‌ها و عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر شیوع شبهات دینی
۴۲	شبهه و اقتصاد	توصیف و تبیین زمینه‌ها و عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر تولید شبهات دینی
۴۳	روش‌شناسی شبهه‌افکنی	بررسی توصیفی - تحلیلی روش‌های کهن شبهه‌افکنی
۴۴	روش‌شناسی شبهه‌افکنی	بررسی توصیفی - تحلیلی روش‌های جدید شبهه‌افکنی
۴۵	روش‌شناسی پاسخ به شبهات	روش‌شناسی پاسخگویی به شبهات اعتقادی در قرآن کریم

۴۶	روش‌شناسی پاسخ	روش‌شناسی پاسخگویی به شبهات اعتقادی در کلام و سیره پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>
۴۷	روش‌شناسی پاسخ	روش‌شناسی پاسخگویی به شبهات اعتقادی در کلام و سیره امام علی <small>علیه السلام</small>
۴۸	روش‌شناسی پاسخ	روش‌شناسی پاسخگویی به شبهات سیاسی در کلام و سیره امام علی <small>علیه السلام</small>
۴۹	روش‌شناسی پاسخ	روش‌شناسی پاسخگویی به شبهات سیاسی - اعتقادی در کلام و سیره حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
۵۰	روش‌شناسی پاسخ	روش‌شناسی پاسخ به شبهات سیاسی در کلام و سیره امام حسین <small>علیه السلام</small>
۵۱	روش‌شناسی پاسخ	روش‌شناسی پاسخ به شبهات سیاسی - اعتقادی در کلام و سیره امام سجاد <small>علیه السلام</small>
۵۲	روش‌شناسی پاسخ	روش‌شناسی پاسخ به شبهات اعتقادی در کلام و سیره امام باقر <small>علیه السلام</small>
۵۳	روش‌شناسی پاسخ	روش‌شناسی پاسخ به شبهات سیاسی در کلام و سیره امام باقر <small>علیه السلام</small>
۵۴	روش‌شناسی پاسخ	روش‌شناسی پاسخ به شبهات اعتقادی در کلام و سیره امام رضا <small>علیه السلام</small>
۵۵	روش‌شناسی پاسخ	روش‌شناسی پاسخ به شبهات سیاسی در کلام و سیره امام رضا <small>علیه السلام</small>
۵۶	روش‌شناسی پاسخ	روش‌شناسی پاسخ به شبهات دینی در آثار خواجه نصیر الدین طوسی با تأکید بر کتاب تجرید الاعتقادات

۵۷	روش‌شناسی پاسخ مخالفان با تأکید بر کتاب الفین	روش‌شناسی پاسخ مخالفان با تأکید بر کتاب الفین
۵۸	روش‌شناسی پاسخ به شبهات امامت در کلام شیعه	روش‌شناسی پاسخ روش‌شناسی پاسخ به شبهات امامت در کلام شیعه
۵۹	روش‌شناسی پاسخ با تأکید بر کتاب تصحیح الاعتقاد و اوائل المقالات	روش‌شناسی پاسخ روش‌شناسی پاسخ با تأکید بر کتاب تصحیح الاعتقاد و اوائل المقالات
۶۰	روش‌شناسی پاسخ اعتقادی با تأکید بر کتاب الشافی فی الامامه	روش‌شناسی پاسخ روش‌شناسی پاسخ اعتقادی با تأکید بر کتاب الشافی فی الامامه
۶۱	بررسی تطبیقی روش‌شناسی پاسخ به شبهات درباره شروع و عدالت خدا در کلام و فلسفه اسلامی	روش‌شناسی پاسخ روش‌شناسی پاسخ بررسی تطبیقی روش‌شناسی پاسخ به شبهات درباره شروع و عدالت خدا در کلام و فلسفه اسلامی
۶۲	روش‌شناسی پاسخ با تأکید بر کتاب شرح اصول کافی	روش‌شناسی پاسخ روش‌شناسی پاسخ با تأکید بر کتاب شرح اصول کافی
۶۳	روش‌شناسی پاسخ به شبهات اعتقادی در آثار علامه طباطبایی با تأکید بر تفسیر المیزان	روش‌شناسی پاسخ روش‌شناسی پاسخ به شبهات اعتقادی در آثار علامه طباطبایی با تأکید بر تفسیر المیزان
۶۴	روش‌شناسی پاسخ به شبهات فلسفی در آثار شهید مطهری با تأکید بر پاورقی‌های ایشان بر فلسفه و اصول رئالیسم	روش‌شناسی پاسخ روش‌شناسی پاسخ به شبهات فلسفی در آثار شهید مطهری با تأکید بر پاورقی‌های ایشان بر فلسفه و اصول رئالیسم
۶۵	روش‌شناسی پاسخ به شبهات اعتقادی در آثار شهید مطهری	روش‌شناسی پاسخ روش‌شناسی پاسخ به شبهات اعتقادی در آثار شهید مطهری
۶۶	مبانی و روش‌شناسی پاسخ به شبهات فمینیستی در آثار استاد مطهری با تأکید بر کتاب نظام حقوق زن در اسلام	روش‌شناسی پاسخ روش‌شناسی پاسخ مبانی و روش‌شناسی پاسخ به شبهات فمینیستی در آثار استاد مطهری با تأکید بر کتاب نظام حقوق زن در اسلام

مبانی و روش‌شناسی پاسخ به شبهات ناسیونالیستی در آثار شهید مطهری با تأکید بر کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران	روش‌شناسی پاسخ	۶۷
روش‌شناسی پاسخ به شبهات اعتقادی در آثار شهید بهشتی	روش‌شناسی پاسخ	۶۸
روش‌شناسی شهید بهشتی در نقد مکتب‌های سوسیالیستی و لیبرالیستی	روش‌شناسی پاسخ	۶۹
مبانی و روش‌شناسی شهید صدر در نقد جهان بینی و ایدئولوژی سوسیالیستی و لیبرالیستی با تأکید بر کتاب فلسفتنا	روش‌شناسی پاسخ	۷۰
مبانی و روش‌شناسی شهید صدر در نقد ایدئولوژی اقتصادی سوسیالیستی و لیبرالیستی با تأکید بر کتاب اقتصادنا	روش‌شناسی پاسخ	۷۱
روش‌شناسی پاسخ به شبهات کلامی در آثار استاد سبحانی	روش‌شناسی پاسخ	۷۲
روش‌شناسی پاسخ به شبهات علیه مکتب اهل بیت در آثار علامه مرتضی عسگری با تأکید بر کتاب معالم المدرستین	روش‌شناسی پاسخ	۷۳
روش‌شناسی پاسخ به شبهات سیاسی - اعتقادی در آثار حضرت امام خمینی <small>رحمته‌الله</small>	روش‌شناسی پاسخ	۷۴
روش‌شناسی پاسخ به شبهات قرآنی در آثار علامه محمدهادی معرفت	روش‌شناسی پاسخ	۷۵

مبانی و روش‌شناسی پاسخ به شبهات علیه نگرش اسلام به زنان در آثار آیت الله خامنه‌ای	روش‌شناسی پاسخ	۷۶
مبانی و روش‌شناسی پاسخ به شبهات علیه نگرش سیاسی اسلام در آثار آیت الله خامنه‌ای	روش‌شناسی پاسخ	۷۷
مبانی و روش‌شناسی نقد اندیشه اجتماعی غرب در آثار آیت الله خامنه‌ای	روش‌شناسی پاسخ	۷۸
روش‌شناسی پاسخ به شبهات فلسفه احکام در آثار آیت الله حائری شیرازی	روش‌شناسی پاسخ	۷۹
روش‌شناسی نقد سبک زندگی غیراسلامی در آثار آیت الله حائری شیرازی	روش‌شناسی پاسخ	۸۰
روش‌شناسی پاسخ به شبهات فکری در آثار علامه جعفری	روش‌شناسی پاسخ	۸۱
روش‌شناسی پاسخ به شبهات مهدویت در آثار آیت الله صافی گلپایگانی	روش‌شناسی پاسخ	۸۲
روش‌شناسی نقد اندیشه‌ها در آثار استاد علی صفائی حائری	روش‌شناسی پاسخ	۸۳
روش‌شناسی نقد شبهات ولایت فقیه در آثار آیت الله جوادی آملی با تأکید بر کتاب ولایت فقیه؛ ولایت فقاها و عدالت	روش‌شناسی پاسخ	۸۴
بررسی تحلیلی نقش سینما در تولید و انتشار شبهات دینی	شبهه و هنر	۸۵
بررسی تحلیلی نقش سینما و تلویزیون در تخریب سبک زندگی اسلامی	شبهه و هنر	۸۶

۸۷	شبهه و هنر	بررسی تحلیلی زمینه‌ها و ظرفیت‌های سینما در پاسخگویی به شبهات دینی
۸۸	شبهه و هنر	بررسی تحلیلی ظرفیت‌ها و امکانات سینما و تلویزیون در تحکیم و گسترش سبک زندگی اسلامی با تأکید بر عفاف و حجاب
۸۹	شبهه و هنر	بررسی ظرفیت‌ها و امکانات ادبیات داستانی در تولید و توزیع شبهات دینی
۹۰	شبهه و هنر	بررسی ظرفیت‌ها و امکانات ادبیات داستانی در پاسخگویی به شبهات دینی
۹۱	شبهه و هنر	بررسی ظرفیت‌ها و امکانات شعر در تولید و توزیع شبهات دینی
۹۲	شبهه و هنر	بررسی ظرفیت‌ها و امکانات شعر در پاسخگویی به شبهات دینی
۹۳	شبهه و هنر	بررسی تاریخی - تحلیلی شبهه افکنی در شعر فارسی
۹۴	شبهه و هنر	بررسی تاریخی - انتقادی پاسخگویی به شبهات دینی در شعر فارسی
۹۵	شبهه و هنر	بررسی تاریخی - تحلیلی شبهه افکنی در شعر عربی
۹۶	شبهه و هنر	بررسی تاریخی - انتقادی پاسخگویی به شبهات دینی در شعر عربی
۹۷	شبهه و فلسفه	بررسی توصیفی - تحلیلی بنیادهای شبهات اعتقادی در فلسفه تحلیلی

۹۸	شبهه و فلسفه	بررسی توصیفی - تحلیلی بنیادهای شبهات اعتقادی در فلسفه آگزیستانسیالیسم
۹۹	شبهه و فلسفه	بررسی توصیفی - تحلیلی بنیادهای شبهات اعتقادی در فلسفه قاره‌ای
۱۰۰	شبهه و فلسفه	بررسی توصیفی - تحلیلی بنیادهای شبهات اعتقادی در فلسفه اسلامی
۱۰۱	شبهه و علوم	بررسی توصیفی - تحلیلی بنیادهای شبهات اعتقادی در میانی و روش‌شناسی علوم طبیعی
۱۰۲	شبهه و علوم	بررسی توصیفی - تحلیلی بنیادهای شبهات اعتقادی در میانی و روش‌شناسی علوم انسانی سکولار
۱۰۳	شبهه و علوم	بررسی توصیفی - تحلیلی بنیادهای شبهات دینی در قلمرو تکنولوژی
۱۰۴	شبهه و رسانه	بررسی ظرفیت‌های رسانه‌های جدید در تولید و تأثیر شبهات دینی
۱۰۵	شبهه و رسانه	بررسی ظرفیت‌های بازی‌های رایانه‌ای در انتشار و تأثیر شبهات دینی (نمونه پژوهی)
۱۰۶	شبهه و رسانه	بررسی تحلیلی ظرفیت‌های احتمالی تولید و توزیع شبهه در متاورس
۱۰۷	شبهه و رسانه	بررسی تحلیلی ظرفیت‌ها و امکانات شبکه‌های اجتماعی در ایجاد و نشر شبهات دینی
۱۰۸	شبهه و رسانه	بررسی تحلیلی ظرفیت‌ها و امکانات شبکه‌های اجتماعی در پاسخگویی به شبهات دینی

توصیف و تبیین مدل های مطلوب آینده پژوهی در حوزه شبهات دینی	آینده پژوهی شبهات دینی	۱۰۹
بایسته های روش شناختی در حوزه آینده پژوهی شبهات دینی	آینده پژوهی شبهات دینی	۱۱۰
بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه کلام قدیم	آینده پژوهی شبهات دینی	۱۱۱
بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه کلام جدید	آینده پژوهی شبهات دینی	۱۱۲
بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه فلسفه دین	آینده پژوهی شبهات دینی	۱۱۳
تبیین مبانی، اصول و روش آینده پژوهی شبهات دینی در حوزه ترابط علم و دین	آینده پژوهی شبهات دینی	۱۱۴
بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه فلسفه فقه	آینده پژوهی شبهات دینی	۱۱۵
بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه فقه فردی	آینده پژوهی شبهات دینی	۱۱۶
بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه فقه اجتماعی	آینده پژوهی شبهات دینی	۱۱۷
بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه فقه سیاسی	آینده پژوهی شبهات دینی	۱۱۸
بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه فقه اقتصادی	آینده پژوهی شبهات دینی	۱۱۹

۱۲۰	آینده پژوهی شبهات دینی	بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه علم حقوق
۱۲۱	آینده پژوهی شبهات دینی	بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه فلسفه حقوق
۱۲۲	آینده پژوهی شبهات دینی	بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه اخلاق و تربیت اسلامی
۱۲۳	آینده پژوهی شبهات دینی	بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه علوم پزشکی
۱۲۴	آینده پژوهی شبهات دینی	بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه علوم عصبی
۱۲۵	آینده پژوهی شبهات دینی	بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه اندیشه سیاسی
۱۲۶	آینده پژوهی شبهات دینی	بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه روان شناسی اجتماعی اسلام
۱۲۷	آینده پژوهی شبهات دینی	بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه روان شناسی فردی
۱۲۸	آینده پژوهی شبهات دینی	بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه مسیحیت
۱۲۹	آینده پژوهی شبهات دینی	بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه وهابیت
۱۳۰	آینده پژوهی شبهات دینی	بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه روشنفکران سکولار

۱۳۱	آینده پژوهی شبهات دینی	بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه روشنفکران دینی
۱۳۲	آینده پژوهی شبهات دینی	بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه نواندیشان دینی
۱۳۳	آینده پژوهی شبهات دینی	بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه زنان و خانواده
۱۳۴	آینده پژوهی شبهات دینی	بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات در حوزه روحانیت
۱۳۵	آینده پژوهی شبهات دینی	بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه سبک زندگی
۱۳۶	آینده پژوهی شبهات دینی	بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه تکنولوژی
۱۳۷	آینده پژوهی شبهات دینی	بررسی تحلیلی آینده پژوهی مهم ترین شبهات دینی در حوزه هوش مصنوعی
۱۳۸	معرفی سایت ها و کانال ها	معرفی، جریان شناسی و روش شناسی مهم ترین سایت های شبهه افکن علیه اسلام
۱۳۹	معرفی سایت ها و کانال ها	معرفی، جریان شناسی و روش شناسی مهم ترین کانال های شبهه افکن علیه اسلام
۱۴۰	معرفی سایت ها و کانال ها	معرفی، جریان شناسی و روش شناسی مهم ترین سایت های شبهه افکن علیه تشیع
۱۴۱	معرفی سایت ها و کانال ها	معرفی، جریان شناسی و روش شناسی مهم ترین کانال های شبهه افکن علیه تشیع

معرفی، جریان‌شناسی و روش‌شناسی مهم‌ترین شبکه‌های ماهواره‌ای شبهه‌افکن علیه اسلام	معرفی سایت‌ها و کانال‌ها	۱۴۲
معرفی، جریان‌شناسی و روش‌شناسی مهم‌ترین شبکه‌های ماهواره‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران	معرفی سایت‌ها و کانال‌ها	۱۴۳
معرفی، جریان‌شناسی و روش‌شناسی مهم‌ترین شبکه‌های ماهواره‌ای شبهه‌افکن علیه دین و خدااباوری	معرفی سایت‌ها و کانال‌ها	۱۴۴
معرفی، جریان‌شناسی و روش‌شناسی مهم‌ترین شبکه‌های ماهواره‌ای شبهه‌افکن علیه شیعه	معرفی سایت‌ها و کانال‌ها	۱۴۵
معرفی، روش‌شناسی، رویکردشناسی و ارزیابی موفقیت مهم‌ترین سایت‌ها و کانال‌های پاسخگویی به شبهات دینی	معرفی سایت‌ها و کانال‌ها	۱۴۶
معرفی، روش‌شناسی، رویکردشناسی و ارزیابی موفقیت مهم‌ترین شبکه‌های ماهواره‌ای پاسخگویی به شبهات دینی و مذهبی	معرفی سایت‌ها و کانال‌ها	۱۴۷
معرفی و ارزیابی تحلیلی مهم‌ترین مراکز شبهه‌افکنی علیه شیعه و جمهوری اسلامی در کشورهای عربی	معرفی مراکز شبهه‌افکن	۱۴۸
معرفی و ارزیابی تحلیلی مهم‌ترین مراکز شبهه‌افکنی علیه اسلام، شیعه و جمهوری اسلامی در کشورهای غربی	معرفی مراکز شبهه‌افکن	۱۴۹

معرفی، رویکردشناسی و روش‌شناسی مهم‌ترین مجلات و نشریات پاسخگویی به شبهات دینی	معرفی منابع شبهه‌افکن و پاسخگو	۱۵۰
معرفی شخصیت‌های برتر در پاسخگویی به شبهات دینی؛ با تأکید بر آثار، حوزه مطالعات، رویکردشناسی و روش‌شناسی	معرفی منابع شبهه‌افکن و پاسخگو	۱۵۱
معرفی و ارزیابی فراتحلیلی کتاب‌های برتر پاسخ به شبهات دینی در یکصد سال اخیر تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی	معرفی منابع شبهه‌افکن و پاسخگو	۱۵۲
معرفی و ارزیابی فراتحلیلی کتاب‌های برتر پاسخ به شبهات دینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون	معرفی منابع شبهه‌افکن و پاسخگو	۱۵۳
معرفی و ارزیابی فراتحلیلی پایان‌نامه‌های برتر پاسخ به شبهات دینی در حوزه‌های علمیه	معرفی منابع شبهه‌افکن و پاسخگو	۱۵۴
معرفی و ارزیابی فراتحلیلی پایان‌نامه‌های برتر پاسخ به شبهات دینی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی مرتبط با حوزه علمیه	معرفی منابع شبهه‌افکن و پاسخگو	۱۵۵
معرفی و ارزیابی فراتحلیلی پایان‌نامه‌های برتر پاسخ به شبهات دینی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی غیرحوزوی	معرفی منابع شبهه‌افکن و پاسخگو	۱۵۶
معرفی و ارزیابی فراتحلیلی مقالات برتر پاسخ به شبهات دینی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی مرتبط با حوزه	معرفی منابع شبهه‌افکن و پاسخگو	۱۵۷

معرفی و ارزیابی فراتحلیلی پایان‌نامه‌های برتر پاسخ به شبهات دینی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی غیرحوزوی	معرفی منابع شبهه‌افکن و پاسخگو	۱۵۸
معرفی و ارزیابی فراتحلیلی مقالات برتر در حوزه نگاه درجه دوم به شبهه	معرفی منابع شبهه‌افکن و پاسخگو	۱۵۹

نتیجه

با توجه به بررسی‌ها و ارزیابی‌های صورت گرفته مشخص شد که تحقیقات قابل توجه، منسجم و جامعی درباره نگاه درجه دوم به شبهه و نیازسنجی پژوهشی در این حوزه وجود ندارد. از این رو بر اساس رویکردهای مختلف راهبردی‌نگر، تخصص‌محور و تقاضامحور، تلاش شد مهم‌ترین نیازهای پژوهشی در قلمرو شبهه‌پژوهی گردآوری شود. رویکرد راهبردی‌نگر با هدف تأمین ادبیات پژوهشی مورد نیاز مراکز شبهه‌پژوهی و پاسخگویی، رویکرد تخصص‌محور با هدف تأمین نیازهای محققان شبهه‌پژوه و رویکرد آسیب‌شناختی و تقاضامحور با هدف کمک به غنی‌سازی اطلاعات پاسخگویان به شبهات دینی دنبال شد.

از نتایج این پژوهش دستیابی به ۱۵۹ عنوان پژوهشی در ذیل ۱۷ کلان‌موضوع است. کلان‌موضوع روش‌شناسی پاسخ به شبهات دینی با ۴۰ عنوان پژوهشی، کلان‌موضوع آینده‌پژوهی شبهات دینی با ۲۹ عنوان پژوهشی، کلان‌موضوع تبارشناسی شبهات دینی با ۱۵ عنوان پژوهشی و کلان‌موضوع شبهه و هنر با ۱۲ عنوان پژوهشی، بیش‌ترین نیاز پژوهشی را به خود اختصاص دادند.

هرچند کلان‌موضوع‌های دیگری مانند روان‌شناسی شبهه، جامعه‌شناسی شبهه، اقتصاد و شبهه و موارد دیگر، عناوین پژوهشی کم‌تری را به خود اختصاص دادند، اما

این امر به معنای اهمیت کم‌تر این کلان‌موضوع‌ها نیست. از آنجا که بسترهای اصلی پدیدآیی شبهات روان فرد و ذهن جمعی مؤمنان است، به نظر می‌رسد در پژوهش‌های درجه دوم به شبهه، عناوین پژوهشی روان‌شناسی و جامعه‌شناسی شبهه از اهمیت بیش‌تری برخوردارند.

به طور کلی نتایج پژوهش به مراکز، گروه‌ها، متخصصان و دانشجویان فعال در حوزه شبهه‌شناسی و پاسخ به شبهات دینی، برای یافتن عناوین پژوهشی موردنیاز یاری رسانده و ادبیات پژوهش در این قلمرو را غنی‌تر و با کیفیت‌تر خواهد نمود.

از محدودیت‌های این پژوهش به علت کیفی بودن می‌توان به محدودیت منابع پژوهش (کتاب‌ها، مقالات و نیروی انسانی متخصص) اشاره کرد. گستره پژوهش در عرصه نیازهای پژوهشی در حوزه نگاه درجه دوم به شبهه بسیار فراخ‌تر از امکانات مادی و معنوی محقق بوده و همین امر لزوم کارهای تکمیلی در این عرصه توسط دیگر محققان را توجیه می‌کند. علاوه بر این همکاری کمینه متخصصان شبهه‌پژوه و پاسخگو به شبهات، در یاری محقق برای شناسایی عناوین بیش‌تر، محدودیت دیگر پژوهش حاضر است. از این رو پیشنهاد می‌شود که تحقیق در زمینه نیازسنجی پژوهشی توسط محققان دیگر و با استفاده از شمار بیش‌تری از متخصصان باتجربه در امر شبهه‌پژوهی و پاسخگویی به شبهات دینی ادامه یابد. در این راستا پیشنهاد می‌شود کلان موضوع، مردم‌شناسی شبهه، شبهه در ادیان غیرابراهیمی و غیرتوحیدی، شبهه و تمدن، شبهه و حکمرانی، شبهه و جغرافیا و شبهه و تغذیه مورد بررسی قرار گرفته و عناوین پژوهشی مناسب و متناسبی کشف و تبیین شود. علاوه بر اینکه می‌توان کلان موضوع‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، هنر و غیره را با توجه به گرایش‌های مندرج در ذیل آن مورد بررسی قرار داده و عناوین دقیق‌تر و متنوع‌تری را به دست آورد.

منابع و مأخذ

- * قرآن کریم با ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
۱. ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۳۰۰ ق.
۲. احسانی، کیوان و نبوی، سیدمجید، «کتاب‌شناسی پاسخ به شبهات قرآنی»،
دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و حدیث، دوره ۳، شماره ۳،
۱۳۹۸.
۳. احمدی، عبدالهادی و شاکر، تقی، «روش‌شناسی شبهه‌سازی وهابیت و نقد
روشنمندان»، فصلنامه پژوهش‌های اعتقادی - کلامی، شماره ۳۲، ۱۳۹۷.
۴. اخوان مقدم، جمال و همکاران، «نیازسنجی و اولویت بندی پژوهش‌های راهبردی
برای توسعه علمی یک دانشکده پزشکی»، مجله طب نظامی، دوره ۱۹، شماره ۱،
۱۳۹۶.
۵. ارفع بلوچی، فاطمه، کارشکی، حسین و آهنجیان، محمدرضا، «ضرورت
نیازسنجی پژوهشی در پژوهش‌های سازمانی»، ارائه در دومین همایش ملی مدیریت
پژوهش و فناوری، پژوهشکده سیاست‌گذاری علم، فناوری و صنعت، ۱۳۹۰.
۶. افقی، داوود و برنجکار، رضا، «بررسی اقناع مخاطب در پاسخگویی به شبهات
اعتقادی»، مجله تحقیقات کلامی، پیاپی ۷، صفحه ۱۱۳، ۱۳۹۳.
۷. ایوبی، محمدرضا و افشانی، علیرضا، «مطالعه نگرش دانشجویان در مورد میزان
رواج شبهات دینی در بین جوانان»، مجله مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال
ششم، شماره ۱۹، ۱۳۹۴.
۸. باقی نصرآباد، علی، «روش‌شناسی استاد مطهری در نقد اندیشه‌ها»، مجله مشکوة،
دوره ۲۳، شماره ۱، ۱۳۸۳.
۹. حسینی علی‌آبادی، سید روح‌الله و ابوطالبی، مهدی، «نگاه قرآن به شایعه و شبهه؛

- دور روش نفوذ فرهنگی دشمن از طریق رسانه»، مجله معرفت، سال بیست و هفتم، شماره ۲۴۷، ۱۳۹۷.
۱۰. خدایاری، علی نقی و عسگری، محسن رضا، «شیوه‌های علمی ائمه متأخر در مقابله با باورهای نادرست»، مجله مطالعات اهل بیت‌شناسی، شماره ۱، ۱۳۹۳.
۱۱. خسروی حسینی، غلامرضا، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن (راغب اصفهانی)، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۴.
۱۲. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، «آسیب‌شناسی و نیازسنجی پژوهشی رشته‌های علوم انسانی (مورد مطالعه: علوم تربیتی)»، مجری طرح: دانشگاه شهید بهشتی تهران، ۱۳۹۶.
۱۳. دهخدا، علی اکبر و دیگران، لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۴. سرمد، الهه و بازرگان، عباس، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: مؤسسه نشر آگاه، ۱۳۷۸.
۱۵. شریفی، احمدحسین و محیطی اردکان، محمدعلی، «روش‌شناسی آیت الله مصباح یزدی در پاسخ به شبهات اعتقادی»، نشریه عیار پژوهش در علوم انسانی، سال نهم، شماره ۲، پیاپی ۱۸، ۱۳۹۷.
۱۶. علیزاده موسوی، سیدمهدی، «درآمدی بر چیستی شبهه»، پژوهش‌نامه حج و زیارت، دوره ۱، شماره پیاپی ۲، ۱۳۹۵.
۱۷. محقق گرفمی، البرز؛ قربانی، زین العابدین و میرزایی، محمد، روش‌شناسی پاسخگویی به شبهات با استفاده از مؤلفه‌های عقلی در سیره امام صادق (ع)؛ نشریه فصلنامه علمی پژوهشی کلام اسلامی، دوره ۲۹، شماره ۱۱۴، ۱۳۹۹.
۱۸. محقق گرفمی، البرز؛ دلبری، سیدعلی، بایسته‌های اخلاقی و روش‌شناسی علمی

پاسخگویی به شبهات در سیره امام صادق (ع)، نخستین همایش بین‌المللی
تحقیقات کاربردی در حوزه قرآن و حدیث، ۱۴۰۰.

۱۹. محمدی، محمدعلی؛ جاودان، محمد، «رویکرد برهانی امام صادق (ع) در
مواجهه با پرسش‌ها و شبهات اعتقادی»، مجله پژوهشنامه مذاهب اسلامی، دوره
۴، شماره ۷، ۱۳۹۶.

۲۰. مظفری، سید محمد؛ صالحی، سمیه، «روش مورد تأیید معصوم در پاسخ به
شبهات امامت»، مجله مطالعات فلسفی کلامی، شماره ۱۷، ۱۳۹۹.

۲۱. موسوی، سید رضی‌الدین، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم: انتشارات
مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی نهج البلاغه، ۱۳۸۲.

۲۲. مهدی‌زاده، حمید؛ فاضلی مهرآباد، علیرضا؛ غروی، سید محمد و آذربایجانی،
مسعود، «اولویت‌یابی پژوهشی در روان‌شناسی اسلامی»، فصلنامه تحقیقات بنیادین
در علوم انسانی اسلامی، شماره پیاپی ۳، ۱۳۹۵.

Answering Questions from the Perspective of the Holy Qur'an (Basics, Goals, Methods and Examples)

Received date: ۲۰۲۲،۰۷،۰۶ Accepted date: ۲۰۲۲،۱۰،۲۰

Majid Khamushi *

Abstract

The Holy Qur'an has paid attention to the importance of answering questions and has answered them in its own way. In this article, according to the verses of the Holy Qur'an and using the descriptive-analytical method, after stating the bases and goals that can be extracted in answering the questions, the answering methods of the Holy Qur'an are also expressed as far as follow-up. These twelve methods, which start from answering the questions related to the ancillaries of the Faith and end with the Mubahlah, which is a type of response according to the author's point of view, and have become numerous due to the variables such as: understanding or belief of the audience; the subject of the question; Social conditions and its sensitivities. Of course, it is possible to put the answers of the Qur'an in a new category, for example, in terms of the content of the cases or the type of reasoning, but what has priority in this article is the wisdom found in the form of answering.

Keywords: Question, Doubt, The Holy Qur'an, Basics, Methods, Style, Answering.

* PhD in Islamic studies, International Institute for Islamic Studies, Qom, Iran.

Email: adyanjahani@gmail.com

فصلية علمية محكمة
مطالعاتٍ شبهه پژوهی
السنة الأولى، الرقم الثاني، الربيع ١٤٤٤هـ

الإجابة على الأسئلة من منظار القرآن الكريم (أساسيات وأهداف وأساليب وأمثلة)

مجيد خاموشي*

المستخلص

قد انتبه القرآن الكريم بأهمية الإجابة على الأسئلة وأجابها على طريقته. في هذا المقال، بناءً على الآيات القرآنية وباستخدام المنهج الوصفي-التحليلي، بعد بيان الأسس والأهداف التي يمكن استخلاصها في الإجابة على الأسئلة، فقد ذكرنا طرق إجابة القرآن الكريم مدى تتبعنا. هذه الطرق الاثنتي عشرية، تبدأ من الإجابة على الأسئلة المتعلقة بالفروع وتنتهي بالمباهلة-التي تعتبر حسب المؤلف نوعاً من الإجابة-، وفقاً لمتغيرات اصبحمت متعددة على سبيل المثال: فهم المخاطب أو إيمانه؛ موضوع السؤال؛ الظروف الإجتماعية و أحوالها و ... هذا و من الممكن مثلاً وضع الإجابات القرآنية في المجموعة الجديدة من حيث مضمون القضايا أو نوع الإستدلال ولكن الذي له الأولوية في هذه الكتابة هو الحكمة الموجودة في شكل الإجابات.

الكلمات المفتاحية: : السؤال، الشبهة، القرآن الكريم، أساسيات، المنهجيات، الأسلوب، الإجابة.

* الدكتوراه في الدراسات الإسلامية من المؤسسة الدولية للدراسات الإسلامية.

نشریه علمی
مطالعات شبه‌پژوهی
سال اول، بهار ۱۴۰۱، ش ۲

پاسخگویی به سؤالات از منظر قرآن کریم (مبانی، اهداف، شیوه‌ها و نمونه‌ها)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۵ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۸/۰۳

مجید خاموشی*

چکیده

قرآن کریم به اهمیت پاسخگویی به سؤالات توجه کرده و به روش خود به آنان پاسخ داده است. در این نوشتار با توجه به آیات قرآن و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، بعد از بیان مبانی و اهداف قابل استخراج در پاسخ به سؤالات، روش‌های پاسخگویی قرآن کریم هم در حد تتبع بیان شده است. این روش‌های دوازده‌گانه که از پاسخ به سؤالات مرتبط با فروع آغاز و به مباهله که به نظر نگارنده نوعی پاسخگویی است ختم می‌شود، با توجه به متغیرهایی مثل: فهم یا اعتقاد مخاطب؛ موضوع پرسش؛ شرایط و حساسیت‌های اجتماعی و... متعدد شده است. البته می‌توان به عنوان مثال از جهت ماده قضایا یا نوع استدلال پاسخ‌های قرآن را در دسته‌بندی جدیدی قرار داد اما آن چه در این نوشتار اولویت داشته، حکمت موجود در شکل پاسخگویی است.

واژگان کلیدی: سؤال، شبهه، قرآن کریم، مبانی، شیوه‌ها، اسلوب، پاسخگویی.

*. فارغ التحصیل دکترای مطالعات اسلامی، موسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی.

adyanjahani@gmail.com

مقدمه

پرسش؛ ریشه در گوهر انسان دارد و از سرشت او سرچشمه می‌گیرد. نیاز آدمی به آگاهی و کشف و شناخت ناشناخته‌ها؛ ابهام‌ها و دشواری‌های علمی، دینی و اجتماعی از یک سو و شوق به تکامل و دستیابی به دیگر میدان‌های علمی و فکری از سوی دیگر، او را به پرسیدن وامی‌دارد. پرسش، نه کاستی که کمال و راه رسیدن به دانایی و توانایی است.

آدمی در پرتو غریزه کنجکاوی می‌تواند گره از مشکلاتش گشاید و خود را به قلمرو نور و روشنایی برساند.

قرآن کریم به‌عنوان برترین سند مسلمانان به این حس گران‌بها ارج نهاده و از مردم خواسته تا فکر و اندیشه خود را به کار گرفته و از هوش و خرد خود بهره گیرند. بخش قابل توجهی از آیات قرآن و روایات؛ انسان را به خردورزی فرامی‌خواند. قرآن؛ خود را هادی (بقره: ۲)* و جداکننده حق از باطل با دلایل آشکار می‌داند (بقره: ۱۸۵)**.

در ۱۵ مورد از آیات قرآن، خداوند به چنین پرسش‌هایی که از پیامبرش شده پاسخ می‌دهد. در این آیات که با لفظ «یسئلونک» آمده، پرسش‌هایی در زمینه‌های عقائد (اعراف: ۱۸۷)**، فقه (بقره: ۲۱۷ و ۲۲۲) و موضوعات اجتماعی (بقره: ۲۲۰)، از پیامبر اسلام ﷺ شده که خداوند پاسخ آن را می‌دهد. البته همیشه این سؤالات استفهام حقیقی نبود بلکه شبهه‌ای یا سؤالی بود که جنبه استفهام انکاری داشت، در قرآن کریم به این گونه پرسش‌ها نیز احیاناً پاسخ داده شده؛ در این باره می‌فرماید: «و برای ما مثالی

۱۱۸

پیشروها

سال اول / شماره دوم / پاییز و زمستان ۱۴۰۱

* «ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ».

** «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ».

*** «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِنُهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهِ إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً يَسْلُوكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ».

زد و آفرینش خود را فراموش کرد و گفت: چه کسی این استخوان‌ها را زنده می‌کند در حالی که پوسیده است؟! بگو: همان کسی آن را زنده می‌کند که نخستین بار آن را آفرید و او به هر مخلوقی داناست» (یس: ۷۸ و ۷۹)*.

خداوند در قرآن؛ خواهان پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات است و از مؤمنان می‌خواهد که با اهل کتاب و غیر ایشان، مجادلهٔ احسن کرده و مُستدل بحث کنند (نحل: ۱۲۵؛ عنکبوت: ۳۶).

اهمیت این موضوع از این جاست که هنوز عده‌ای در پاسخ‌گویی به سؤالات و یا شبهات درنگ کرده و با ندای «الباطل یموت بترک ذکره» از آن سر باز می‌زنند (ر.ک: دوانی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۲).

در بین کتاب‌ها و مقالات در حیطه پاسخ‌گویی نوشتاری که ناظر به مبانی و اهداف و نمونه‌ها و شیوه‌های پاسخ‌گویی باشد، یافت نشد.

مبانی و اهداف پاسخ‌گویی به سؤالات در قرآن

الف) توجه به فطرت علم جو و حقیقت طلب انسان

انسان برای رسیدن به حقیقت، ناگزیر از سؤال و کشف حقایق است. پرسش‌ها در واقع، دروازه‌هایی هستند که انسان را از تونل تاریک جهل، وارد وادی روشن حقیقت می‌کند. چگونه ممکن است، دینی که مبانی آن بر علم و فهم استوار شده است و مردم را از جهل بر حذر داشته و به سوی نور و روشنایی دعوت می‌کند، با پرسش و پرسیدن که راهی برای رسیدن به حقیقت است مخالفت کند؟ خداوند در آیات متعددی؛ با اشاره به پرسش مردم از پیامبر ﷺ، مستقیماً به آنان جواب می‌دهد (برای نمونه نک: بقره، ۱۸۹،

* «وَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ، قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ».

۲۱۵، ۲۱۷، ۲۲۰ و ۲۲۲) و حتی وقتی کفار و مشرکان از پیامبر ﷺ فرصتی برای تحقیق درباره اسلام و یافتن حقیقت دارند؛ به پیامبرش چنین سفارش می‌کند: «و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد)! سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آنها گروهی ناآگاهند» (توبه: ۶)*. اسلام؛ هیچگاه به این ندای فطرت بی‌توجه نبوده و پیوسته خواستار حرکت بر اساس فهم و دانش بوده است.

ب) اتمام حجت

وقتی پرسشی در ذهن است، نمی‌توان درست و قاطعانه تصمیم گرفت و تنها در سایه روشنایی علم است که تکالیف جان گرفته و معنا پیدا می‌کند؛ لذا پرسش، مورد تأیید و تأکید قرآن کریم است تا با برطرف شدن جهل، راه سعادت نمایان شده و حجت خداوند بر انسان‌ها کامل شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «تا هر که هلاک می‌شود از روی حجت و برهان هلاک گردد و هر که زندگی (معنوی) می‌یابد از روی حجت و برهان زندگی یابد و حَقًّا که خدا شنوا و داناست» (انفال: ۴۲)**.

یکی از مهم‌ترین دلایل ارسال رسولان و به تبع آن از مهم‌ترین رسالت‌های انبیاء، هدایت انسان از راه پاسخ به سؤالات اساسی بشر است. آن‌گاه؛ با هدایت و پاسخ‌گویی رسولان، حجت الهی بر مردم تمام شده و جای اعتراضی باقی نمی‌ماند. قرآن کریم دلیل ارسال پیامبران الهی را چنین بیان می‌فرماید: «پیامبرانی که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند، تا بعد از این پیامبران، حجتی برای مردم بر خدا باقی نماند، (و بر همه اتمام حجت شود) و خداوند، توانا و حکیم است» (نساء: ۱۶۵)***.

* «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ».
 ** «... لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيْنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَن بَيْنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ».
 *** «رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا».

اگر به سؤالات مهم و حیاتی انسان پاسخ داده نشود، اتمام حجت بر بندگان خدا تحقق نمی‌یابد. بعد از پاسخ به این پرسش‌ها است که حجت و دلیل الهی کامل گشته و انسان‌ها دلیلی برای نپذیرفتن راه حق ندارند.

ج) تمایز حق از باطل

تمایز حق از باطل و عدم اجبار در پذیرش دین (بقره: ۲۵۶)* وقتی معنا دارد که حقانیت دین آشکار شده باشد، بعد از این مرحله، انتخاب‌ها بر اساس فکر و اندیشه است و انسان در پرتوی انتخاب خود، مسئول اعمالش می‌باشد. پاسخ به پرسش‌های اعتقادی؛ در کنار معجزه پیامبران، راهی برای آشکار کردن حق و حقانیت است؛ لذا خداوند درباره کفار و مشرکین می‌فرماید: «کافران از اهل کتاب و مشرکان (می‌گفتند): دست از آیین خود بر نمی‌دارند تا دلیل روشنی برای آنها بیاید» (بنه: ۱).**

آنگاه که به پرسش‌ها پاسخ مناسب داده شد و حق از باطل متمایز گشت، تبعیت از روش حق با اختیار و رغبت ممکن می‌شود و انسان‌ها را می‌توان بر اساس انتخابی که کرده‌اند ارزش‌گذاری کرد. در این صورت است که؛ تبعیت از باطل؛ بمثابة روی برگرداندن از حق است.

اما تا وقتی که حق و باطل درهم آمیخته باشد، انکار طاغوت و چنگ زدن به ریسمان الهی محقق نمی‌شود.

۱ امام علی علیه السلام درباره آمیختگی حق با باطل می‌فرماید:

پس اگر باطل با حق مخلوط نمی‌شد، بر طالبان حق پوشیده نمی‌ماند و اگر حق از باطل جدا و خالص می‌گشت زبان دشمنان قطع می‌گردید. اما قسمتی از حق و قسمتی از باطل

* «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ».

** «لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ».

را می گیرند و به هم می آمیزند آنجاست که شیطان بر دوستان خود چیره می گردد و تنها آنان که مشمول لطف و رحمت پروردگارند، نجات خواهند یافت»
(نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۵۱، ص ۸۸).

بنابراین؛ تکیه بر جداسازی باطل از حق؛ مبنای مورد توجه در پاسخ گویی قرآن است.

د) مقابله با القاءات شیطانی و مبارزه با جبهه باطل

در نگاه قرآن، از جمله عوامل پیدایش سوالات و مجادله های جاهلانه، القاءات شیطان است. در این باره می فرماید:

«شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می کنند، تا با شما به مجادله (و گفتگو) برخیزند، اگر از آنها اطاعت کنید، شما هم مشرک خواهید بود!» (انعام: ۱۲۱).
علامه طباطبائی رحمته الله پیرامون این آیه می گویند:

این جمله؛ در رد آن سخنی است که مشرکان به دهان مؤمنان انداخته و جواب شبهه و سؤالی است که به ذهن مؤمنین القا کرده بودند و آن این بود که: چطور حیوان ذبح شده بدست شما حلال است و اما حیوانی که خدا آن را کشته، خوردنش حرام است؟
جواب می دهد: این سخن از چیزهایی است که شیطان به دل های اولیای خود (مشرکین) القا می کند، زیرا بین این دو قسم گوشت فرق هست، یکی خوردنش فسق است و آن دیگری نیست، خدا خوردن میته را حرام کرده و آن دیگری را نه! زیرا در بین محرّمات الهی اسمی از حیوان تذکیه شده برده نشده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۴۵۹).

بله! دوستان شیطان این گونه القاءات شیطانی را گرفته و به دیگران نیز انتقال می دهند، درست مانند یک منبع آلودگی که عده ای با آن در ارتباط اند و با گرفتن آلودگی؛ به سرعت آن را در میان دیگر افراد سالم جامعه پخش می کنند. این یک مبنا است در مسیر پاسخ گویی؛ تا هر چه زودتر به مجادلات و شبهه های مسری در سطح جامعه جواب داده شود.

هـ) مقابله با دروغ‌ها و شایعات اعتقادی در جامعه

همان‌طور که گذشت، خداوند می‌فرماید: «شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می‌کنند، تا (بتوانند) با شما به مجادله برخیزند» (انعام: ۱۲۱). در آیه دیگر، این دوستان شیاطین را معرفی می‌کند که بارزترین صفت آنان، دروغ‌گویی و تهمت زنی است. خداوند می‌فرماید: «آیا به شما خبر دهم که شیاطین بر چه کسی نازل می‌شوند؟! آنها بر هر دروغگوی گنهکار نازل می‌گردند» (شعرا: ۲۲۱ و ۲۲۲).

آنان کسانی هستند که: «آنچه را می‌شنوند (به دیگران) القا می‌کنند و بیشترشان دروغگو هستند!» (شعرا: ۲۲۳).

۱۲۳



پاسخگویی به سؤالات از منظر قرآن کریم (مبانی، اهداف، شیوه‌ها و نمونه‌ها)

با توجه به این چند آیه، می‌توان به نتیجه رسید که: شیاطین بر جان و دل دوستان‌شان الهاماتی دارند و دوستان آنان؛ انسان‌های گناه‌کار و دروغگو‌اند که نشانه دروغگو بودنشان بازگو کردن آنچه می‌شنوند است. امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «لَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ فَكَفَى بِذَلِكَ كَذِبًا»؛ «هر آنچه می‌شنوی برای مردم بازگو نکن که این خود علامت دروغ‌گویی است» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۶۹، ص ۴۵۹). در روایت دیگری می‌فرماید: «الْبَاطِلُ أَنْ تَقُولَ سَمِعْتَ وَالْحَقُّ أَنْ تَقُولَ رَأَيْتُ»؛ «باطل آن است که بگویی شنیده‌ام و حق آن است که دیده باشی!» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۴۱، ص ۱۹۸).

در قرآن؛ به این دسته از افراد و سوالاتی که در اجتماع منتشر می‌کنند جواب داده شده است.

و) دفاع از شخصیت مقدس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

حمایت و دفاع از شخصیت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم از اهداف پاسخ‌گویی در قرآن است. خداوند برای دفاع از پیامبرش در مقابل تهمت‌ها، دروغ‌ها و آزار و اذیتی که به وی وارد می‌شد، آیات متعددی نازل کرد و در حمایت همه جانبه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، نه تنها به

دروغ‌ها و تهمت‌ها پاسخ داده بلکه حتی کوچکترین اسائه ادب را به ساحت مقدس پیامبر ﷺ برنتافته و در این باره مسلمانان و حتی همسران پیامبر را نیز مورد عتاب قرار داده. این حمایت‌ها در وقتی است که پیامبر ﷺ در برابر همه تهمت‌ها و اذیت‌ها و نه مانند سایر پیامبران الهی که داستان آنان در قرآن آمده است (برای نمونه ر.ک: اعراف ۶۰، ۶۱ و ۶۶ و ۶۷) از خود دفاعی نکرد و در راه تبلیغ دین، صبورانه مقاومت کرد. عائشه؛ همسر پیامبر ﷺ در توصیف ایشان می‌گوید: «من هیچگاه ندیدم - مادامی که حرمت‌های الهی شکسته نشده - پیامبر خدا به خاطر ظلمی که بر خودش رفته؛ از خود دفاع کرده باشد» (میزان الحکمة، ج ۷، ص ۳۳۷۸)*.

لذا خداوند، از پیامبرش در برابر منافقان و مشرکان حمایت می‌کند. از این موارد می‌توان به سوره توبه اشاره کرد که می‌فرماید: «از منافقین کسانی هستند که پیامبر را اذیت می‌کنند و گویند او گوشی است (یعنی خوش شنوا است) بگو خوش شنوایی برای شما خیر است گفتار خدا را تصدیق می‌کند و گفتار مؤمنین را تصدیق می‌نماید و برای کسانی که از شما به ظاهر ایمان آورده‌اند، رحمت است و آنهایی که رسول خدا را می‌رنجانند، برای آنان عذاب دردناک است». (توبه: ۶۱)**

خداوند در این آیه، در برابر اذیت پیامبر ﷺ و بی‌ادبی به ساحت مقدس او، پاسخ محکم و قاطعی می‌دهد.

همچنین در برابر کسانی که به همسر پیامبر تهمت زدند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۲۷) و با این کار موجب رنجش پیامبر ﷺ شدند می‌فرماید: «مسلماً کسانی که آن تهمت عظیم را عنوان کردند گروهی (متشکل و توطئه‌گر) از شما بودند اما

* «ما رأيتُ رسولَ اللهِ مُتَصِرًا لِنَفْسِهِ مِنْ مَظْلَمَةٍ ظَلَمَهَا قَطُّ مَا لَمْ يُنْتَهِكْ مِنْ مَحَارِمِ اللهِ شَيْءٌ». ** «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أذنُ قُلْ أذنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ».

گمان نکنید این ماجرا برای شما بد است، بلکه خیر شما در آن است آنها هر کدام سهم خود را از این گناهی که مرتکب شدند دارند و از آنان کسی که بخش مهم آن را بر عهده داشت عذاب عظیمی برای اوست». (نور: ۱۱)*

بنابراین؛ دفاع از حریم پیامبر ﷺ - به خصوص در مراحلی که سعی می‌شد با القاء سوالات و شبهات، شخصیت حقیقی یا حقوقی آن حضرت تخریب شود - یکی از اهداف پاسخ به شبهات در قرآن کریم است.**

روش‌های پاسخ‌گویی در قرآن

قرآن کریم با توجه به نوع سؤال یا اهمیت آن و با توجه به برخی از شرایط؛ پاسخ‌های مناسبی ارائه کرده که قابل تطبیق بر موارد مشابه است. دقت و حکمت در پاسخ‌گویی نیز همین اقتضاء را دارد تا انسان موارد را سنجیده و هر سؤالی را با توجه به ملاحظات آن، پاسخ دهد.

در این قسمت به دنبال این مطلب هستیم که قرآن؛ چه روش‌هایی را در پاسخ‌گویی به کار برده، تا با الگو گرفتن از آن بتوانیم در امر پاسخ‌گویی استفاده کنیم.

۱. پاسخ روشن و کامل

طبیعی‌ترین حالت پاسخ‌گویی این است که به سؤال پرسیده شده، جواب روشن و کاملی داده شود تا جای هیچ‌گونه شبهه و سؤالی باقی نماند.

معمولاً پرسش‌های فقهی و سؤالاتی که مربوط به عمل مکلف است، چنین خصوصیتی دارد که باید؛ دقیق به پرسش مورد نظر، پاسخ داده شود. قرآن هم در مقابل

* «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَ الَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ».

** در عصر حاضر؛ فتوای حضرت امام خمینی رحمته الله در ارتداد و لزوم مجازات سلمان رشدی؛ نویسنده ای که به ساحت مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله اهانت کرد را می‌توان مطابق با این اصل قرآنی ارزیابی کرد.

چنین سؤالاتی به روشنی پاسخ داده و مسئله را تبیین کرده است. بنابراین مبلغ و پاسخگو نیز، باید به دقت؛ این گونه سؤال‌ها را شنیده و سپس به طور کامل جواب دهد. مثلاً وقتی از پیامبر ﷺ درباره جنگ در ماه‌های حرام می‌پرسند، آیه نازل شده و به وضوح جواب می‌دهد.

«از تو، درباره جنگ کردن در ماه حرام، سؤال می‌کنند بگو: «جنگ در آن، (گناهی) بزرگ است». (بقره: ۲۱۷)*

یا در آیه دیگر می‌فرماید: «از تو سؤال می‌کنند چه چیزهایی برای آنها حلال شده است؟ بگو: «آنچه پاکیزه است، برای شما حلال گردیده (و نیز صید) حیوانات شکاری و سگ‌های آموخته (و تربیت یافته) که از آنچه خداوند به شما تعلیم داده به آنها یاد داده‌اید، (بر شما حلال است).»

پس، از آنچه این حیوانات برای شما (صید می‌کنند و) نگاه می‌دارند، بخورید و نام خدا را (به هنگام فرستادن حیوان برای شکار) بر آن ببرید و از (معصیت) خدا بپرهیزید که خداوند سریع الحساب است!». (مائده: ۴)**

بنابراین؛ پاسخ به سؤالات شرعی در محدوده احکام و استفتاءات؛ باید واضح و روشن باشد.

۲. پاسخ به پرسش صحیح

گاهی درباره یک موضوع، سؤالات همسویی وجود دارد که فقط قسمتی از آن در پرسش بیان شده که از اهمیت کمتری برخوردار است و یا هیچ اهمیتی ندارد، یا جواب آن بسیار روشن است و یا بالاخره پرسش‌گر نمی‌دانسته که سؤالش دارای لایه‌های مهم‌تری است که باید پرسیده شود؟!*

* «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ...».

** «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ».

در همه این موارد؛ پاسخگو باید به این حلقه مفقوده توجه کرده و پرسش‌گر را به مسیر حقیقی‌اش راهنمایی کند.

در این شرایط؛ قرآن به پرسشی پاسخ می‌دهد که شایسته بود پرسیده شود! ولی مورد غفلت واقع شد و عملاً نشان می‌دهد که برخی از پرسش‌ها را باید تصحیح کرد و سپس بدان پاسخ داد؛ لذا می‌فرماید:

«از تو سؤال می‌کنند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: «هر خیر و نیکی (و سرمایه سودمند مادی و معنوی) که انفاق می‌کنید، باید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و درماندگان در راه باشد» و هر کار خیری که انجام دهید، خداوند از آن آگاه است» (بقره: ۲۱۵).*

۱۲۷



پاسخگویی به سؤالات از منظر قرآن کریم (مبانی، اهداف، شیوه‌ها و نمونه‌ها)

مفسران گفته‌اند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۴۰) این آیه، سؤال و جوابی است که بنا بر اصطلاح اهل منطق جواب آن طبق اسلوب حکمت داده شده است؛ چراکه سؤال از جنس و نوع انفاق بوده، که از چه جنسی و چه نوعی انفاق کنند؟ این پرسشی بی‌فایده یا کم‌فایده‌ای است؛ زیرا هر کسی می‌داند که انفاق با چه چیز انجام می‌شود؟ با انواع مال. پس مناسب بود که از زاویه دیگری به انفاق نگاه شود و سؤال اصلی پرسیده شود که به چه کسانی انفاق کنیم؟

به همین جهت، خداوند پرسش ایشان را پاسخ نداده و جواب از سؤال صحیحی داد که آنان نپرسیده بودند؛ یعنی بیان صفات و افرادی که باید به ایشان انفاق کرد، تا هم به سؤال اصلی جواب داده باشد و هم تعلیم شان دهد که چگونه سؤال کنند.

۳. دادن پاسخ‌های مرحله‌ای

شرایط مختلف می‌تواند چنین اقتضاء کند که پاسخ به سؤال؛ صریح نباشد و لازم است که برخی امور رعایت شود. به‌طور مثال اگر یک حکم یا یک موعظه در جمعی که

* «يَسْئَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ».

آمادگی شنیدن یا عمل به آن را ندارند مطرح شود، نتیجه‌ای جز انکار و نپذیرفتن آن را در پی ندارد.

دعوت مردم به سوی خیر و صلاح بایستی مرحله‌ای باشد تا تحمل مرحله بعد برایشان ایجاد شود. انواع زمینه‌سازی‌های فرهنگی و اجتماعی برای اجرای یک حکم الهی؛ از این باب است. در هر حرکت اصلاحی؛ فردی یا اجتماعی؛ مدارا و همراهی گام به گام یکی از شرایط اصلی پیروزی است که همه متولیان امور فرهنگی باید آن را مدنظر قرار دهند.

اگر انسان مُصلِح؛ ابراهیم خلیل الله هم باشد، برای متقاعد کردن مشرکان بایستی ابتدا از باب جدال أحسن به خدایان آنان اقرار کند تا بعد بتواند ضعف آنها را به رخ کشاند. او باید ستاره را که نور کمتری دارد به‌عنوان ربّ بپذیرد و سپس به سراغ ماه رود که نور بیشتری دارد تا آن گاه بتواند نورانی‌ترین جرم آسمانی - خورشید - را از درجه ربوبیت پائین کشد (انعام: ۷۶-۸۰).

از دیگر نمونه‌های این گونه پاسخ دهی، حکم تحریم شراب است که قرآن کریم در چندین مرحله بیان کرده است.

وقتی مردم از «خمر» و «میسر» (= قمار) از پیامبر اسلام ﷺ پرسیدند، خداوند در جواب فرمود: «درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: در آنها گناه و زیان بزرگی است و منافی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد (ولی) گناه آن از نفعش بیشتر است» (بقره: ۲۱۹)*.

با توجه به اینکه جامعه عرب جاهلی بسیار آلوده به شراب و قمار بود، حکم تحریم این دو به‌طور تدریجی و در چند مرحله نازل شد و اگر نرمش و مدارایی در لحن آیه

* «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ».

مشاهده می‌شود، گویا به‌خاطر همین مطلب است.

در این آیه؛ منافع و زیان‌های این دو ذکر شده و بیشتر بودن زیان‌ها و گناه سنگین آن بر منافعش مورد تصریح قرار گرفته است. مسلماً منافع مادی که احیاناً از طریق فروش شراب یا انجام قمار حاصل می‌شود و یا منافع خیالی که به‌خاطر تخدیر حاصل از مستی شراب و غفلت از اندوه و غم به دست می‌آید، در برابر زیان‌های فوق العاده اخلاقی و اجتماعی و بهداشتی این دو بسیار ناچیز است.

سپس در آیه دیگری حکم قطعی داده و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بت‌ها و اِزلام [نوعی بخت‌آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید!» (مائده: ۹۰).*

۴. استفاده از پاسخ‌های اجمالی

در این مرحله، پرسش‌ها تغییر نمی‌کند بلکه تنها به آن‌ها، پاسخی کوتاه و اجمالی داده می‌شود. علتش را می‌توان چنین بیان کرد که اولاً؛ مصلحت در این است که از موضوع؛ اطلاع دقیق و کامل نداشته باشند، (مانند آنچه درباره‌ی زمان وقوع قیامت از پیامبر ﷺ سؤال شده است)، (اعراف: ۱۸۷).**

ثانیاً؛ قدرت فهم و درک کامل این موضوع وجود ندارد، مثل پرسش آنان درباره‌ی روح؛ که خداوند در جوابشان فرمود:
«و از تو درباره‌ی «روح» سؤال می‌کنند، بگو: «روح از فرمان پروردگار من است و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است!» (اسراء: ۸۵).^۱

* «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ».

** «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مَرْسُهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ».

۱. «و يسألونك عن الروح قل الروح من أمر ربي وما أوتيتم من العلم إلا قليلاً».

این روش در پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات، کاربرد فراوانی دارد، احیاناً پرسش‌های فراوانی از فلسفه احکام مطرح می‌شود که به هر علتی از جمله عدم مصلحت بیان آن، یا به جهت عدم درک کامل مخاطب، مطلب زیادی درباره آن بیان نشده است. در پاسخ‌گویی به این گونه از پرسش‌ها؛ ضمن بیان برخی از حکمت‌های تشریح حکم* که تا حدودی قابل درک است و یا در روایات بدان اشاره شده است؛ باید به بیان یک سلسله از کلیات اکتفا کرده و پرسش‌گر را به حکمت الاهی در تشریح احکام؛ که همان وجود مصالح و مفاسد برای اوامر و نواهی الاهی است، توجه داد و حکیم بودن پروردگار را گوشزد کرد ولی نباید انتظار داشته باشیم که با معلومات محدود فعلی بشر به اسرار و فلسفه احکام به طور کامل دست یابیم.

۵. پاسخ‌گویی حکیمانه (تعیین اولویت در پاسخ‌گویی بر اساس اهمیت و شرایط)

پاسخ به برخی از پرسش‌ها به دلیل نیاز مردم به آن، یا داشتن جنبه‌های عقیدتی و... باید سریع و فوری باشد. از جمله این پرسش‌ها، مطلبی است که در سوره طه مطرح شده است (طه: ۱۰۵).** فخر رازی درباره نحوه پاسخ‌گویی خداوند در این آیه می‌گوید: چون این سؤال یا سؤال از قدمت کوه‌ها و یا سؤال از وجوب بقاء آنها (بحث قدیم و ابدی بودن کوه‌ها) است که جزء مسائل اعتقادی و مهم دین است، به ناچار خداوند به پیامبرش امر می‌کند که با لفظ «فاء» (که مفید تعقیب است) به او جواب دهد.

* فلسفه حکم؛ نشان دهنده علت تشریح حکم است که اگر آن علت باشد؛ حکم الاهی نیز وجود دارد ولی حکمت‌های تشریح احکام؛ به بیان برخی از آثار و نتایج و دست آوردهای تشریح حکم می‌پردازد و اگر احیاناً در موردی آن اثر و نتیجه هم نبود، همچنان حکم الاهی مورد نظر وجود دارد. وقتی گفته می‌شود: لا تشرب الخمر لأنه مسکر. مسکر بودن شراب؛ یکی از حکمت‌های حرمت شراب است و اگر مقدار کمی از شراب برای عده‌ای مست کننده (مسکر) نباشد، حکم حرمت شراب، همچنان پا برجاست؛ چراکه مسکر بودن، یکی از حکمت‌های تشریح حرمت بوده نه فلسفه تشریح آن.

** «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا»؛ و از تو درباره کوه‌ها سؤال می‌کنند بگو: پروردگار آنها را (متلاشی کرده) بر باد می‌دهد!.

گویا خداوند به پیامبرش می‌فرماید: ای محمد ﷺ! هم اکنون به او جواب بده و در پاسخ گویی اهماال نکن، چراکه شک در چنین موردی کفر است، پس سؤالش را وامگذار تا در شک و شبهه قرار نگیرد (فخر رازی، ج ۲۲، ص ۳۳).

اما گاهی برخی از سؤالات؛ مربوط به مباحث تاریخی یا شبیه به آن است و اگر چه می‌تواند دارای مواعظ و نکات برجسته و تأثیر گذاری باشد، ولی چون تأثیر مستقیم و فوری در زندگی دنیوی و یا اخروی مردم ندارد، می‌توان جواب آن را به تأخیر انداخت. خداوند در جواب کسانی که از ذوالقرنین پرسیده بودند به پیامبرش می‌فرماید: «بگو! به زودی برای شما از وی آیاتی (از قرآن) باز خواهم خواند» (کهف: ۸۳)*.

بنابراین؛ جواب این سؤال به آینده موکول شد.

۱۳۱



پاسخگویی به سؤالات از منظر قرآن کریم (مبانی، اهداف، شیوه‌ها و نمونه‌ها)

۶. اقرار گرفتن از پرسشگر

اقرار گرفتن از پرسشگر درباره عقایدش و استفاده از آن، کمک فراوانی به پاسخگو می‌کند. گاهی این اقرارها به بخشی از جواب تبدیل می‌شود.**

در این روش؛ ابتدا به مطلبی اشاره می‌شود که پرسشگر آن را قبول داشته و بدان اعتراف می‌کند. به‌طور مثال، کفار؛ خالق بودن خداوند را قبول داشتند ولی مشکل شان درباره ربوبیت خداوند بود؛ لذا در آیات متعددی خداوند این عقیده مثبت آنان را جهت استفاده در پاسخ‌گویی به آنان گوشزد می‌کند و می‌فرماید: «و هر گاه از آنان بپرسی: «چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را مسخر کرده است؟» می‌گویند: «الله!» پس با این حال چگونه آنان را (از عبادت خدا) منحرف می‌سازند؟!» (عنکبوت: ۶۱)***

* «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الَّذِينَ قَالُوا سَأَلُوا عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا».

** در اصطلاح اهل منطق به چنین روشی که از مطالبی مورد قبول طرف مقابل استفاده می‌شود؛ جدل گفته می‌شود. نک: آشنایی با علوم اسلامی (منطق - فلسفه)، ص ۱۳۵.

*** «وَلَكِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِيَقُولَنَّ اللَّهُ فَنَنْتِ يُؤْفَكُونَ». مشابه این

امام رضا علیه السلام در مناظره‌ای که با برخی از مسیحیان داشتند از این روش استفاده کردند. مسیحیان از طرفی قائل به الوهیت حضرت عیسی علیه السلام هستند و از طرفی ایشان را جزء عابدترین انبیاء می‌دانند! امام رضا علیه السلام از همین عقیده مورد قبول آنان استفاده کرده و الوهیت حضرت عیسی علیه السلام را انکار می‌کنند:

در مجلس مناظره‌ای که مأمون برای علمای مذاهب و ادیان تشکیل داده بود و حضرت رضا علیه السلام نماینده مسلمانان بود، بین حضرت رضا و عالم مسیحی درباره الوهیت یا عبودیت عیسی علیه السلام بحث در گرفت. عالم مسیحی برای عیسی مقام الوهیت و فوق بشری قائل بود. حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «عیسی مسیح همه چیزش خوب بود جز یک چیز و آن این که بر خلاف سایر پیامبران به عبادت علاقه‌ای نداشت!» عالم مسیحی گفت: «از شما این چنین سخنی عجیب است، او از همه مردم عابدتر بود.»

همین که امام رضا علیه السلام اعتراف عبادت عیسی را از عالم مسیحی گرفت، فرمود: «عیسی چه کسی را عبادت می‌کرد؟» آیا عبادت دلیل عبودیت نیست؟ آیا عبودیت دلیل عدم الوهیت نیست؟ (صدوق، ۱۳۹۸ ق، ص ۴۲۱).

بنابراین؛ اقرار گرفتن و یا به عبارت دیگر، استفاده از باورهای پرسشگر می‌تواند قانع‌کننده را آسان‌تر کند؛ زیرا اولاً پاسخگو برای اثبات این باور زحمتی نکشیده و از طرفی چون از اعتقادات خود پرسشگر استفاده کرده، مورد ردّ وی قرار نمی‌گیرد.

۷. درخواست ارائه دلیل از طرف مقابل

گاهی در جامعه، شبهاتی بدون ارائه دلیل یا با دلایل ناکافی مطرح می‌شود ولی به جهت تبلیغات گسترده یا دیگر روش‌های اثرگذاری، از مقبولیت زیادی برخوردار می‌گردد، قرآن کریم بارها این‌گونه شبهات را مورد انتقاد قرار داده و از طراحان آن؛ جهت اثبات مدعیانشان درخواست دلیل می‌کند.

یکی از ادعاهای بی‌اساس یهودیان و مسیحیان در صدر اسلام این بود که: هیچ‌کس

جز یهودی و مسیحی وارد بهشت نخواهد شد و دین حق؛ دین آنها است. خداوند به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «ای پیامبر! به آنها بگو هر ادعایی دلیلی می‌خواهد چنانچه در این ادعا صادق هستید، دلیل خود را بیاورید» (بقره: ۱۱۱).

بله! در سطح جامعه یا حتی در برخی از مجامع علمی؛ ادعاهای زیادی مطرح می‌شود که دلیلی برای آن ارائه نمی‌شود و گاهی آن چنان در اثر تبلیغات فریبنده جای خود را در اذهان مردم یا حتی دانشمندان باز می‌کند که گویا جهت اثبات آن؛ هیچ نیازی به دلیل نیست!

قرآن کریم با توجه به همین شیوه؛ دربارهٔ مشرکان می‌فرماید: «آیا آنها معبودانی جز خدا برگزیدند؟! بگو: دلالتان را بیاورید! این سخن کسانی است که با من هستید و سخن کسانی [پیامبرانی] است که پیش از من بودند!»

اما بیشتر آنها حق را نمی‌دانند و به همین دلیل (از آن روی گردانند) (انبیاء: ۲۴)*. بله! آن قدر پرستش‌بها در جامعه و بین عموم مردم و خواص رواج پیدا کرده بود که کسی برای پرستش آنها دلیل و برهان نمی‌خواست، بلکه پیوسته برای پرستش خداوند یکتا و بی‌نیاز، دلیل می‌خواستند!

روش پیش گفته؛ یعنی درخواست ارائهٔ دلیل از طرف مقابل، مشهور به روش «منع با ذکر دلیل» است. علامه طباطبایی در توضیح این روش ذیل آیهٔ اشاره شده می‌گویند:

قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مِّنْ مَّعِي وَ ذِكْرٌ مِّنْ قَبْلِي؛ از قبیل منع با ذکر دلیل است و این منع با سند، خود یکی از اصطلاحات فن مناظره است و حاصل معنای آن این است شخصی از طرف مناظره خود که مدعی است، دلیل بخواهد و در ضمن بگوید من از اینکه از تو دلیل می‌خواهم به‌خاطر این است که خودم دلیلی بر خلاف ادعای تو دارم (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۸۵).

منطق دانان؛ برای ردّ یک نظر و استدلال چند مرحله بیان کرده‌اند؛ اول آن که

* «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مِّنْ مَّعِي وَ ذِكْرٌ مِّنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهَيْمٌ مُّعْرَضُونَ». همچنین نمل، ۶۴؛ قصص، ۷۵ از چنین روشی استفاده شده است.

جواب دهنده در صغرا یا کبرای دلیل مناقشه کرده و آن را قبول نکند، به چنین روشی اصطلاحاً «منع» گفته می‌شود.

در مرحله بعد؛ مستدل، از مثال نقض استفاده می‌کند و ضعف استدلال را این‌گونه بیان می‌کند که دلیل ارائه شده در مثال یا مثال‌های مشابه جاری نمی‌شود، پس دلیل نقض می‌شود.

در سومین مرحله برای ابطال استدلال ارائه شده، دلایل مخالف اقامه می‌کند که به این روش چند مرحله‌ای: منع، نقض و اقامه دلیل؛ «معارضه یا منع با ذکر دلیل و سند» گفته می‌شود (ر.ک: بقره: ۱۱۱؛ انبیاء: ۲۴؛ نمل: ۶۴؛ قصص: ۷۵).

۸. الزام طرف مقابل به لوازم کلامش

از تاریخ زندگی یهودیان، چنین استفاده می‌شود که خود را نژاد برتر دانسته و چنین باور داشتند که گل سر سبد جامعه انسانیت‌اند! آنان معتقد بودند بهشت برای آنان آفریده شده! و در آتش جهنم جز چند روزی معذب نمی‌شوند! (آل عمران: ۲۴)*.

می‌گفتند: ما فرزندان خدا و دوستان خاص او هستیم. این خود خواهی ابلهانه در آیات مختلفی از قرآن که سخن از یهود است، منعکس شده و قرآن مجید پاسخ دندان‌شکنی به آنان می‌دهد و می‌فرماید: «بگو: اگر آن (چنان که مدعی هستید) سرای دیگر در نزد خدا، مخصوص شماست نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می‌گویید!» (بقره: ۹۴).** قرآن کریم در این شیوه پاسخ‌گویی، برخی از لوازم کلام اهل کتاب را تذکر می‌دهد:

* «ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ وَ غَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ».

** «قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ». همچنین در: جمعه، ۶، در برابر توهم یهودیان می‌فرماید: «قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» و خود در جواب می‌فرماید: «وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ».

کسانی که دوست خدا و جزء اولیاء او هستند، آرزوی دیدارش را داشته و تمنای وصالش را در ذهن می‌پرورند، اما شما ای اهل کتاب! چرا این قدر به زندگی دنیا چسبیده‌اید؟! چرا از مرگ وحشت دارید؟ این که آرزوی مرگ نمی‌کنید و از آن فرار می‌کنید، دلیل بر این است که در ادعای خود صادق نیستید. اگر واقعاً اهل بهشتید و جزء اولیای الهی هستید؟ تمنا و آرزوی مرگ کنید تا به بهشت الهی برسید!

۹. مقایسه و ترجیح

این روش اثر فراوانی در ذهن مردم دارد به طوری که به خوبی می‌تواند با این گونه پاسخ‌ها؛ رابطه برقرار کرده و مطلب مورد نظر را درک کنند. قرآن کریم بارها از این گونه مقایسه‌ها در جهت بیدار کردن عقل و فطرت مردم استفاده کرده است.

۱۳۵



پس‌خوبی به سؤالات از منظر قرآن کریم (مبانی، اهداف، شیوه‌ها و نمونه‌ها)

وقتی خداوند می‌خواهد برتری مؤمنان بر کفار و منافقان را توضیح و تبیین کند، به مقایسه بین آنان می‌پردازد: «آیا کسی که دلیل روشنی از سوی پروردگارش دارد، همانند کسی است که زشتی اعمالش در نظرش آراسته شده و از هوای نفسشان پیروی می‌کنند؟!» (محمد: ۱۴)*.

گروه اول؛ در مسیر خود از شناخت صحیح و یقین و دلیل و برهان قطعی برخوردارند، راه و هدف خود را به روشنی می‌بینند و به سرعت پیش می‌روند.

اما گروه دوم؛ گرفتار سوء تشخیص، عدم درک واقعیت و تاریکی مسیر و هدف شده، در ظلمات اوهام سرگردانند، چرا که هوا و هوس پرده بر روی عقل و فکر انسان می‌افکنند، زشتی‌ها را زیبا و زیبایی‌ها را زشت نشان می‌دهد، آن چنان که گاهی به اعمال شرم‌آور و ننگین خود فخر و مباهات می‌کنند.

حال با کنار هم گذاشتن این دو گروه و مقایسه بین آنها، به خوبی تفاوت‌های آنان و ترجیحی که در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود، خود را نشان می‌دهد. در آیه دیگر که

* أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ».

در صدد نشان دادن پوچی و باطل بودن اعتقاد به وجود شریک برای خداوند است چنین می فرماید: «بگو: آیا هیچ یک از معبودهای شما، به سوی حق هدایت می کند؟! بگو: تنها خدا به حق هدایت می کند! آیا کسی که هدایت به سوی حق می کند برای پیروی شایسته تر است، یا آن کس که خود هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می شود، چگونه داوری می کنید؟!» (یونس: ۳۵).*

در این آیه مبارکه با مقایسه بین کسی که به سوی حق و حقیقت هدایت می کند با شخصی که خود محتاج هدایت دیگری است؛ به راحتی انسان ها را به این نتیجه رهنمون می کند: «آن شخص که هدایت می کند شایسته پیروی است»؛ لذا در پایان آیه با بیانی توییح آمیز و سرزنش بار می گوید: شما را چه می شود؟ چگونه قضاوت می کنید؟!*

استفاده از روش مقایسه و ترجیح در این آیه به خوبی آشکار است. در آیه دیگر دوباره مردم را به فطرت شان ارجاع می دهد و از آنان می خواهد به مقایسه ای که می کند توجه کرده و قرآن را در نتیجه ای که می گیرد همراهی کنند. خداوند می فرماید: «آیا کسی که با ایمان باشد همچون کسی است که فاسق است؟! نه، هرگز این دو برابر نیستند» (سجده: ۱۸).**

در تمام این آیات؛ گویا سؤالی در تقدیر است که جهت پاسخ به آن؛ ابتدا مقایسه ای آشکار صورت می گیرد و سپس عقول و فطرت مردم را در برابر آن قرار می دهد و در نهایت مردم را به ترجیح آنچه برتر است، رهنمون می کند.

* «قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُوا قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ».

** «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ».

۱۰. پاسخ‌گویی فعال

جبهه مؤمنان؛ پیوسته در حال پاسخ‌گویی به شبهات‌اند و طرف‌های مقابل نیز به علت عدم پایبندی به اصول و مبادی اخلاقی، چه بسیار که شبهات خود را آغشته به دروغ و تهمت می‌کند تا به گمان خود، نتیجه بهتری بگیرند.

در این صورت است که معمولاً؛ پاسخ‌گویان جبهه حق، تمام وقت و نیروی خود را؛ در مسیر پاسخ‌گویی به کار می‌برند اما چیزی که پایان نمی‌یابد، شبهات است و تهمت‌ها و دروغ‌ها!

پاسخ‌گویی در قرآن کریم اهمیت زیادی دارد؛ اما پاسخ‌گویی قرآن؛ از نوع پاسخ‌گویی فعال است. در پاسخ‌گویی منفعل - که در مقابل پاسخ‌گویی فعال قرار دارد - تمام تلاش بر این است که به اتهامات و شبهات طرف مقابل پاسخ داده شود، ولی در روش فعال، در کنار پاسخ‌گویی؛ مطالب و مسائلی مطرح می‌شود تا طرف مقابل را به قول معروف؛ خلع سلاح کرده و از موضع پرسشگری و القاء شبهات، یک قدم عقب رانده و او را در مقام پاسخ‌گویی به عقاید و نظراتش قرار دهد.

در این روش، پاسخگو، غیر از آن که به شبهات طرف مقابل پاسخ می‌دهد، تناقضات، اشکالات و سؤالاتی که بر طرف مقابل وارد می‌شود را نیز مطرح می‌کند تا از موضع انفعالی به موضع فعال تغییر حالت دهد.

این روش پاسخ‌گویی فعال را می‌توان به خوبی در برخی از آیات قرآن دید. وقتی یهودیان از ایمان آوردن به پیامبر اسلام ﷺ سرباز زدند، قرآن کریم در کنار بیان دلایل حقانیت پیامبر اسلام ﷺ، به یکی از تناقضات رفتاری آنان اشاره می‌کند تا آنان را به موضع پاسخ‌گویی بکشاند؛ البته تناقض و پرسشی که در قرآن مطرح می‌شود، بدیهی است که جوابی جز سرافکنندگی برای یهودیان ندارد.

قرآن می‌فرماید: «و هنگامی که به آنها گفته شود: «به آنچه خداوند نازل فرموده،

ایمان بیاورید!) می‌گویند: «ما به چیزی ایمان می‌آوریم که بر خود ما نازل شده است» و به غیر آن، کافر می‌شوند در حالی که حق است و آیاتی را که بر آنها نازل شده، تصدیق می‌کند. بگو: اگر (راست می‌گویید و به آیاتی که بر خودتان نازل شده) ایمان دارید، پس چرا پیامبران خدا را پیش از این، به قتل می‌رسانید؟!» (بقره: ۹۱).*

حرف قرآن این است: اگر به پیامبران‌شان ایمان داشتند، چرا آنان را به قتل رساندند؟ این سؤال مهم؛ تناقض آشکار بین ادعاها و کردار یهود را به خوبی نشان می‌دهد.

اثر این گونه پاسخ‌گویی به مراتب؛ بیشتر از پاسخ‌گویی منفعلانه است، به طوری که هم تزلزل بیشتری در طرف مقابل ایجاد کرده و هم در بین مؤمنان و مسلمانان؛ فضایی ایجاد می‌کند تا پیوسته به شبهات طرف مقابل با دید تردید و انکار نگاه کنند.

۱۱. مناظره

یکی دیگر از روش‌های پاسخ‌گویی که مورد تأیید و تأکید قرآن کریم واقع شده است، «مناظره» است. ** آیه ۱۲۵ سوره نحل می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...»؛ (نحل: ۱۲۵)؛ «ای پیامبر! با سه قید «حکمت»، «موعظه» و «مجادله»، که همه مربوط به نوع سخن گفتن است، دعوت نما!»، پس پیامبر ﷺ مأمور شد که به یکی از این سه طریق دعوت کند که هر یک، روشی مخصوص است، هر چند که جدال به معنای اخصش دعوت به شمار نمی‌رود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۵۳۳) و روشی جهت پاسخ‌گویی است (مظفر، ۱۳۷۵، ص ۳۴۸)

در این آیه؛ سه طریقی که خداوند برای دعوت بیان کرده با همان سه طریق منطقی؛

* «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَ يَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».

** علامه مجلسی فصلی را در بحار الانوار به بیان احتجاجات خداوند در قرآن کریم اختصاص داده است. نک: بحار الانوار، ج ۹، ص ۲، باب احتجاج الله تعالی علی أرباب الملل المختلفة فی القرآن الکریم.

یعنی برهان و خطابه و جدل منطبق می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۵۳۴)، بنابراین می‌توان واژه جدل را در این آیه، به مناظره (جدل به معنای اخص که جهت پاسخ‌گویی بکار گرفته می‌شود) تفسیر کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۵۶)، موضوعی که در بین لغت‌شناسان نیز مورد تأیید قرار گرفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۱، ص ۱۰۵).

این مرحله؛ در مقابل کسانی است که ذهن آنها قبلاً از مسائل نادرست پر شده و باید از طریق مناظره با آنان وارد شد. در قرآن مناظرات متعددی بیان شده، مناظره حضرت ابراهیم علیه السلام با نمرود (انبیاء: ۶۳؛ بقره: ۲۵۸) و مناظره حضرت موسی علیه السلام با فرعون (طه: ۵۰)، از جمله آنهاست.

۱۳۹



پاسخگویی به سؤالات از منظر قرآن کریم (مبانی، اهداف، شیوه‌ها و نمونه‌ها)

۱۲. مباحله

«مباحله» در لغت از ماده «بهل» (بر وزن أهل) به معنای رها کردن و قید و بند را از چیزی برداشتن است و به همین جهت هنگامی که حیوانی را به حال خود واگذارند تا نوزادش بتواند به آزادی شیر بنوشد، به او «باهل» می‌گویند و «ابتهاال» در دعا به معنای تضرع و واگذاری کار به خدا است و در اصطلاح؛ از نظر مفهوم متداول که از آیه مباحله گرفته شده، مباحله به معنای نفرین کردن دو طرف به یکدیگر است، بدین ترتیب که افرادی که با هم درباره یک مسئله مهم مذهبی گفت و گو دارند و در مباحث علمی به توافق نرسیده‌اند؛ در یک‌جا جمع شده و به درگاه خدا تضرع می‌کنند تا از او بخواهند که دروغ‌گو را رسوا سازد و بدین وسیله حق را آشکار کند. اگر چه مباحله روش عملی برای اقناع دشمنان لجوج است،* ولی می‌توان از آن به‌عنوان آخرین روش پاسخ‌گویی و مُجاب کردن طرف مقابل نام برد.

* از برخی روایات استفاده می‌شود، وقتی که طرف مقابل؛ لجاجت کرده و از هیچ راهی قانع نمی‌شود؛ می‌توان با او مباحله کرد. نک: أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۳۲.

اگر کسانی که در مقابل جبهه حق قرار گرفته‌اند، بر گمراهی خود پافشاری کنند و از راه منطقی و گفتار و مناظره، پذیرای حق نباشند، در آخرین مرحله می‌توان از مباحله استفاده کرد. در سوره آل عمران در این باره می‌فرماید:

هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود آن گاه مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم (آل عمران: ۶۱)*.

آنچه که بیان شد روش‌های قرآن کریم در پاسخگویی است که در پس هر کدام حکمتی نهفته است. قرآن کریم می‌توانست در مقابل پرسش انسان موضع سلبی بگیرد و سؤال را ناشی از عدم اعتقاد یا سست ایمانی فرض کند. اما شیوه‌های مطرح شده در این نوشتار نشان می‌دهد که صاحب کتاب، چگونه حکیمانه با پرسش‌ها برخورد می‌کند و از این شک و وهم راهی به سوی سعادت و کمال باز می‌کند. این شیوه‌ها نشان از شناخت کاملی است، بیان‌کننده آن از انسان به‌عنوان پرسش‌گر دارد. پاسخگویان اگر بخواهند به درستی پاسخ دهند باید این ظرافت‌ها را در نظر بگیرند. البته شیوه‌های پاسخگویی در سیره و سنت اهل بیت علیهم‌السلام هم که خود تفسیر و تطبیق و بسط شیوه‌های قرآنی است در جای خود قابل پیگیری است.

* «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبَاءَنَا وَآبَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ».

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

** نهج البلاغه (صبحی صالح)؛ ط ۱، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
۲. دوانی، علی، مهدی موعود (ترجمه جلد های ۵۱ تا ۵۳ بحار الانوار)، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
۳. شیخ صدوق، توحید، قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۳۹۸ ق.
۴. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۵. طیب، سید عبدالحسین، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸.
۶. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۷ ق.
۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۸. مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی (منطق - فلسفه)، تهران: صدرا، ۱۳۷۷.
۹. مظفر، محمدرضا، المنطق، قم: اسماعیلیان، ۱۳۷۵.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.



The Quarterly Journal
Motaleate Shobhepajouhi
Vol. ۱/issu. ۲/ Spring ۲۰۲۳

Personality Determinants of Doubt-raisers and Carriers of Doubts in the Theoretical Paradigm of Islam

Received date: ۲۰۲۲.۰۶.۲۶ Accepted date: ۲۰۲۲.۰۸.۲۰ **Faranak Bahmani** *

—————**Saeed Bahmani** **

Abstract

The current society requires teachings that provides the ground for avoiding doubts and disbelief towards deceptive informations presented by doubt-raisers, so simply recognizing the doubts and responding to them is insufficient in protecting society from the onslaught of doubts. These teachings play a preventive role in safeguarding people against doubts and skepticism towards the valuable beliefs. For this purpose, the current research has been carried out with the aim of explaining the personality determinations of doubt-raisers and bearers of doubt in the theoretical paradigm of Islam. The method of this research is descriptive-analytical and is practical in terms of type and purpose. The research data was collected through document review and analyzed with a qualitative approach. The Holy Qur'an have been used as the primary source and narrations, those are related to the research purpose, have been served as explanatory and supplementary sources of the research. The findings indicate that howbeit Islam defends scientific debate and logical and logical questioning, it tries to identify doubt-raisers and doubters, and with this strategy, it fundamentally makes Muslims and believers distrust these groups.

Keywords: Doubt, Personality Determination, Doubter, Bearer of Doubt, Paradigm of Islam.

*Faculty member of Islamic teachings department in Yasouj University, Yasouj, Iran. E-mail: fbahmani@mail.yu.ac.ir

**Faculty member of the Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.

E-mail: s.bahmani@isca.ac.ir

تحديد خصائص مبدعي الشبهات و حاملها في النموذج النظري للإسلام

* فرانك بهمنی

** سعيد بهمنی

المستخلص

يحتاج مجتمعنا اليوم إلى المعرفة التي توفر الأرضية لتجنب الشبهة والكفر تجاه بيانات المتشككين و مبدعي الشبهات، لذا فإن مجرد معرفة الشبهة والإجابة عليها لن يجعل المجتمع في مأمن من هجمة الشبهات، فهذه المعارف تلعب دوراً وقائياً من ابتلاء الناس إلى الشبهة و الشك في المعتقدات الدينية القيمة. لهذا الغرض تم إجراء هذه الدراسة التي تهدف بيان خصائص مبدعي الشبهات وحاملي الشك في النموذج النظري للإسلام. منهج هذه الدراسة هو الوصفي-التحليلي و تعتبر عملياً من حيث النوع والغرض، وقد تم جمع بيانات الدراسة من خلال المراجعة بالوثائق ومع منهج نوعي. قد استفاد من القرآن الكريم كمجتمع رئيسي للبحث و تم استخدام الروايات المتعلقة بأهداف الدراسة كمصادر توضيحية وتكميلية للدراسة. النتائج تشير إلى أنه على الرغم من أن الإسلام هو مدافع عن المناقشة العلمية والتساؤل المنطقي، إلا أنه يحاول التحديد والتعرف على المشككين ومبدعي الشبهات وحاملها وهذا مستوعب من وراء دلالة الإلتزام الضمني، وبهذه الإستراتيجية تخلق أرضية عدم ثقة المسلمين والمؤمنين بهذه الجماعات. إن إستراتيجية القرآن هي إبعاد الناس عن أجواء الشبهات والمناقشات العديمة الجدوى وغير المثمر.

الكلمات المفتاحية: الشبهة، تحديد خصائص، مبدعي الشبهات، حاملي الشبهات، النموذج النظري للإسلام.

* عضو هيئة التدريس بقسم المعارف الإسلامية في جامعة ياسوج، ياسوج، إيران.

** عضو هيئة التدريس في مركز البحوث للعلوم والثقافة الإسلامية قم المقدسة.

نشریه علمی

مطالعات شبهه‌پژوهی

سال اول، بهار ۱۴۰۱، ش ۲

تعیینات شخصیتی شبهه‌گران و حاملان شبهه در پارادایم نظری اسلام

* فرانک بهمنی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۵ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹

** سعید بهمنی

چکیده

جامعه امروزی نیازمند معارفی است که زمینه اجتناب از شبهات و ناباوری نسبت به داده‌های شبهه‌گران را نیز فراهم آورد، لذا اکتفا کردن به شناخت شبهه و پاسخ‌دهی به آن، یقیناً جامعه را در برابر هجوم شبهات ایمن نمی‌کند، این معارف نقشی پیشگیرانه در ابتلاء افراد به شبهه و تشکیک در باورهای ارزشی را ایفا می‌کنند. بدین منظور پژوهش حاضر با هدف تبیین تعیینات شخصیتی شبهه‌گران و حاملان شبهه در پارادایم نظری اسلام به انجام رسیده است. روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و از نظر نوع و هدف کاربردی است، داده‌های تحقیق از طریق بررسی اسنادی جمع‌آوری و با رویکرد کیفی تحلیل شده‌اند. قرآن کریم به‌عنوان جامعه تحقیق و روایات ناظر به اهداف پژوهش، به‌عنوان منابع تبیینی و تکمیلی پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که اسلام گرچه مدافع بحث علمی و پرسشگری منطقی است، لکن به دلالت التزامی سعی در شناسایی شبهه‌پردازان و شبهه‌پذیران دارد و با این راهبرد زمینه عدم اعتماد مسلمین و مؤمنین را به این گروه‌ها ایجاد می‌کند. استراتژی قرآن این است که افراد از فضای شبهات و مجادلات بیهوده و بی‌نتیجه دور شوند.

واژگان کلیدی: شبهه، تعیینات شخصیتی، شبهه‌گر، حامل شبهه، پارادایم اسلام.

* عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. fbahmani@mail.yu.ac.ir

** عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم. s.bahmani@isca.ac.ir

مقدمه

یکی از مهمترین مسائل در کشورهای اسلامی تنقیح گزاره‌های دینی و رفع و دفع شبهات در جامعه است؛ زیرا مطابق بیانات رهبر معظم انقلاب «نقشه دشمن این است که جوانان ما را، مردم ما را در بخش‌های گوناگون دچار خلل در عزم و اراده کند؛ نقشه اساسی دشمن این است؛ تردید افکنی در ایمان مردم و در عزم راسخ مردم؛ یعنی همان دو عنصری که عرض کردم؛ دو کلیدواژه ایمان و غیرت دینی. تردیدافکنی در ایمان و غیرت دینی مردم آن چیزی است که دشمن دنبال آن است؛ می‌دانند که اگر چنانچه این اتفاق افتاد، قدرت تهاجمی و حتی قدرت دفاعی جمهوری اسلامی هم تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و از بین خواهد رفت؛ لذا دارند توطئه می‌کنند» (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸) و بر جامعه فرهیخته است که نهایت تلاش خود را برای رفع و دفع شبهه بکار گیرند.

مقابله با شبهه به درگام اول با پیشگیری و درگام دوم درمان بیماری است. پیشگیری و درمانگری نیز، ابعاد مختلفی دارد و سلسله‌ای از اقدامات شکلی و محتوایی را در تعامل با شبهه‌گران و حاملان شبهه طلب می‌کند که ناشی از شبهه‌شناسی، شخصیت‌شناسی ابرازکننده شبهه، تعینات اجتماعی شبهه، روش ابراز شبهه و مانند آن است. در این میان، بررسی و تبیین تعینات شخصی شبهه‌گران و حاملان شبهه؛ یعنی اشخاص نیازمند اصلاح و درمان، جایگاه ویژه‌ای دارد. شخصیت شبهه‌گر یا حامل شبهه، در شکل‌گیری، ابراز و نشر شبهات غیرقابل انکار است. بدون شخصیت‌شناسی آنان نمی‌توان انتظار داشت پاسخ یا تعاملی مؤثر و مناسب تدارک گردد. شخصیت‌شناسی شبهه‌گران و حاملان شبهه، موجب می‌گردد رموز دلایل شبهه‌سازی و شبهه‌پذیری بازگشایی گردد و زمینه پاسخ‌دهی و تعامل هوشمندانه، مناسب و مؤثرتر فراهم شود، از سوی دیگران شناخت مولفه‌های شخصیتی شبهه‌گران و ارائه آن به عموم

جامعه، زمینه احتیاط و پیشگیری از پذیرش شبهات این افراد را فراهم می‌آورد.

پیشینه پژوهش: مقالات بسیاری در حوزه شبهه مورد بررسی قرار گرفت از جمله مقاله «بایسته‌های شبهه‌پژوهی و شبهه‌شناسی» نوشته محمد رضا کدخدایی که ابتدا به تفکیک پرسش از شبهه پرداخته است سپس مغالطه‌های ذاتی و عرضی را به‌عنوان مهمترین راهبردهای شبهه‌سازی و شبهه افکنی مورد بررسی قرار داده‌است. خانم زهرا اخوان صراف در مقاله «بازتقریر تحلیلی بمثابه استدلال عقلی به جای آزمون تجربی (شبهه‌شناسی در زمینه اعجاز قرآن)» به این حقیقت پرداخته است که غرض از تحلی قرآن این است که با اذعان آوری مخاطبان به عجز خویش از مانند‌آوری برای قرآن و قرارداد این اعتراف در مقدمه برهان عقلی، در صدد است برای مخاطب خود آشکار سازد که قرآن کتابی غیر بشری است. مقالات «شیوه‌شناسی پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات دینی» رضا محمدی؛ «مسائل اعتقادی و شبهه‌شناسی» سید حسن افتخار؛ «بررسی شبهه اخلاقی سلب کرامت زنان در صدر آیه ۲۴ سوره نساء» آقای سید احمد هاشمی علی‌آبادی؛ «شبهه تحریف» محمد هادی معرفت؛ و «اهمیت تعامل و گفتگوی فرهنگی در منظر اسلام» مهسا فاضلی نیز چند نمونه از دهها مقاله‌ای است که محقق مورد بررسی قرار داده است، لکن هیچ کدام از پژوهش‌های موجود به مسئله تعیینات شخصی شبهه‌گران و شبهه‌پردازان نپرداخته‌اند، در حالی که شناخت مخاطب علاوه بر توانایی تمیز میان شبهه‌گر و مستفهم، یکی از اصول ساماندهی شبهه و پاسخ‌دهی به آن است.

الف) مفهوم‌شناسی

۱. تعیینات

مخصوص شدن چیزی (رک: صفی پور شیرازی، ۱۳۹۰ ذیل کلمه «عین»). مخصوص شدن چیزی در میان چیزهای دیگر (رک: جرجانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۶۲). به معنای

تشخص است (رک: التهانوی، [بی‌تا]). آنچه چیزی بدان از دیگر چیزها ممتاز شود (رک: جرجانی، ۱۴۰۵). تعین علیه الشی، لازم شد بر وی بعینه (رک: صنفی‌پور شیرازی، ۱۳۹۰، ذیل کلمه «عین»؛ ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۳۰۹) (ا) حصه و بهره و هر چیز مخصوص به کسی، تعینات. [ت ع ی ی] (ا) چیزهای مخصوص و حصه‌ها و بهره‌ها. حق خدمت و حق زحمت و خدمت و منصب (نفیسی، ۱۳۵۵، ذیل کلمه «عین»).

معنای اصطلاحی تعین، در فلسفه و کلام به معنای امری است که یک شیء با آن از سایر اشیاء (موجودات) متمایز می‌گردد، به گونه‌ای که دیگر اشیا در آن امر با او هیچ گونه اشتراکی ندارند (الشیرازی، ۱۹۸۱، ج ۲، ص ۱۵؛ فارابی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۴۳). به عبارت دیگر، به امتیاز و تمیز یک موجود از سایر موجودات، تعین گفته می‌شود. لفظ تشخص و تعین، گاهی به جای یکدیگر مانند دو کلمه مترادف به کار رفته است. حکیمان و متکلمان، تعین را اغلب در مباحث مرتبط به ماهیت آورده‌اند و در ثبوتی، وجودی، سلبی یا عدمی بودن تعین بحث کرده‌اند (رک: فخررازی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۷۴).

در نهایت انحای تعین را بدین گونه می‌توان طرح کرد، تعین گاهی عین ذات است، مانند: تعین واجب الوجود که به جهت ذات خویش از غیر خود ممتاز است و گاهی امری زائد بر ذات متعین است، مانند: امتیاز نویسنده از بی‌سواد، و گاهی به واسطه عدم حصول یک امر برای موجود، متعین است، مانند: امتیاز بی‌هنر از هنرمند به واسطه نداشتن هنر. بدین ترتیب، تعین زائد گاهی به واسطه امری وجودی، گاهی عدمی و گاهی مرکب از وجودی و عدمی است. تعین‌هایی که زائد بر ذات شیء متعین اند، از عوارض ماهیت آن نیستند، بلکه مربوط به وجود آن شیء‌اند، حتی امور عدمی نیز به سبب برخی از انتزاع‌های وجودی امتیاز می‌یابند و عدم ملکه به تبع ملکه، ممتاز می‌گردد (رک: الشیرازی، ۱۳۳۷، ج ۲، ص ۱۵-۱۶).

۲. شبیه

شُبّه بر وزن «فُعَلَّة» است. اهل لغت آن را «التباس» معنی کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۵۰۳). به نظر می‌رسد این معنی با توجه به اثر آن است. زیرا شبیه به مقداری از شباهت اطلاق گردیده که به‌طور معمول سبب التباس و اشتباه می‌شود. ارکان شبیه عبارت‌اند از: ۱. حقیقت ۲. مشابه حقیقت ۳. میزانی از مشابهت به حقیقت که سبب خطا گردد. نکته قابل تأمل در تعریف شبیه این است که همواره ارتباطی با حقیقت دارد. به‌طور کلی، تا حقیقت و میزان قابل توجهی از مشابهت باطل با حقیقت نباشد، شبیه شکل نمی‌گیرد.

۱۴۹



مقابل شبیه «یقین» است، به معنای جزم مطابق با واقع، به‌گونه‌ای که جهل در آن راه نداشته باشد. چنین معرفتی تردید پذیر نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ص ۳۵۱). دفع و رفع شبیه در مطلوب‌ترین شکل آن به حالتی در انسان منجر می‌شود که یقین نام دارد.

تعریف اصطلاحی شبیه: هر اشکال، پرسش یا ابهامی که در برداشت‌ها، تحلیل‌ها، تصمیمات و رفتارهای مرتبط با سعادت فرد یا جامعه منشأ خطا و اشتباه در شناخت حق از باطل گردد. شبیه نامیده می‌شود. فرق میان سؤال و شبیه نیز بر اساس هدف و حالت طرح مسئله تبیین شده است. هدف از سؤال، کشف حقیقت است اما هدف از شبیه ایجاد تردید در حقیقت است، اغلب پرسشگر چون به جهل خود واقف است، پرسشگری با ادب صورت می‌پذیرد، اما بیان شبیه همراه با طعن، توهین، تمسخر، تشکیک و ابرام و تاکید بر آن است.

تعریف فوق از سؤال و شبیه منحصرأ معطوف به مواردی است که با ابزار گفتار بیان شده است؛ در حالی که ابزار شبیه فراتر از گفتار است. از این‌رو، لازم است در تعریف شبیه به این نکته توجه شود که ابزار آن را در گفتار منحصر نسازد؛ زیرا بسیاری شبهات

با ابزاری غیر از گفتار ابراز می‌شوند. با این وصف، تعریف صحیح‌تر شبهه به این شرح است: هر پیام مشتمل بر دستگاهی شبه استدلالی که در آن یکی از باورها و بنیادهای اعتقادی یا تعالیم عملی دین مورد خدشه قرار گیرد، یا منشأ خطا و اشتباه در شناخت درست آنها و هر حقیقتی شود. راز اینکه شبهه می‌تواند منشأ اشتباه در شناخت حق یا عامل خدشه در بنیادهای اعتقادی و تعالیم عملی شود، شباهت آن به حق است؛ زیرا همانگونه که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «لأنها تشبه الحق» (رک: سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۸۱).

اما واژه‌های هم‌خانواده شبهه در قرآن کریم در سه معنی به شرح زیر به کار رفته‌اند:

الف) «متشابه» به معنی نظیر و مماثل، واژه متشابه در برخی آیات به معنی نظیر و مماثل به کار رفته است که بیان‌کننده سطح بالای مشابَهت است. به گونه‌ای که رابطه میان دو متشابه، این همانی است. «وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا»؛ (بقره: ۲، ۲۵)؛ «اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا...»؛ (زمر: ۳۹ و ۲۳)؛ «وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ»؛ (انعام: ۶ و ۹۹)؛ «وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ» (انعام: ۶ و ۱۴۱).

ب) «تشابه» به معنی اشتباه و التباس، به کارگیری ماده تبیین در کنار مفهوم تشابه بیانگر این است که تشابه در تقابل با تبیین است. «قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ»؛ (بقره: ۲ و ۷۰)؛ «وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ...»؛ (بقره: ۲ و ۱۱۸)؛ «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ»؛ (نساء: ۴ و ۱۵۷)؛ «أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ»؛ (رعد: ۱۳ و ۱۶). از این رو، رفع تشابه نیازمند تبیین است.

ج) «متشابهات» در معنای صاحب وجوه و معانی متعدد، این اصطلاح در علوم

قرآنی نیز مصطلح است، و به آیاتی متشابه گفته می‌شود که برخی عبارات آن در معانی غیرقابل قبول، ظهور دارد. معنای صحیح آیات متشابه با ارجاع و استفاده از آیات محکمت، معلوم می‌گردد. به عبارت دیگر تفسیر متشابهات بدون توجه به محکمت نادرست است. قرآن کریم می‌فرماید: «مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ»؛ (آل عمران: ۷) ذیل آیه که به تبیین خصلت و انگیزه پیروان متشابه می‌پردازد نشان‌دهنده نقش تعیین‌کننده و مؤثر خصلت‌ها و عوامل درونی در استقبال از متشابهات و پیروی از آن است.

معنی مورد نظر ما از واژه «شبهه» با معنی واژه متشابه نزدیک است. اساساً متشابهات خود منشاء بسیاری از شبهات‌اند (رک: جوادى آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۵۰). معنی واژه‌های قرآنی متشابه (اسم)، تشابه (فعل)، شبه (فعل) و متشابهات تأیید می‌کند که شبهه به میزانی از مشابهت اطلاق می‌شود که سبب اشتباه در تشخیص شود.

۳. شبهه‌گر

واژه شبهه‌گر ترکیبی از واژه «شبهه» و پسوند «گر» به معنی گار است. این واژه مرکب در لغت‌نامه‌ها نیامده است؛ بلکه هر یک از اجزاء «شبهه» و «گر» به تنهایی معنی شده‌اند. به هر حال، این ترکیب صفت فاعلی است. صفت فاعلی از ترکیب (بن ماضی یا بن مضارع یا اسم + گر) مانند رفتگر یا توانگر ساخته می‌شود. صفت فاعلی نشان می‌دهد موصوف، کننده کاری یا دارنده حالتی است. معمولاً صفاتی که به این پسوند ختم می‌شوند، معنی مبالغه را می‌رسانند. «گر» در غیر اسم معنی، شغل را می‌رساند، مانند: آهنگر و در این صورت صفت فاعلی نخواهد بود. واژه مرکب «أهل الشبهة» که در برخی روایات به کار برده شده (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۱۷۲، ح ۲۷)، معادل عربی صفت فاعلی شبهه‌گر است.

۴. پرسش گر

واژه «پرسش گر» مرکب از «پرسش» و «گر» است. با توجه به آنچه گفته شد، «پرسش گر»؛ یعنی «پرسش کننده». پرسش گر محدودیت آگاهی خود را با پرسش برطرف می کند، خواه پرسش به جهت کنجکاوی مطرح شود یا برای رفع شبهه باشد. «پرسش گر» قصد ایجاد خدشه و اختلال در درک و تبیین حقیقت را ندارد، هدف وی استفهام، رفع جهل و توسعه دانش است، نشر و گسترش شبهه و پافشاری برآن، آن گونه که در شبهه گران مشاهده می شود، مقصود شبهه گر نیست.

ب) عناصر شخصیتی شبهه گران

مراجعه به قرآن و بررسی آیات آن بیانگر این حقیقت است که پیام اصلی بسیاری از آیات، تحلیل عناصر شخصیتی شبهه گران و معرفی آنان به مردم است. علامه فضل الله معتقد است: گاهی «گفت و گوی» قرآنی به مصور کردن برخی نمونه های شگفت انگیز (مثبت) روی می آورد و در گردش زندگی به آنها پویایی می بخشد، بدین جهت که مردم، در وجدان خویش تصور درستی از آنان بدست آورند و قادر باشند در زندگی و در حیطه رفتار، از آنان پیروی نمایند.

برخی آیات نیز به مصور کردن چهره های شرور و نابکار، می پردازد. در آن جا که سخن پیرامون کشف ابعاد مهم شخصیت و عبرت آموزی از آنان است؛ زیرا شناخت نمونه های پر شمار از چهره های کریه و آشنایی با عناصر و ویژگی های شخصیتی آنان زمینه دوری و اجتناب از آنان در نفس انسان را فراهم می کند و علاوه بر اینکه آدمی قدرت شناخت این افراد و خطرات ارتباط با آنها را بدست می آورد، در مسائل سرنوشت ساز نیز از آنها حذر می نماید (رک: فضل الله، ۱۳۸۰، ص ۱۸؛ فضل الله، ۱۴۰۷، ق، ۱۹ ص - ۲۰). البته کارکرد بیان مؤلفه های شخصیتی افراد در قرآن، فراتر از آن چیزی است که در این عبارت آمده است، بررسی آیات قرآن در حوزه

پاسخ‌دهی به شبهه‌گران گویای این حقیقت است که چگونه مؤلفه‌های شخصیتی بیان‌شده درباره شبهه‌گران، با نحوه پاسخ‌دهی به آنان و نیز اتخاذ شیوه تعامل با آنان ارتباط دارد.

۱. جهل و سطحی‌نگری

یکی از مهم‌ترین معضلات تربیت، این است که فرد یاد نگرفته باشد در آنچه نمی‌داند، اظهار نظر نکند، متأسفانه ادعای همه چیز دانی که ویژگی افراد سطحی، کم‌معرفت و پر مدعا است در جامعه روایح یافته و زمینه ترویج و اشاعه شبهات را بیش از پیش، توسط این افراد ممکن ساخته است. جهل و سطحی‌نگری از دو جهت در ایجاد و

۱۵۳

ترویج شبهه، تأثیر گذار است، اول آنان که متعمدانه در صدد مقابله با حق هستند، چون باطل را حق و حق را باطل می‌بینند، دوم افراد بی‌غرض لکن جاهلی که دشمن نیستند اما به غلط، مدعی دانایی‌اند و به سادگی فریب می‌خورند و چون مدعی هستند برای حفظ وجهه خود بر آنچه به غلط درست می‌پندارند، ابرام و اصرار می‌کنند که صحیح است بدون آنکه برای کشف حقیقت در پی طی مسیر صحیح معرفت‌افزایی باشند. قرآن در آیات متعدد این واقعیت را گوشزد می‌نماید «إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ...»؛ (غافر: ۵۶) مجادله بدون برهان «بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ»؛ «لَخَلِقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرَ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (غافر: ۵۷)؛ «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ (بقره: ۳۰) «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ»؛ (حج: ۸).

مطابق قرآن آنان که دچار شبهه‌اند لکن در صدد رفع شبهه هستند با تحقیق و کسب دانایی، از شبهه خارج شده و تسلیم حقیقت می‌گردند؛ لکن آنان که شبهه با جهالت‌شان آمیخته گردیده در صدد کشف حقیقت نیستند و جاهلانه در پی اثبات سخن



خویش با مجادله و مغالطه هستند (رک: طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱، ص ۶۲۸).

۲. تکبر

راغب در مفردات واژه «کبر و تکبر» را این گونه معنا کرده است: کِبْرٌ وَ تَكْبَرٌ وَ استکبار- در معنی به هم نزدیک‌اند، پس کبر حالتی است که انسان با بزرگ دیدن خود نسبت به سایرین، به آن صفت، متصف می‌شود. بدین معنا که انسان وجود خود را از غیر خود بزرگتر و ارزشمندتر می‌بیند (راغب اصفهانی، ۱۳۲۲، ص ۶۹۷). راغب میان کبر و تکبر به نوعی تفاوت قائل است، لذا معانی آنها را نزدیک هم می‌داند و آنها را مترادف نمی‌داند. بزرگانی که کبر و تکبر را متفاوت دیده‌اند، کبر را امر باطنی و حالت نفسانی دانسته‌اند و تکبر را به ثمرات آن امر باطنی، که به صورت افعال و اقوال ظاهر می‌شود، اطلاق کرده‌اند (رک: راغب اصفهانی، ۱۳۲۲، ج ۱، ص ۲۹۹؛ غزالی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۷۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰، ص ۱۹۳؛ نراقی، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۳۸۰).

خداوند در بیان علت کبر و سپس استکبار ابلیس می‌فرماید، ابلیس خود را برتر از سایرین، حتی حضرت آدم علیه السلام می‌دانست که دارای علم تمامی اسماء بود (بقره: ۳۱). از این رو خلافت الهی را شایسته حضرت آدم نمی‌دانست (بقره: ۳۰) و بر این اساس از سجده، اطاعت و پذیرش خلافت آدم امتناع ورزید (اعراف: ۱۲؛ ص: ۷۴ و ۷۶؛ بقره: ۳۴) و هنگامی که با استکبارش نتیجه‌ای جز رانده شدن از درگاه الهی بدست نیاورد به حضرت آدم علیه السلام حسادت ورزید و از خداوند مهلت خواست تا زنده بماند و نعمتی را که با استکبار از دست داده، با گمراه کردن حضرت آدم و فرزندانش، از آنها نیز سلب کند «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (ص: ۸۲) [شیطان] گفت: پس به عزتت سوگند که قطعاً همگی ایشان را گمراه می‌کنم». مجادله ابلیس در تمام این آیات با خداوند متعال منبعث از کبر نفسانی وی بود که در نهایت، موجب تمرد وی شد.

این امر در آیات متعدد دیگری نیز وارد شده است که یک از دلایل انکار حق و مجادله ناصواب، کبر نفسانی است. از جمله: «إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ

سُلْطَانِ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ ...» (غافر: ۵۶) آرزومندی کبری که البته به آن نمی‌رسند، (إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ) و «وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ» (غافر: ۲۷؛ نحل: ۲۲).

۳. انسداد راه‌های معرفت افزایی

اشخاص با تکرار گناه و اصرار بر آن، راه‌های معرفت را بر خویش می‌بندند و مبتلا به انواع شبهه می‌گردند. «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاؤُا السُّوَاىَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ»؛ «سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند!» (روم: ۱۰). در کتب اخلاقی نیز یکی از موانع درک، فهم و کاهش معرفت را اصرار شخص بر انجام گناه بر شمرده‌اند؛ این شیوه، موجب زنگار و تیرگی در قلب می‌گردد، پاکی و نورانیت آن را که لازمه مهم درک و فهم است می‌زداید: درست مانند کثافات روی آینه که مانع پذیرش صورت بر آن می‌گردد (شبر، ۱۳۷۸، ص ۱۰۱).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: بسته شدن راه معرفت سبب وارونگی در فهم است، و در حقیقت انسداد راه فهم و معرفت است. «مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْسَدَ لِلْقَلْبِ مِنْ خَطِيئَةٍ إِنْ الْقَلْبَ لِيَوَاقِعُ الْخَطِيئَةَ فَمَا تَزَالُ بِهِ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَيْهِ فَيَصِيرَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ.»؛ «هیچ چیز برای قلب زیان بارتر از گناه نیست، چه آن که قلب با گناه می‌آمیزد و بر گناه اصرار می‌ورزد تا آن که گناه بر قلب چیره می‌شود و سرانجام آن را وارونه می‌کند» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۶۸)، بدین جهت دیگر امکان درک حقیقت را ندارد و گویی مهر بر دل و گوش او نهاده شده و پرده تاریکی و ضلالت بر چشمش کشیده شده است و مصداق آیه کریمه «خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَ عَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَ عَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً» (بقره: ۷) و «... فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (زمر: ۲۲) گردیده است. لذا قرآن این افراد را نابینا می‌خواند «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ...» (غافر: ۵۸) و به

پیامبر متذکر می‌شود که سخنان تو بر این افراد هیچ تأثیری ندارد «...سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (بقره: ۶).

۴. تذکرناپذیری

تذکر موجب خروج از غفلت و از مهمترین راه‌های هدایت است. یکی از اسامی قرآن که کتاب هدایت بشریت است «تذکره» می‌باشد. «إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ» (انسان: ۲۹) و وظیفه رسولان الهی نیز «تذکر» است، «انما انت مذكر» (غاشیه: ۲۱). انسان همواره در معرض غفلت و فراموشی است و تذکر روشی معرفتی - عاطفی در تحقق فرایند هدایت و معرفت انسان است (رک: فلاح، ۱۴۰۱، ص ۱۳۱). تذکر بر کسانی تأثیر می‌گذارد که علم پیشینی نسبت به آن حقیقت داشته باشند لکن به جهت برخی عوامل دچار غفلت گردیده‌اند یا امر بر آنان مشتبه شده است. «و ذکر به ان تبسل نفس بما کسبت» (انعام: ۷۰) «آنان را به قرآن تذکر ده، مبادا کسی به سبب کردار ناپسند خویش در معرض هلاکت قرار گیرد». لکن شبهه‌گر عامدا درصدد تحریف حقیقت و پوشاندن واقعیت است لذا تذکر تأثیری بر وی ندارد. «وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ» (فاطر: ۳۷)؛ «أَفَمَن يَعْلَم أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (رعد: ۱۹).

اصل اسلامی تذکر راهی برای شناخت کسانی است که درصدد گمراه کردن دیگران هستند، آنان که مدعی تشکیک در اصول و فروع دین هستند با ظاهری حق به جانب، خود را پرسشگر و جستجوگر حق برمی‌شمرند. باید به این افراد تذکر داد اگر تذکر پذیر نباشند، مطابق داده‌های قرآنی نفاق درونی آنان روشن و مبرهن می‌گردد «لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ» (حاقه: ۱۲)؛ «... قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ» (غافر: ۵۸)؛ «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (بقره: ۶) و

چنانچه با دریافت حق، پذیرای آن گردند از این گروه نیستند.

۵. انکار حق

«تکذیب مصدر باب تفعیل از ماده «ک - ذ - ب» به معنای انکار کردن، دروغ پنداشتن چیزی و نسبت دروغ دادن به کسی است.» (رک: ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۵۲). یکی دیگر از ویژگی‌های شبهه‌گران این است که حق را به انحاء مختلف انکار می‌کنند و تسلیم آموزه‌های دینی نیستند، شبهه افکنی آنان گاهی با استفهام انکاری، از طریق استهزا، تمسخر و بعید بر شمردن حقایق مسلم دینی صورت می‌گیرد «فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (انعام: ۵). قرآن کریم این خصلت شبهه‌گران را در آیات متعددی بازگو کرده است «مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرُكَ تَقْلُبُهُمْ فِي الْبِلَادِ» (غافر: ۴)؛ «قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ ...» (انعام: ۵۷)؛ «بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِّنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ * بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيجٍ» (ق: ۲ و ۵).

۱۵۷



تعیینات شخصیتی شبهه‌گران و حاملان شبهه در پارادایم نظری اسلام

خداوند متعال در آیات ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ سوره انعام می‌فرماید: «وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَ لَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبِإِ الْمُرْسَلِينَ * وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ * إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ»؛ (پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند و در برابر تکذیب‌ها صبر و استقامت کردند و [در این راه] آزار دیدند تا هنگامی که یاری ما به آنها رسید [تو نیز چنین باش! و این یکی از سنت‌های الهی است] و هیچ چیز نمی‌تواند سنن خدا را تغییر دهد و اخبار پیامبران به تو رسیده است * و اگر اعراض آنها بر تو سنگین است چنانچه بتوانی نقی در زمین بزنی یا نردبانی به آسمان بگذاری [و اعماق زمین و آسمان ها را جستجو کنی چنین کن] تا آیه

[و نشانه دیگری] برای آنها بیاوری! [ولی بدان که این لجوجان ایمان نمی‌آورند!] اما اگر خدا بخواهد آنها را [به اجبار] بر هدایت جمع خواهد کرد [ولی هدایت اجباری چه سودی دارد؟] پس هرگز از جاهلان مباش* تنها کسانی [دعوت تو را] می‌پذیرند که گوش شنوا دارند اما مردگان [و آنها که روح انسانی را از دست داده‌اند ایمان نمی‌آورند و] خدا آنها را [در قیامت] برمی‌انگیزد سپس به سوی او بازمی‌گردند).

۶. خودداری از ایمان

اضلال کیفی این است که انسان پس از هدایت اولیه الهی و ارسال کتب آسمانی، پیامبران و امامان، باز حق را انکار کند و سلوک الهی را پیشه نسازد، چنین انسانی مشمول اضلال کیفی الهی می‌گردد بدین صورت که از چنین شخصی سلب توفیق می‌شود و رحمت خاص الهی که ویژه صالحان است، شامل وی نمی‌گردد. معنای آیه «يَضِلُّ مَنْ يَشَاءُ» نیز همین است. خداوند متعال فرموده است: «اما آن کس که بخل ورزد و بی‌نیازی طلبد و پاداش الهی را انکار کند، به زودی او را در مسیر دشواری قرار می‌دهیم.» (لیل: ۸-۱۰). واقعیت این است که اشخاص مذکور با اختیار خویش زمینه شقاوت و محرومیت از هدایت را فراهم ساخته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۲۰). بنابراین نه تنها در پی کشف حقیقت نیستند بلکه حتی اگر آن را دریابند به انکار روی می‌آورند و هرگز ایمان نمی‌آورند «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرَفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ»؛ «آیا طمع دارید که [اینان] به شما ایمان بیاورند با آنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند و خودشان هم می‌دانستند» (بقره: ۷۵). «إِنَّ السَّاعَةَ لَأَتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ» (غافر: ۵۹)؛ «وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَأَ يُؤْمِنُونَ»؛ «و شما نمی‌دانید که آنها پس از آمدن معجزات (باز) ایمان نمی‌آورند!» (انعام: ۱۰۹)؛ «وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ

وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ»؛ «و ما دل‌ها و چشم‌های آنها را واژگونه می‌سازیم چرا که در آغاز به آن ایمان نیاوردند و آنان را در حال طغیان و سرکشی به حال خود وامی‌گذاریم تا سرگردان شوند» (انعام: ۱۱۰). «لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ* لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ* إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ» (یس: ۶-۸).

آیات یادشده سنگ بنای تعامل با دارندگان چنین خصلت‌های شخصیتی را استعاذه به خدا دانسته و بدان فرمان می‌دهد که: «فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ»

۷. گمراهی و دشمنی با خدا (انگیزشی)

در قرآن «وَقَالُوا آلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ» (زخرف: ۵۸) جدل: مجادله و مقابله حجت با حجت، شدت خصومت نیز گفته‌اند. خصمون: خصم (بر وزن کتف) مخاصمه‌گر، جمع آن خصمون است (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۴۲) امیرمؤمنان نیز دشمنی با خدا را از عوامل دخیل پافشاری بر گمراهی در مواجهه با شبهه می‌داند: «و إِنَّمَا سَمَّيْتُ الشَّبَهَةَ شَبَهَةً لِأَنَّهَا تَشْبَهُ الْحَقَّ فَمَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ فَضِيائِهِمْ فِيهَا الْيَقِينُ وَ دَلِيلُهُمْ سَمْتُ الْهُدَى وَ أَمَا أَعْدَاءُ اللَّهِ فَدَعَاؤُهُمْ فِيهَا الضَّلَالُ وَ دَلِيلُهُمُ الْعَمَى» (سیدرضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۸۱).

به دیگر سخن، چون دشمنان خدا از نور یقین بی‌بهره‌اند، کوری و ضلالت، آن‌ها را از هر سو فرا می‌خواند و آنها را در بیغوله‌های وحشت‌زای گمراهی به کام حیرت فرو می‌برد، دیگر قادر نیستند حق را درک کنند و بپذیرند. لذا حتی اگر حقیقت بر آنان منکشف گردد از آن روی برمی‌تابند (محمد: ۲۵-۲۶).

۸. اصرار بر پیروی از هوای نفس

اشخاصی که با پیروی از هوای نفس، به پیام‌های الهی بی‌توجهی می‌کنند، نه تنها خویش را از تعلیمات الهی محروم می‌سازند بلکه تحت ولایت شیطان قرار می‌گیرند و جنود و

سربازان او خواهند شد «... وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ...» (انعام: ۱۲۱)؛ «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَائُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ...» (بقره: ۲۵۷).

نظام جهان، نظامی مبتنی بر علت و معلول است و هر پدیده‌ای که صورت می‌پذیرد دارای پیامدی تخلف ناپذیر است. اعمال و کردار انسان نیز از این قاعده مستثنا نیست، و هر رفتار و حرکتی اعم از ذهنی یا عینی دارای نتایج و ثمرات و بازتات خاص مرتبط به خود است، از جمله این که اگر رفتار و اندیشه نیک باشد، نتیجه آن، روشن بینی، توفیق و هدایت به سوی خدا و انجام رفتارهای صحیح است. اگر رفتار و اندیشه تابع زشتی‌ها و گناهان باشد، تاریکی و تیرگی قلب افزون می‌گردد و فرد به سوی گناه سوق داده می‌شود. چنانکه خداوند متعال در آیه ۲۶ سوره بقره، درباره این حقیقت سخن می‌گوید و تبیین می‌نماید که قرآن مایه هدایت یا گمراهی چه افرادی می‌شود: «يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ» ([خداوند] به وسیله قرآن، افراد بسیاری را گمراه و اشخاص بی‌شماری را هدایت می‌کند و البته جز بدکاران را گمراه نمی‌سازد.) همچنین در آیه ۶ سوره صافات فرموده است: «فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ»؛ در آیه ۱۷۵ سوره اعراف نیز درباره مردی از بنی اسرائیل به نام بلعم باعورا می‌فرماید: «وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ» انسان مختار است و چنانچه با تصمیم خویش به سوی پستی متمایل شود و پیرو هوای نفس گردد، مشمول تبعات این انتخاب خواهد شد. «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (بقره: ۱۰) «كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ» (غافر: ۳۴).

ج) حالات شبهه گران

قرآن کریم در برخی آیات به بیان حالات ابرازکنندگان شبهه، از آن جهت که شبهه گران پرداخته است:

«وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقْرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُؤًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ * قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقْرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بَكْرٌ عَوَانَ بَيْنَ ذَلِكَ فافعلوا مَا تُمَرُونَ * قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لُونُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقْرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقْع لُونُهَا تَسْرُ النَّاطِرِينَ * قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقْرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ * قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقْرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتُ بِالْحَقِّ فَذَبْحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ * وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ * فَقُلْنَا اضْرِبُوهَ بَعْضُهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ * ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنْ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنْ مِنْهَا لَمَا يَشَقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنْ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (بقره: ۶۷-۷۴).

در این آیات سخن از کسانی است که به دلیل استتکاف از اجرای فرمان الهی به شبهه پردازی رو آورده اند. اینان بر تبیین جزئی تر مصداق فرمان خدای تعالی اصرار می کنند در حالی که اعتقادی به صحت سخن پیامبر ندارند، لذا با پرسشگری درصدد ایجاد شبهه و رد سخن پیامبر خویش هستند. ادعای عدم وضوح، توجیه گر شبهه آنان در اجرای فرمان الهی و طلبکاری آنان است. سپس قرآن می فرماید درصدد هدایت این افراد نباشید؛ زیرا آنان قصد تحریف حق و شبهه افکنی دارند و در پی کشف حقیقت نیستند «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرَفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (بقره: ۷۵).

د) عناصر شخصیتی افراد شبهه‌پذیر و حاملان شبهه

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «شخصی که در دست کفار یا مشرکان اسیر است و کسی نتوانست وی را نجات دهد و سرانجام به شهادت رسید، هر چند با شکنجه و آزار باشد، طبعاً به بهشت می‌رود. شهید چه چیزی را از دست داده است؟ چند روز زندگی بیشتر در این دنیا و لحظاتی نفس کشیدن را. او نه تنها چندان زیانی نکرده است، بلکه مقامی ارجمند نیز بدست آورده است. لکن شخصی که در باتلاق شبهه‌ها گرفتار شده است و هر لحظه بیم آن می‌رود ایمانش از دست برود، اگر یک قرن نیز در این دنیا زندگی کند، سرانجام به دلیل انحراف اعتقادی، دچار مشکل شده، بدبخت شده و محتمل است به جهنم رود. خوشبختی جاویدان این فرد در سرای دیگر، دچار خطر می‌شود. از دست دادن چند روز از این ایام فناپذیر بهتر است یا باختن آن زندگی طیبه جاوید؟ به همان اندازه که سعادت ابدی ارزشش بیش از زندگی چند روزه این دنیای ناپایدار است، رهایی آن مؤمن از دست شیاطین و شبهه‌افکنان، ثواب بیشتری دارد.» (رک: مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴-۱۳۵).

اگر بزرگی نام و مقام بیان‌کننده این سخنان را ندانیم و از وجوب احترام و فرمان‌برداری امامان نیز غافل باشیم، عبارت بسیار واضح، واجد استدلالی قوی و مقایسه‌ای درخور است و با تأمل در آن، می‌توان پی به اهمیت شبهه‌زدایی از دل‌های مؤمنان را دریافت. لازمه این مهم نیز آن است که دریا بیم عوامل نفسانی و پدیداری که زمینه شبهه‌پذیری را فراهم می‌آورند کدامند. عوامل درونی به سه دسته شناختی، انگیزشی و رفتاری تقسیم می‌شود. وجود این عوامل سبب شکل‌گیری شبهه در ذهن شده و ذهن را مستعد پذیرش شبهه می‌گرداند. همچنین زمینه استقبال از شبهه یا حمل و اشاعه آن را فراهم می‌کنند.

هـ) عواملِ درونی شبهه‌پذیری

برخی از مهم‌ترین عواملِ درونی شبهه‌پذیری عبارت‌اند از:

۱. فقر معرفتی

هیچ کس جز خدای تعالی از علم مطلق برخوردار نیست. به بیانی دیگر، علم و آگاهی هر کس جز خدا (ما سوی الله) محدود است «وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا». محدودیت آگاهی به فراخور در هر کس وجود دارد و همین عامل اصلی شکل‌گیری و ابتلای به شبهه در انسان و دیگر موجودات دارای عقل است.

روشن است که شکل‌گیری شبهه غیر از شکل‌دادن شبهه و طراحی آن است. شکل‌گیری شبهه امری طبیعی و در بیشتر موارد ناشی از محدودیت آگاهی است. نامفهوم بودن، اشتباه در ادراک، سبب شکل‌گیری طبیعی شبهه است. عامل محدودیت آگاهی عمومی و فراگیر است. از این رو، همه نیازمند استفهام و پیمودن سلوک علمی برای دستیابی به فهم و آگاهی‌اند. این عامل عمومی است و اختصاص به شبهه‌پذیران ندارد؛ ولی همین عامل عمومی می‌تواند سبب تشدید عوامل دیگری شود که به‌طور خاص عاملِ طراحی و نشر شبهه و شبهه‌پذیری گردد.

قدسی‌ترین نمونه محدودیت آگاهی که سبب استفهام برای رفع محدودیت آگاهی گردید، استفهامی است که برای فرشتگان ایجاد شد. هنگامی که خدای تعالی به آنان اعلام کرد قصد دارد آدم را در زمین جانشین گرداند «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۳۰).

۲. پندارگرایی باطل

یکی دیگر از علل انحراف و شبهه‌پذیری، جایگزینی ظن و گمان در موضع علم و یقین است. ظن و گمان هرگز انسان را از کشف حقیقت و واقعیت بی‌نیاز نمی‌کند؛ زیرا تکیه

بر گمان و پندار موجب افتادن در ورطه شایعات و موهومات می‌گردد (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۵۳۰). «وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (یونس: ۳۶) چنین افرادی که در فضای پندار زندگی می‌کنند، تلاش و کوشش لازم برای دستیابی به حق را ندارند و به مرور به قدری در پندارهای بی‌اساس گرفتار می‌شوند که با روشن شدن بطلان افکار و عقایدی که در آن غوطه‌ور هستند، از قبول آن استنکاف می‌کنند، به تدریج عقل نیز دگرگون شده و پرده بر چشم و گوش آدمی افکنده می‌شود و از معارف ناب و خالص دور و منحرف می‌گردد. به بیان دیگر پندارهای باطل از عواملی هستند که نعمت بزرگ ابزار شناخت را از انسان سلب می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۳۸۳). «إِنَّ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاءُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى» (نجم: ۲۳).

پیامد اتکا بر این روش در سیر زندگی، ایجاد زمینه زودباوری و ساده اندیشی را در اخبار پر تکرار و یا منقول از افراد مشهور فراهم آورده و نه تنها موجب شایعه‌پذیری می‌شود، روحیه تحقیق را تضعیف نموده، استقلال فکری وی را تحت تأثیر قرار داده و روان او را برای پذیرش تبلیغات و شبهات فکری آماده می‌سازد، از این رو باعث متزلزل شدن ایمان با ساده‌ترین شبهات می‌گردد (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۲۰). «إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَى وَ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا» (نجم: ۲۷-۳۰) «و آنانکه به روز بازپسین ایمان نمی‌آورند، فرشتگان آن عالم را مؤنث و ماده، نام نهاده‌اند؛ ایشان در این نامگذاری علمی ندارند، و فقط از تخمین و حدس و پندار متابعت می‌کنند. و حقا که ظن و پندار به هیچ وجه انسان را از وصول به حق و واقعیت امر، بی‌نیاز نمی‌گرداند». قرآن به روشنی بیان نموده این نکته را که انکار و شبهه آنان نتیجه اتکاء آنان به پندار است.

۳. دنیاطلبی

دنیاطلبی افراطی یکی دیگر از دلایل تأثیر پذیری انسان از شبهه گرانی است که اقدام به خودنمایی و تفاخر می کنند. حکایت قارون در سوره قصص در بردارنده گزارش گفتار « قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي... » (قصص: ۷۸) و رفتار شبهه گری است که افزون بر گفتار با اقدام عملی، خودنمایی و تفاخر می کوشد دیگران را دچار شبهه کند: «فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (قصص: ۷۹) خروج قارون بر قوم خود، غرق در زینت و تجمل با تصویرسازی از دارایی هایش برای آن است که آنان را به شبهه مورد نظر خود گرفتار کند. چنانکه تا اندازه ای نیز به هدف خویش دست می یابد اما با پاسخ عملی خداوند متعال «فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ...» (قصص: ۸۱)، حقیقت بر مردم عیان گردیده و شبهه باطل می گردد «وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيُكَانَ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيُكَانَهُ لَا يَفْلِحُ الْكَافِرُونَ» (قصص: ۸۲).

۱۶۵



تعیینات شخصیتی شبهه گران و حاملان شبهه در پارادایم نظری اسلام

شبهه پذیران گروهی دنیاطلب بودند که ثروت را بهترین داده هستی می دانستند لذا نه تنها ادعای او را پذیرفتند بلکه آرزوی رسیدن به موقعیت او را در سر پروراندند. قرآن کریم بلافاصله پس از حکایت فعل قارون، مبتلا شدن این گروه را به شبهه و لغزش بیان می کند: «قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ». به این ترتیب، مریدان زندگی دنیا که پیش از این در زمرة بخشی از هشداردهندگان به قارون بودند و او را از انجام کارهای ناشایست نهی می کردند «... إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ * وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (قصص: ۷۶-۷۷)، در کمند نمایش های قارون، گرفتار شبهه

می‌شوند. قرآن اعلام می‌کند که شبهه‌پذیری آنان نتیجه دنیاطلبی است.

۴. نفاق، پیمان‌شکنی و فرقه‌گرایی

بیانات امیرالمؤمنین علیه السلام در بردارنده آن است که سه عنصر نفاق، نکث (پیمان‌شکنی) و فرقه‌گرایی ملازم با شبهه‌پذیری است: «لکل ضله عله، و لکل ناکث شبهه» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۸)، «هر گمراهی‌ای علتی دارد و هر عهدشکنی شبهه‌ای»؛ «احذر کم اهل النفاق، فانهم الضالون المضلون، و الزالون المزلون» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۴) «از اهل نفاق بر حذر می‌دارم؛ زیرا آنان هستند گمراهان و گمراه‌کنندگان و لغزندگان و عوامل لغزش». همچنین آن حضرت اهل فرق را غارهای شبهه می‌نامد: «جای شگفتی است و چرا شگفت‌زده نشوم از خطای این فرقه‌ها در اختلاف حجت و استدلالشان در دین ... اهل حسرت‌ها و غارهای شبهه و اهل نابینایی و گمراهی و بدگمانی». بنابراین منافقان شبهه‌پردازان در سخن، عهدشکنان تکیه‌کننده بر شبهات و فرقه‌گرایان مأمّن و مأوای شبهات‌اند.

در نمونه ذیل به رفتارشناسی در شخصیت منافقان توجه شده و آنان برای اشاعه شبهه نکوهش می‌شوند. «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا» (نساء: ۸۳).

منافق پیش از آنکه مورد شبهه را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بپرسد و در باره آن به اولی‌الامر مراجعه کند، خبر مربوط به امن یا خوف را نشر می‌دهد؛ یعنی قبل از علم و اطمینان از درستی خبر به اشاعه آن می‌پردازد. ممکن است، آنچه منتشر می‌کند الزاماً نادرست نباشد، ولی علت استقبال منافق از چنین خبری و اشاعه آن ایجاد اختلال در فهم واقع است که نوعی شبهه‌پذیری و شبهه‌گری است.

و) عوامل بیرونی شبهه‌پذیری

از طرف دیگر عوامل بیرونی شبهه‌پذیری عبارت‌اند از:

۱. عوامل پدیداری

دسته‌ای دیگر از عوامل شبهه‌پذیری بیرون از وجود انسان‌اند. این عوامل از بیرون بر انسان اثرگذار بوده و سبب شکل‌گیری شبهه در ذهن یا استقبال و نشر آن می‌شود. برخی از این عوامل عبارت‌اند از:

۲. وسوس شیطان

وسوسه‌های شیطانی از جمله عوامل بیرونی است که زمینه‌ی ایجاد یا نشر شبهه در شبهه‌پذیر را فراهم می‌سازد. پیروی از شیطان سبب استقبال از شبهه و دامن‌زدن به آن است «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ» (حج: ۳)؛ زیرا سبب مجادله‌ی بدون علم می‌گردد، و مجادله به‌ویژه مجادله‌ی جاهلانه راه را بر فهم و قبول حقیقت سد می‌نماید. «من کثر نزاعه بالجهل دام عماه عن الحق؛ و من زاغ سائت عنده الحسنه؛ و حسنت عنده السيئه، و سکر سکر الضلاله»؛ «کسی که بر اثر نادانی زیاد نزاع کند، در بی‌اطلاعی از حق دوام می‌آورد و کسی که دست از حق کشید، کارهای خوب در نظرش ناپسند آید و کارهای بد برای او جلوه کند و به مستی گمراهی مست شود» (نهج البلاغه، حکمت ۳۱). شیطان با استمداد از هر شهوتی مؤمنان را به شبهه مبتلا ساخته و او را از دستیابی به جزم علمی و عزم عملی باز می‌دارد. چاره مقابله با این عامل بیرونی استعاذه از شیطان است «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا» (آل عمران: ۱۵۵).

۳. فتنه‌گری مشرکان

فتنه‌گری مشرکان یکی دیگر از عوامل بیرونی شکل‌گیری و طرح شبهه است که زمینه‌ی گرفتاری در دام شبهه را فراهم می‌آورد. مقصود از فتنه‌گری مشرکان، ویژگی اجتماعی منکران و مشرکان است که با القای شبهات در جامعه ایمانی مسلمانان سعی در انحراف و

التقاط در باورها و اعتقادات آنان دارند. آیات ذیل شاهد بر فتنه‌گری مشرکان برای ایجاد شبهه و اختلال در دین‌داری است: «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا» (بقره: ۲۱۷)؛ «وَأَنْ أَحْكُمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتُتُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ» (مائده: ۴۹) و «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (انفال: ۳۹).

نتیجه

تبیین ویژگی‌های شبهه‌پردازان و عوامل وجودی و پدیداری شبهه‌پذیری در پارادایم اسلام، بصیرت افراد را در مورد این دسته از جنود شیطان ارتقاء می‌بخشد و زمینه عدم اعتماد مسلمین و مؤمنین را نسبت به این گروه‌ها فراهم می‌آورد. تحلیل داده‌های اسلام‌روشنگر این واقعیت است که شبهه‌گران، افرادی متکبر و سطحی‌نگر هستند که راه‌های پذیرش حق و هر گونه تذکر معرفتی را بر خویش مسدود نموده‌اند. رویگردانی از معارف در مقام ثبوت یا اثبات موجب می‌گردد فرد مبتلا به ضلالت شده و از ولایت الهی خارج و تحت ولایت شیطان درآید. این افراد خواسته یا ناخواسته در صف دشمنان خداوند متعال بوده، رفتار و سلوک ایشان موجب گمراهی سایرین می‌گردد.

در پارادایم اسلام اگر چه شبهه‌پذیران انحراف معیاری کمتری از شبهه‌گران دارند لکن اگر عوامل ابتلا به شبهه را در خویش اصلاح نمایند، احتمال ضلالت آنان و قرار گرفتن در جنود شیطان برای ایشان بسیار است، لذا در گزاره‌های دینی، عوامل شبهه‌پذیری نیز شناسایی شده است؛ این عوامل برخی درونی هستند از جمله فقر معرفتی، پندارگرایی، دنیاطلبی، نفاق، پیمان‌شکنی و فرقه‌گرایی و برخی پدیداری‌اند مانند وساوس شیطانی و فتنه‌گری. مسلم است که هر دو شناخت و آگاهی، توأمان سطح انحراف جامعه را از طریق القاء و ترویج شبهه به نحوی معنادار کاهش می‌دهد.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

** نهج البلاغه (للصبحی صالح)؛ ط ۱، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۹/۱۰/۱۸.
۳. التهانوی، محمد علی، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت: مکتبه ناشرون، [بی تا].
۴. جرجانی، علی بن محمد، التعریفات، بیروت: ابراهیم آبیاری، ۱۴۰۵ ق.
۵. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: اسراء، ۱۳۸۰.
۶. ———، مراحل اخلاق در قرآن، ایران: اسراء، ۱۳۸۶.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: آل البیت، ۱۴۰۹ ق.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، محقق: دکتر معین، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، محقق: سید محمد گیلانی، تهران: [بی تا]، ۱۳۲۲.
۱۰. رامپوری، غیاث الدین محمد بن جلال الدین بن شرف الدین، غیاث اللغات، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۵.
۱۱. شبیر، سید عبدالله، الاخلاق، ترجمه: محمدرضا جباران، چاپ چهارم، قم: انتشارات هجرت، ۱۳۷۸.
۱۲. شریفی، عنایت الله، «اصول و روش های تبلیغی در قرآن (۳) اصل تذکر»، ماهنامه مکتب اسلام، شماره ۳، ۱۳۸۱.

۱۳. الشیرازی (ملاصدرا)، صدرالدین محمد، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، الطبعة الثالثة، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.
۱۴. صفی پوری شیرازی، عبدالرحیم بن عبدالکریم، منتهی الارب فی لغه العرب، تصحیح و تعلیق: فؤادیان، محمدحسن؛ حاجیان نژاد، علیرضا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
۱۵. طبری، محمد بن جریر بن یزید، جامع البیان فی تأویل آی القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۲۰ ق.
۱۶. غزالی طوسی، ابو حامد محمد بن محمد، احیاء العلوم الدین، ترجمه: خوارزمی، موبدالدین محمد، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۸.
۱۷. فارابی، محمد بن محمد، التعليقات به ضمیمه کتاب التنبیه علی سبیل السعادة، تهران: جعفر آل یاسین، ۱۳۷۱.
۱۸. فخر رازی، محمد بن عمر، المباحث المشرقیة فی علم الالهیات و الطبیعیات، قم: چاپ افست، ۱۴۱۱ ق.
۱۹. فضل الله، محمد حسین، الحوار فی القرآن الکریم، دمشق: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. فضل الله، محمد حسین، گفت و گو تفاهم در قرآن: روشها الگوها و دستاوردهای گفت و گو، ترجمه: سید حسین میردامادی، تهران: مرکز بین المللی گفت و گوی تمدن‌ها با همکاری انتشارات هرمس، [بی تا].
۲۱. فلاح، محمد جواد، «تبیین جایگاه «تذکر» در تبیین و پاسخ به سؤالات دینی از منظر قرآن»، مطالعات شبهه‌پژوهی، شماره ۱، ۱۴۰۱.
۲۲. قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.

۲۳. کلینی، یعقوب، اصول کافی، تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۵.

۲۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۲۵. مصباح یزدی، محمدتقی، آفتاب مطهر: زندگی، اندیشه و خدمات علمی و فرهنگی آیت‌الله مرتضی مطهری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۹۱.

۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن (علم و معرفت در قرآن)، قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۰.

۲۸. نراقی، محمد مهدی، جامع السعاده، قم: مؤسسه مطبوعاتی ایرانین، ۱۳۸۳ ق.

۲۹. نفیسی (ناظم الاطباء)، علی‌اکبر، فرهنگ نفیسی، تهران: خیام، ۱۳۵۵.



Table of Contents

Methodological Considerations in How to Face the New Atheism

Hamidreza Shakerin..... ٥

The Origin and Primer of the Religious Science Doubts

Ramezan Alitabar ٢٩

Typology of Historical Religious Doubts and Their Tricks

Mustafa Mohseni ٥٧

Research Needs Assessment in the Field of Religious Doubts Study

Ahmad Reza Famil Dardashti ٨١

Answering Questions from the Perspective of the Holy Qur'an (Basics, Goals, Methods and Examples)

Majid Khamushi ١١٥

Personality Determinants of Doubt-raisers and Carriers of Doubts in the Theoretical Paradigm of Islam

Faranak Bahmani / Saeed Bahmani ١٤٣

A Bi - Quarterly Journal of

Motaleate Shobhepajouhi

Religious Doubts Studies

Vol. ۱ • issu. ۲ • Autumn ۲۰۲۲ and Winter ۲۰۲۲

Publisher: Center for studies and answering to religus doubts in the Islamic Seminary of Qom

Director-in-Charge: Mohammad Baqir Pouramini

Editor-in-Chief: Mohammad Ja'fari

Editorial Secretary: Mahdi Hekmat

Associate Editor: Mohammad Mohammadi

Page Setup: Sajjad Naseri

Editorial Board:

Abbas Ka'abi

Professor of Islamic Seminary of Qom

Mohammad Baqir Pooramini

Assistant Professor of Research Institute for Islamic Culture and Thought

Mohammad Jafari

Associate Professor of Imam Khomeini Education & Research Institute

Rasoul Razavi

Associate Professor of Quran & Hadith University

Abulfazl Sajedi

Professor of Imam Khomeini Education & Research Institute

Hamid-Reza Shakerin

Associate Professor of Research Institute for Islamic Culture and Thought

Mohammad Fanaei Eshkevari

Professor of Imam Khomeini Education & Research Institute

Hamid Karimi

Associate Professor of Iran University of Science and Technology

Reza Mohammadi Shahrudi

Professor of Islamic Seminary of Qom

Address: Jafaria Seminarl School, Alley ۶, Shahid Keyvanfar Blvd, Qom, Iran.

Website: www.shobhepajouhi.ir

E-mail: m.shobhepajouhi@gmail.com

Tel: +۹۸-۲۵۳۶۶۱۶۸۰۹